

رسانه‌ها مراقب ترویج
تفکر غلط غربی باشند

میلاد باسعادت حضرت فاطمه زهرا (س)
و روز مادر مبارک باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۱۶ | دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ | ۸ دسامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه



یعقوب ربیعی

جنگ در حیات خلوت



مهدی عامری

آزمون بلوغ فکری جامعه



نوید کمالی

معجزه شفافیت

جمهوری اسلامی ایران محور بازآرایی نقشه جدید امنیتی منطقه

سپاه معمار مبارزه با تروریسم



پرونده

نیروی دریایی سپاه صحنه قدرت جدید خود را
در خلیج فارس رونمایی کرد

عقب نشینی ناوهای آمریکایی

رزمایش سه‌هنگام ۲۰۲۵
چگونه روایت انزوای
ایران را برهم زد؟



پرونده



دیدگاه



نیم نگاه

روایت‌های متناقض!



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

رفت‌وآمد «وینکاف» و «کوشنر» به مسکو برای سنجش امکان دست‌یابی به توافق بزرگ میان ترامپ و پوتین، از یک شکاف بزرگ پرده برداشت؛ در حالی که کاخ سفید و مقامات آمریکایی از پیشرفت و گفت‌وگوهای سازنده سخن می‌گویند، روایت کرملین و خود پوتین تأکید می‌کند که بر سر مسائل اساسی، به ویژه مسائل مربوط به قلمرو، هیچ مصالحه‌ای به دست نیامده است؛ دیدار طولانی‌تر و مستقیم وینکاف و کوشنر با پوتین نیز این تصویر را تثبیت کرد. در مصاحبه‌ای، پوتین ضمن اشاره به برنامه ۲۸ بندی آمریکا تأکید کرد، مسکو برخی مفاد آن را «غیرقابل قبول» می‌داند و اگر اوکراین دوبنیا را واگذار نکند، روسیه آماده است «این منطقه را با زور» تصرف کند. به بیان دیگر، پوتین پایسان جنگ را به نوعی به رسمیت شناختن دست‌کم تمام دونباس و تداوم کنترل روسیه بر کریمه و سایر مناطق اشغالی گره می‌زند.

البته طرح صلح بیست‌وهشت ماده‌ای ترامپ در متن اولیه خود به‌شدت نزدیک به خواسته‌های راهبردی کرملین بود. شناسایی کنترل روسیه بر کریمه و دونباس، محدودسازی اندازه و توان ارتش اوکراین و متوقف کردن مسیر عضویت کی‌یف در ناتو از این دست هستند.

اما به هر حال ترامپ فعلاً چاره‌ای جز حفظ قالب طرح ۲۸ بندی، خرد کردن آن در چند «بسته» موضوعی، ادامه گفت‌وگو با روسیه و هم‌زمان افزایش فشار سیاسی بر کی‌یف برای پذیرش نوعی مصالحه، ولو به شکل «آتش‌بس موقت» یا «توافق انتقالی» ندارد.

بر این اساس، چند سناریو برای آینده این جنگ تصور می‌شود. اولین مورد آن است که آمریکا به دنبال یک صلح تحمیلی بر محور دونباس برود؛ اگر فشار آمریکا و خستگی جنگ در غرب به جایی برسد که کی‌یف ناچار شود کنترل روسیه بر بیشتر دونباس و کریمه را تحمل کند و از ناتو صرف‌نظر کند، امکان دارد پوتین به یک آتش‌بس رسمی تن دهد. سناریوی محتمل بعدی، آتش‌بس بر اساس خطوط نبرد فعلی، ایجاد مناطق حائل و حضور ناظران بین‌المللی، بدون حل‌وفصل نهایی مسئله مرزهاست. چنین توافقی به ترامپ اجازه می‌دهد ادعای «پایان جنگ» کند و به پوتین فرصت بازآرایی بدهد، اما وضعیت حقوقی خاک اوکراین را معلق می‌گذارد. سوم، شکست کامل روند صلح و بازگشت به جنگ فرسایشی است؛ یعنی مسکو با اطمینان از ضعف جبهه دیپلماتیک، حملات برای تصرف کامل دونباس را تشدید کند و غرب در واکنش، کمک‌های نظامی را افزایش دهد. در این حالت، خطوط نبرد ممکن است در میان‌مدت دوباره تثبیت شود، اما هزینه انسانی و اقتصادی برای همه طرف‌ها بالا می‌رود، بدون آنکه افق سیاسی روشنی شکل بگیرد.

اینکه کدام سناریو به واقعیت تبدیل شود، به فاکتورهای زیادی، از جمله وضعیت میدان، توازن نیرو در سیاست داخلی آمریکا، انسجام نظر اروپایی‌ها در برابر روسیه و همچنین تصمیمات خود کی‌یف درباره خطوط قرمز مربوط می‌شود؛ اما آنچه از گفت‌وگوهای اخیر در مسکو برمی‌آید، این است که هنوز فاصله میان خواسته‌های حداکثری کرملین و حداقل خواسته‌های اوکراین و غرب آنقدر زیاد است که پایان واقعی جنگ، بیش از آنکه در اتاق‌های در بسته مسکو و میامی رقم بخورد، همچنان در میدان جنگ و در سیاست داخلی پایتخت‌های غربی تعیین خواهد شد.



یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی

در تاریخ روابط بین‌الملل، ایالات متحده آمریکا همواره نیمکره غربی را حیاط خلوت استراتژیک خود تعریف کرده است. این روزها این انگاره کهن اما خطرناک، بار دیگر در حال احیاست و این بار ونزوئلا در کانون تندباد این سیاست تهاجمی قرار دارد. دولت دونالد ترامپ با تجمع بی‌سابقه ناوگان‌های جنگی در دریای کارائیب، تهدید مستقیم به حمله زمینی و به‌کارگیری ادبیات جنگی، صحنه‌ای را خلق کرده که پژواک بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ را در ذهن زنده می‌کند.

اما به نظر می‌رسد این نمایش قدرت، تنها بخشی از یک پازل بزرگ‌تر ژئوپلیتیک است. شاهد این قضیه را باید در جهانی جست که آتش جنگ در اوکراین هنوز خاموش نشده و تنش در تنگه تایوان هر لحظه اوج می‌گیرد، واشنگتن گویا مصمم است تا جبهه سومی نیز در همسایگی خود بگشاید.

نقاب از جنس مخدر

دولت ترامپ، شعار اصلی خود برای توجیه تحرکات نظامی علیه کاراکاس را جنگ جدید علیه مواد مخدر قرار داده است. روایتی که در آن «نیکلاس مادورو» و مقامات ارشد دولتش به رهبری یک سازمان تروریستی مواد مخدر متهم شده‌اند. این اتهام‌زنی سنگین، در حالی صورت می‌گیرد که حتی نهادهای رسمی خود ایالات متحده، روایت مورد ادعای کاخ سفید را تأیید نمی‌کنند.

گزارش ارزیابی ملی تهدید مواد مخدر که نهادهای مبارزه با مواد مخدر آمریکا منتشر کرده‌اند، صراحتاً مکزیک و کلمبیا را منابع اصلی قاچاق مواد مخدر به داخل خاک این کشور معرفی می‌کند. در این گزارش، ونزوئلا نه یک تولیدکننده، بلکه تنها یک مسیر ترانزیتی



حسین چخماقی

خبرنگار

در هر دولتی، ساختار کابینه به منزله موتور اصلی تصمیم‌سازی و اجرای سیاست‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت اداره کشور و میزان رضایت عمومی دارد. تجربه‌های گذشته در ایران نیز نشان داده است، بازنگری به‌موقع در ترکیب کابینه، نه نشانه‌ای از ضعف دولت، بلکه نشانه‌ای از پویایی، شجاعت سیاسی و توجه به خواست مردم است. زمانی که عملکرد برخی وزارتخانه‌ها با نیازهای روز جامعه یا برنامه‌های دولت فاصله می‌گیرد، نخستین گام اصلاحی، بازسازی تیم مدیریتی و تزریق نیروهای تازه‌نفس، متخصص و کارآمد به مجموعه دولت است.

از سوی دیگر، ترمیم کابینه فرصتی برای بازسازی اعتماد عمومی نیز به‌شمار می‌رود. مردم به‌ویژه در وضعیت اقتصادی و اجتماعی دشوار، انتظار دارند دولت بازخورد عملکرد خود را ببیند و در صورت مشاهده کاستی‌ها، به تغییر دست بزند. در چنین فضایی، تغییر چهره‌ها و ورود مدیرانی با انگیزه و نگاه تازه می‌تواند امید اجتماعی را تقویت کند و نشانه‌ای عملی از پاسخگویی دولت به مطالبات جامعه باشد. با این حال، موفقیت این فرآیند منوط به آن است که شخص رئیس‌جمهور نسبت به اصلاح ترکیب تیم خود نگاه تدافعی یا گارد بسته نداشته باشد. پذیرش نقد و باز

سر مقاله

جنگ در حیاط خلوت

تغییر رژیم در کاراکاس، به معنای بستن این پنجره نفوذ به حیاط خلوت آمریکاست. اما تجربه جنگ عراق به وضوح نشان داد که لشکرکشی برای نفت، می‌تواند به بحرانی بی‌پایان، هزینه‌های نجومی و بی‌ثباتی ماندگار منجر شود، بی‌آنکه منافع مورد انتظار محقق شود. نشریه «فارن پالیسی» نیز صراحتاً هشدار داده که سیاست ترامپ در ونزوئلا می‌تواند به تکرار فاجعه عراق و افغانستان بینجامد. دقیق و آینده‌پژوهانه نمی‌توان سخن گفت، ولی یک چیز را از همین الان می‌توان احتمال داد که آمریکا ممکن است به هر بهانه‌ای بخواهد پای رقبایش را از ونزوئلا قطع کند؛ ولی رفتار نابخردانه و نسنجیده می‌تواند به باتلاقی مانند ویتنام یا عراق یا افغانستان تبدیل شود که نه تنها آینده سیاسی ترامپ، که حتی آینده آمریکا را با چالش‌هایی مواجه کند. باید در دوگانه بهشت و جهنم ببینیم که در به کدام سواز می‌شود!

جنگ پیاده‌نظام‌ها

در کنار تهدید نظامی مستقیم، واشنگتن به موازات، جبهه داخلی پیچیده‌ای را در ونزوئلا مدیریت می‌کند. اِسن را می‌توان جنگ «پیاده‌نظام‌ها» نام نهاد؛ نبردی برای ایجاد، تقویت و به قدرت رساندن یک آلترناتیو سیاسی وفادار. در این سو، آمریکا و متحدانش تمام وزن دیپلماتیک و رسانه‌ای خود را پشت ماریا کورینا ماچادو، رهبر مخالفان و برنده جایزه صلح نوبل، قرار داده‌اند. هدف مشروعیت‌بخشی به یک آلترناتیو و آماده‌سازی صحنه برای یک تغییر رژیم تحت‌الحمایه است. حالا مشخص می‌شود که آن جایزه خوش‌رنگ نوبل برای چه بود و اهدافش چیست؟

در مقابل، نیکلاس مادورو با آگاهی از خطر، به بسیج گسترده مردمی روی آورده است. او فرمان فعال‌سازی یک بسیج چند میلیون نفری را صادر کرده و از تشکیل یگان‌های شبه‌نظامی محلی در بیش از ۱۵ هزار پایگاه دفاعی خبر داده است. این حرکت آشکارا با هدف عمق بخشیدن به دفاع در برابر هرگونه تهاجم خارجی صورت گرفته است.

در جست‌وجوی هوای تازه

ترمیم کابینه، گامی عملی برای تقویت سرمایه اجتماعی

احتمالی واکنش نشان داده و از نمایندگان درخواست کرده که به جای استیضاح، به دولت فرصت کار بیشتر بدهند.

در مقابل، نمایندگان درخواست‌کننده استیضاح وزرای دولت نیز این چنین استدلال می‌کنند که «می‌خواهیم با خروج نیروهای ضعیف و ناکارآمد به دولت پزشکیان کمک کنیم تا بتواند در ادامه مسیر قوی‌تر و کارآمدتر ظاهر شود. اگر نگاه سیاسی داشتیم، همان ابتدا به کل کابینه رأی اعتماد نمی‌دادیم؛ امروز ترمیم کابینه را امری لازم و ضروری می‌دانیم». از سوی دیگر، نمایندگان و کنشگران سیاسی انتظار دارند در مقطع فعلی، شخص رئیس‌جمهور دست به کار شود و با رصد دقیق عملکرد وزرایش، نیروهای ضعیف را از بدنه دولت خارج کند تا هوای تازه بر دستگاه اجرایی دمیده شود، چرا که با وجود اظهار نظر وی مبنی بر اصلاح در فرآیند سازوکارها، اقدام چشمگیری صورت نگرفته است.

به اعتقاد این طیف، رئیس‌جمهور باید با کنار گذاشتن وزرای ناکارآمد از بدنه دولت، این پیام را به جامعه منتقل کند که وفاق و همکاری در عمل میان دولت و مجلس وجود دارد. تا به امروز، تحلیل و تفسیرهای متعددی درباره ترمیم کابینه از سوی رسانه‌ها، سیاست‌پوین و نمایندگان مجلس ارائه شده است. حال باید دید که آیا رئیس‌ دولت ترجیح می‌دهد که خود برای اصلاح در ترکیب کابینه اقدام کند یا تلاش برخی نمایندگان برای استیضاح‌ها جواب

ناظران این مدل بسیج مردمی و یکپارچه‌سازی آن با ساختار دفاعی رسمی را متأثر از الگوی بسیج در انقلاب اسلامی ایران می‌دانند؛ الگویی که بر مقاومت نامتقارن و اتکا به نیروی مردمی در برابر ارتش‌های متعارف تأکید دارد. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند سناریوی محتمل برای واشنگتن، نه یک حمله تمام‌عیار خاکی، که می‌تواند به فاجعه‌ای دیگر بینجامد، بلکه ترکیبی از حملات هوایی محدود، تشدید محاصره اقتصادی و حمایت از نیروهای مخالف برای ایجاد بی‌ثباتی داخلی است تا شاید مادورو را به سمت مذاکره برای کناره‌گیری سوق دهد.

ریسک خطرناک یانکی‌ها

تهدید نظامی آمریکا علیه ونزوئلا، حمله‌ای صرفاً برای نفت یا مبارزه با مواد مخدر نیست. این حرکت جلوه‌ای از یک بازنگری خطرناک در دکترین مونرو برای قرن بیست‌ویکم است. در جهانی که چندقطبی شدن آن اجتناب‌ناپذیر است، واشنگتن تلاش می‌کند با نمایش قدرت در نزدیک‌ترین عرصه ژئوپلیتیکی خود، هم اقتدار از دست‌رفته را بازسازی کند، هم منابع حیاتی را تصاحب کرده و هم نفوذ رقبای جهانی را به عقب براند.

با این حال، تجربه تاریخی و واقعیت‌های میدان نشان می‌دهد، این مسیر پرخطر است. مقاومت مردمی درون ونزوئلا، مخالفت‌های داخلی در خود کنگره آمریکا، و محکومیت‌های بین‌المللی، همگی موانعی جدی بر سر راه این پروژه امپریالیستی هستند. آیا ونزوئلا به عراق دیگری برای آمریکا تبدیل خواهد شد؟ پاسخ این سؤال نه در پنتاگون، که در اراده مردم ونزوئلا و درس‌هایی نهفته است که قدرت‌های بزرگ اغلب از یاد می‌برند. مقاومت مردمی، هنگامی که برخاسته از حفاظت از حاکمیت ملی باشد، می‌تواند گران‌ترین و پیچیده‌ترین محاسبات نظامی را با شکست مواجه کند.

می‌دهد. در چنین شرایطی، به نظر می‌آید اقدام سریع و هدفمند دولت در ترمیم کابینه، نمادی از مسئولیت‌پذیری، آگاهی از نقاط ضعف و عزم واقعی برای اصلاح امور خواهد بود و می‌تواند راه را برای دستیابی هرچه بهتر و بیشتر به سوی «سرمایه‌گذاری برای تولید» هموار کند.

مردم ایران در طول جنگ دوازده‌روزه جان و مال خود را به پای دفاع از کشور گذاشتند و حالا انتظار دارند دولت یک گام فراتر از بازنمایی مشکلات و مدیریت بحران صرف بردارد و با اقدامات اصلاحی و ترمیمی، مسیر بهبود نقاط

ضعف را تضمین کند. کلام پایانی آنکه جامعه انتظار دارد رئیس‌جمهور با رویکردی عمل‌گرایانه و بی‌تعصب، از ظرفیت این «تغییرات سازنده» برای افزایش هماهنگی در دولت و بهبود خدمت‌رسانی به مردم بهره ببرد. ترمیم به‌موقع کابینه می‌تواند نقطه عطفی در عملکرد هر دولت باشد؛ فرصتی برای بازتعریف اهداف، تجدید روحیه در مدیران و حرکت در مسیر کارآمدی بیشتر؛ مسیری که ثمره آن، رضایت مردم و استحکام اعتماد عمومی به نهاد دولت خواهد بود؛ به بیان دیگر، ترمیم کابینه افزون بر پاسخی به ضعف‌ها و کاستی‌های یک سال و اندی گذشته، فرصتی است تا دولت پیام روشنی به مردم بدهد که با وجود تمام فشارها و مشکلات، مسیر اصلاح و بهبود را جدی گرفته است.

نماینده ولی فقیه در سپاه در دیدار با خانواده شهدای اقتدار

صبر خانواده شهدا مانند شهادت ارزشمند است



علیرضا خوب بخت

خبرنگار

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه دیدار با خانواده معظم شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه در سفری یک روزه در معیت سر تیپ دوم پاسدار کیامرث منصوری، مسنول ایثارگران سپاه پاسداران به استان زنجان رفت. حجت‌الاسلام حاجی صادقی در جمع خانواده معظم شهدای این استان با تأکید بر جایگاه والای شهدا و اهمیت صبر خانواده‌های آنان، گفت: «هدف از سفر به استان‌ها دیدار با خانواده‌های شهداست تا سلام رهبر معظم انقلاب را نیز به خانواده‌ها برسانیم.»

وی با اشاره به فداکاری شهدا، افزود: «شهدا جان خود را ارزان نفروختند. آنها ضربه مهلکی به دشمن زدند و با فداکاری خود دین خدا را حفظ کردند. برخی می‌پرسند چرا امام حسین (ع) جان خود و

اهل بیئت را در کربلا فدا کرد؟ پاسخ روشن است: برای بقای دین خدا. عزیزان شما نیز با ایستادگی و مجاهدت خود، دشمن را در بیش از ۲۰ سال و در ده‌ها برنامه‌ریزی مختلف شکست دادند. دشمنان تلاش کردند انقلاب را محاصره و تضعیف کنند، اما مقاومت شما و فداکاری فرزندان‌تان، تیر خلاص آنان را ناکام گذاشت.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی ادامه داد: «شهدا لحظات سختی را تا رسیدن به شهادت تحمل کردند. جوانان ما با شجاعت و ایمان، خود را آماده این لحظه کردند و خداوند پاداش آنان را عطا کرده است. برای خانواده‌های شهدا، صبر و مقاومت بسیار سخت است، چرا که فقدان عزیزان‌شان دشواری و درد بزرگی است. اما بدانید، این صبر

شما مانند پاداش شهدا ارزشمند است و شما مصداق صابرون قرآن هستید.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به نقش خانواده‌ها در استمرار انقلاب، گفت: «خانواده شهدا مکمل نهضت عاشورایی هستند و صبر آنان مانع خاموشی نور اسلام و انقلاب اسلامی می‌شود. یادمان باشد حضرت زینب(س) نیز نمونه کامل صبر در مسیر حفظ دین بود.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی همچنین با تأکید بر جایگاه رهبر معظم انقلاب، افزود: «خداوند ما را پس از امام، به رهبری از جنس امام هدیه کرد که بیش از ۳۴ سال است انقلاب را از انواع فتنه‌ها و گردنه‌های سخت عبور داده است. ایشان همواره مشتاق دیدار خانواده‌های شهدا بوده و هستند،

شهدای استان زنجان در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

رضنا نجفی، علی توری، مجید قاسمی، اکبر عزیزی، محمدرضا فروغی‌راد، حمید مهری، حمید طوماری، حسن رسولی

نیروی دریایی سپاه صحنه قدرت جدید خود را در خلیج فارس رونمایی کرد

عقب‌نشینی ناوهای آمریکایی

اعلام شد. سامانه‌های پدافندی «مجید» و «میشاق» نیز در شرایط جنگ الکترونیک با بهره‌گیری از هوش مصنوعی اهداف پروازی و دریایی را شناسایی و منهدم کردند. همچنین ریز پرنده‌های عملیاتی با برد بیش از ۱۰ کیلومتر نقش پشتیبانی اطلاعاتی و شناسایی را بر عهده داشتند.

حضور زیرسطحی‌های هوشمند

یکی از بخش‌های برجسته رزمایش، استفاده از نسل جدید سلاح‌ها و تجهیزات زیرسطحی بود. این ادوات که «کاملاً هوشمند و پیشرفته» توصیف شده‌اند، از برد عملیاتی بالا برخوردارند و حضور آنها نشان‌دهنده ارتقای توانایی‌های زیرسطحی نیروی دریایی سپاه در مأموریت‌های پنهان‌کارانه و اشراف در اعماق دریاست.

آزمایش منطق با پدافند غیرعامل

سردار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه، درباره ابعاد این رزمایش گفت: «در این رزمایش موشک‌های بالستیک و کروز نیروی دریایی سپاه منطق با پدافند غیرعامل آزمایش شدند.» او توضیح داد که این موشک‌ها «در عمق بالا اهدافی را در دریا مورد هدف قرار دادند». این بخش از رزمایش تأکیدی بر توان حمله از مناطق داخلی

کشور و شلیک از عمق به سوی اهداف دریایی است.

شلیک گسترده موشک‌ها

در مرحله دوم رزمایش، «انبوهی از موشک‌های بالستیک و کروز نقطه‌زن برد بلند» شلیک شد. موشک‌های کروز «قدر ۱۱۰»، «قدر ۳۸۰»، «قدیر» و موشک بالستیک «۳۰۳» از نقاط مختلف در عمق کشور پرتاب شدند و «با دقت بالا همه اهداف پیش تعیین‌شده در دریای عمان را با اصابت هم‌زمان منهدم کردند». هم‌زمان سامانه‌های پهیادی نیز به پایگاه‌های شبیه‌سازی شده دشمن حمله کرده و آنها را با موفقیت نابود کردند. طبق اعلام رسمی، پایداری سامانه‌های رزمی، مقابله با جنگ الکترونیک و اجرای عملیات ترکیبی از اهداف اصلی این بخش بود.

نمایش تسلیحات هوشمند

امیر سرتیپ حیدری، جانشین فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، با اشاره به مأموریت این قرارگاه گفت: «رزمایش‌ها بهترین عرصه برای نمایش آمادگی نیروهای مسلح پیش از هر نبرد محسوب می‌شوند.» وی تأکید کرد که در این رزمایش، فرمان فرمانده کل قوا درباره «قوی شدن، روی پای خود



اما به دلیل شرایط کشور، این دیدارها محدود و خصوصی برگزار می‌شود. وظیفه ماست که در این شرایط، خدمت شما خانواده‌ها برسیم و پیام سلام و محبت ایشان را منتقل کنیم.» وی درباره عملکرد استان زنجان در دفاع مقدس ۱۲ روزه گفت: «استان زنجان در جنگ اخیر شکوه و عظمت خود را نشان داد. خون فرماندهان و جوانان رشید این استان در راه خدا ریخته شد تا انقلاب اسلامی و زمینه‌ساز ظهور استمرار پیدا کند. شهدای شما با رجعت، در زمان امام‌زمان(عج) باز خواهند گشت و خانواده‌های آنان نقش مهمی در تربیت نسل جدید رزمندگان خواهند داشت.» در پایان، حجت‌الاسلام حاجی صادقی با دعا برای صبر و سلامت خانواده‌های شهدا افزود: «خداوند به خانواده‌های شهدا صبر و توان دهد و این عزیزان را همانند پدران‌شان، مجاهدان و سربازان اسلام و امام زمان تربیت کند.» سپس نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران به صورت جداگانه با ۱۳ خانواده شهید جنگ ۱۲ روزه این استان دیدار و ضمن ابلاغ سلام رهبر معظم انقلاب با اهدای لوح و هدایا از مجاهدت این عزیزان تجلیل به عمل آورد.

ایستادن و ابتکار عمل داشتن» تحقیق یافته است. او افزود در رزمایش اخیر «تسلیمات دوزنن، نقطه‌زن و هوشمند» که همگی ساخت داخل اند، به‌کار گرفته شد و ضمن قلدردانی از نیروهای دریایی سپاه، اعلام کرد که «بخشی از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های نوآورانه این رزمایش به دلیل ملاحظات امنیتی محرمانه باقی خواهد ماند.»

تجهیز برای رزم دریایی

سرلشکر محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران نیز درباره ویژگی‌های رزمایش اظهار داشت: «نیروی دریایی سپاه به همه سلاح‌های لازم برای رزم دریایی مجهز شده است.» او تأکید کرد: «هر چیزی که در یک رزم دریایی لازم باشد، اکنون در نیروی دریایی سپاه سازماندهی شده است.»

اشراف اطلاعاتی

در بخش دیگری از رزمایش، دریادار علیرضا تنگسیری بر تسلط اطلاعاتی سپاه در منطقه تأکید کرد و گفت: «در این رزمایش هم اشراف زیر سطح را انجام می‌دهیم، هم اشراف سطح را انجام می‌دهیم و هم بالای ارتقاء را انجام می‌دهیم.» وی تصریح کرد: «ما در خلیج فارس اشراف اطلاعاتی دائمی داریم.»

قرار دهند، اما پشتیبانی مردم از نیروهای مسلح و نقش آفرینی هوشمندانه سپاه، نقشه‌ها را نقش بر آب کرد.

همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود.» امروز نیز همان حقیقت پابرجاست. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر فشارهای خارجی با صلابت ایستاده و همچنان یکی از ستون‌های اصلی امنیت ملی و پشتوانه آرامش مردم است؛ رزمایش شهید ناظری یادآور این حقیقت است که امنیت ما هدیه‌ای خارجی نیست؛ دستاورد ملتی است که می‌ایستد، مقاومت می‌کند و عزت خود را پاس می‌دارد. خلیج‌فارس تنها شاهد رزمایش نظامی نبود؛ شاهد تداوم روح مقاومت یک ملت بود. ملتی که راهش را با آرامش، اما با اقتدار ادامه می‌دهد. حقیقتی که رزمایش اخیر شهید ناظری بار دیگر آن را یادآور شد.

دیدگاه

شماره ۱۲۱۶ | دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

صداق

رهنمود

رهبر معظم انقلاب

رسانه‌ها مراقب ترویج تفکر غلط غربی باشند

هزاران نفر از زنان و دختران مناطق گوناگون کشور، چهارشنبه ۱۲ آذرماه با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. در ادامه بخش‌هایی از بیانات رهبر معظم انقلاب در این دیدار آورده می‌شود.

– درباره حضرت زهر(س) فضایل ایشان را بخواهیم بشمریم، حد و حصر ندارد. در یک جمله اگر بخواهیم این بزرگوار را معرفی کنیم، باید بگوییم انسان عرشی، انسان کامل، مثل بقیه معصومین، انسانند، اما اهل عرشند.

– در جمهوری اسلامی نشان داده شد که زن مسلمان و مقید، بانوی باحجاب و مقید به پوشش اسلامی می‌تواند در همه عرصه‌ها پیشرفته‌تر از دیگران حرکت بکند. می‌تواند نقش‌آفرین باشد، هم در جامعه، هم در خانه. غرب می‌گوید اگر چنانچه زن حجاب داشته باشد و این محدودیت‌ها را برای خودش معین بکند، از پیشرفت بازمی‌ماند! جمهوری اسلامی این منطق غلط را باطل کرد، زیر پا له کرد.

– شأن زنان در اسلام خیلی شأن‌ والایی است. مترقی‌ترین و بهترین تعبیرات درباره هویت و شخصیت زن را در قرآن پیدا می‌کنیم.

– در اسلام در فعالیت‌های اجتماعی، کسب‌وکار، فعالیت سیاسی، دستیابی به بیشتر مناصب حکومتی و... زن با مرد حقوق برابری دارد و در سلوک معنوی و حرکت فردی و عمومی، زمینه‌های پیشرفتش باز است.

– در اسلام برای حفظ شأن زنان محدودیت‌ها و احکامی در ارتباط و پوشش زن و مرد و تشویق به ازدواج وجود دارد که کاملاً منطبق با طبیعت زن و نیازهای حقیقی جامعه است؛ در حالی که مهار کشش‌های بی‌پایان و مخرب جنسی در فرهنگ غربی، مطلقاً مورد توجه نیست. – حق مهم و بزرگ دیگر زن در خانه، نفی هر گونه خشونت علیه او و اجتناب کامل از انحرافات رایج در غرب همچون کشتن ویا کتک زدن زنان به دست مردان و همسران است.

– پرهیز از تحمیل کار خانه به زن، کمک شوهر به زن در گذراندن عوارض فرزندآوری و باز گذاشتن راه ترقی و پیشرفت علمی و شغلی از دیگر حقوق زنان است.

– توصیه من به رسانه‌ها این است که مراقب باشند عاملی نباشند برای ترویج تفکر غلط غربی‌ها.

– اگر چنانچه ما در میان خودمان و در مجامع جهانی این نظریه‌ی بزرگ و کارساز اسلام را مطرح کنیم، قطعاً بسیاری از مردم دنیا به اسلام گرایش پیدا خواهند کرد به خصوص بانوان. این بهترین ترویج اسلام است.

– در خانه، مهم‌ترین حقی که بانوی خانه دارد محبت است. روایت وارد شده که مرد‌ها به زن‌های‌شان بگویند من تو را دوست دارم، یعنی تصریح کنند.

– تخریب بنای خانواده یکی از مهم‌ترین گناهانی است که تمدن سرمایه‌داری غرب به وجود آورده است. کودکان پدرشناس، کاهش نسبت‌های خانوادگی، تخریب‌بنای خانواده، باندهای شکار دختران جوان، ترویج روزافزون بی‌بندوباری جنسی، یکی از بزرگ‌ترین گناهان فرهنگ غرب این است، اسمش را می‌گذارند آزادی! در حالی‌که اسارت است.

پیشخوان

یک بام و دو هوای ترامپ



نشریه «اکنومیست» نوشت: «آمریکا نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را به نارکو تروریسم متهم کرده و خوان اورلاندو هرناندز، رئیس‌جمهور پیشین هندوراس را به قاچاق مواد مخدر. اما تفاوت‌های زیادی وجود دارد. مادورو محاکمه نشده، اما هرناندز محاکمه و به ۴۵ سال زندان محکوم شده است. وی در دسامبر، به لطف عفو ترامپ، از زندان بیرون آمد، درست زمانی که رئیس‌جمهور نیروهای آمریکایی را در کارائیب جمع می‌کرد تا مادورو را از قدرت برکنار کند.» به نوشته این نشریه، ترامپ درباره هرناندز می‌گفت پیگرد او، یعنی «می‌توان ایسن کار را با هر رئیس‌جمهوری کرد»، حساسیتی که انتظار می‌رود در مورد یک رئیس‌جمهور در حال خدمت، مانند مادورو شدیدتر باشد. همچنین او ادعا کرده محکومیت هرناندز، توطئه‌ای از سوی دولت بایدن بوده است؛ اما بخش عمده تحقیقات پرونده هرناندز در طول دوره اول ریاست‌جمهوری خودش انجام شد. اکنومیست خاطر نشان کرد: «چگونه ترامپ می‌تواند در مورد مواد مخدر آق‌قدر سختگیر باشد که بدون ارائه هیچ مدرکی اجازه‌قتل مظنونان به قاچاق در دریا را بدهد، و در عین حال هرناندز را تبرئه کند، در حالی که نظام قضایی آمریکا مدارک زیادی علیه او جمع‌آوری کرده بود؟»

مهاجرت‌سبزترین!



روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت: «احزاب راست‌گرای اروپا سال‌هاست که تلاش کرده‌اند مهاجرت به این قاره را محدود کنند؛ اما دانمارک به دلیل ایسن متمایز است که دولت چپ‌میانه‌گرای این کشور بر قوانین سختگیرانه پناهجویی پافشاری کرده و در قدرت نیز مانده است.» به نوشته این روزنامه، لندن در حال الگوبرداری از دانمارک است و طرحی را ارائه کرده که آشکارا عناصری از سیاست دانمارک را وام گرفته است. کپنهاگ پیشگام چندین سیاست است که بریتانیا امیدوار است از آن الگوبرداری کند؛ مانند تهدید به مصادره جوواهرات و لوازم ارزشمند پناهجویان بالقوه برای پرداخت هزینه‌های آنها. همچنین فرآیند اخذ اقامت دائم را طولانی‌تر و مشمول بازبینی کرده و پناهجویان بالقوه را در شرایطی اسکان می‌دهد که امیدوار است آنها را از ماندن منصرف کند. نیویورک تایمز افزود: «دانمارک در محدود کردن پناهندگی تنها نیست. دولت بایدن به تدریج قوانین آمریکا را در دوران ریاست‌جمهوری‌اش سخت‌تر کرد و در برخی موارد حتی فراتر رفت و پناهجویان بالقوه را دیپورت کرد. کشورهای سراسر اروپا به طور فزاینده‌ای در مورد اینکه چه کسانی وارد شوند و بمانند، سخت‌گیرتر می‌شوند. تعداد درخواست‌های پناهندگی در سراسر اروپا کاهش یافته است و امروز دانمارک در میان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در رتبه‌های انتهایی از نظر درخواست‌های پناهندگی قرار دارد.»

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

در تاریخ ۴ دسامبر، دولت ترامپ راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا را منتشر کرد که ظاهراً بر عدم مداخله‌گرایی و اولویت دادن به آمریکا تأکید دارد. در این راهبرد، حل و فصل جنگ روسیه و اوکراین یکی از اولویت‌های واشنگتن است، اما ادبیات تندتری را درباره متحدان دیرینه آمریکا در اروپا به کار می‌برد تا در مورد روسیه که در دولت اول ترامپ، رقیب اصلی ژئوپلیتیک خوانده می‌شد.

ادعاهای بی‌پایه و تناقض‌های درونی

«ربکا ملیسنر» استاد دانشگاه ییل، راهبرد جدید را متفاوت خوانده و می‌گوید: «در راهبرد سال ۲۰۱۷ ترامپ، ایران و کره شمالی به عنوان تهدیدهای درجه‌دو شناخته می‌شدند، اما در راهبرد جدید هیچ نامی از کره شمالی برده نشده و خطر ایران پس از عملیات ژوئن ۲۰۲۵، کم‌اهمیت ارزیابی شده است. از سوی دیگر، به جای تمرکز بر رقابت با ابرقدرت‌هایی، مانند چین و روسیه، یک نگرش عمیقاً ایدئولوژیک جایگزین شده و نیمکره غربی به اولویت اصلی آمریکا تبدیل شده و بر سه محور تأکید دارد: توقف موج مهاجرت، مبارزه با گروه‌هایی که

«تروریست مواد مخدر» خوانده می‌شوند و تحکیم سلطه آمریکا از طریق تفسیری ویژه از دکترین مونرو که به «نتیجه‌گیری ترامپی» مشهور شده است.»

وی افزود: «این سند پسر از ادعاهای بی‌پایه و تناقض‌های درونی است؛ اما واقعیت این است که هیچ متن مکتوبی نمی‌تواند سیاست خارجی اغلب تکانشی، بی‌نظم و فرصت‌طلبانه ترامپ را به طور کامل توصیف یا آن را مهار کند. نحوه انتشار این سند نیز گویاست: انتشار در ساعات پایانی شب، بدون سخنرانی رئیس‌جمهور یا مشاور امنیت ملی نشان می‌دهد کاخ سفید این راهبرد امنیت ملی را بیشتر یک کار تشریفاتی و اداری می‌داند تا یک سند راهبردی الزام‌آور.» «ویل فریمن» کارشناس آمریکای لاتین، معتقد است یکی از دلایل این تمرکز بر نیمکره غربی ناتوانی در کنترل مرز جنوبی آمریکاست که به یک مسئله بزرگ و بحث‌برانگیز در سیاست داخلی تبدیل شده است. از سوی دیگر، این منطقه منابع طبیعی فراوانی دارد و می‌تواند به امنیت زنجیره تأمین آمریکا کمک کند. در عین حال، چین به سرعت در حال افزایش نفوذ خود در تجارت و زیرساخت‌های دیجیتال این منطقه است و از این رو آمریکا منافع خود را در خطر می‌بیند.

کاتالیزوری برای استقلال طلبی اروپا

«لیانا فیکس» پژوهشگر ارشد اروپا در شورای

افراسو

عطش شهرت

گزارش نشریه پالتیکو از طرح ترامپ برای صلح اوکراین

متغیری از مذاکره‌کنندگان، فقدان یک روند رسمی سیاست‌گذاری در دولت ترامپ است؛ روندی برای تدوین سیاست، ارائه راهنما، تعامل با دولت‌های خارجی و تعیین مسیر روشن. به نوشته پالتیکو، در موضوع اوکراین و روسیه، عملاً فقط چند نفر در حلقه نزدیک ترامپ حضور دارند: «جی‌دی ونس» معاون رئیس‌جمهور، «مارکو روییو» وزیر خارجه، «سوزی وایلز» رئیس دفتر، «استیو ویتکاف» نماینده ویژه صلح و «جارد کوشنر» داماد ترامپ. در این چرخه، وزیر جنگ، رئیس ستاد مشترک و رؤسای سیا و اطلاعات ملی اساساً حضور ندارند. از میان این افراد، تنها روییو دارای تیم‌های بزرگ در وزارت خارجه و شورای امنیت ملی است، اما نشانه‌ای وجود ندارد که مانند پیشینیان خود از این تیم‌ها استفاده کند. این نشریه خاطر نشان کرد: «در نهایت، آنچه تمام ایسن افراد را هدایت می‌کند، نه یک روند رسمی و نه ارزیابی واقعی از شرایط پایان جنگ، بلکه تلاش دائمی برای برآوردن خواسته ترامپ است: اینکه به‌عنوان صلح‌ساز جهانی شناخته شود. تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، آشفتگی و سردرگمی نیز ادامه خواهد داشت و هیچ‌کدام اینها پایان جنگ را نزدیک‌تر نخواهد کرد.»

نگاهی به سیر تاپیاز راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا

روابط خارجی، می‌گوید: «راهبرد جدید امنیت ملی دولت ترامپ، نگاه تازه‌ای به اروپا دارد. مشکل اروپا از دید این سند، این است که ارزش‌های به اصطلاح «غربی» و محافظه‌کارانه را فراموش کرده و به دلیل مهاجرت و پایین آمدن نرخ زاد و ولد، هویت ملی خود را از دست داده است. نتیجه این وضعیت هم به ادعای راهبرد، ضعف اقتصادی، ضعف نظامی و حتی «ناپودی تمدن» اروپاست. حتی اتحادیه اروپا هم در این سند به عنوان نهادی که آزادی سیاسی و حاکمیت کشورها را تضعیف می‌کند، معرفی شده است.» به گفته وی، نکته نگران‌کننده‌تر برای اروپایی‌ها این است که راهبرد جدید آمریکا، آشکارا از احزاب راست افراطی حمایت می‌کند و حتی از «پرورش مقاومت درون کشورهای اروپایی» سخن می‌گوید که به معنای دخالت مستقیم در امور داخلی اروپاست. در این راهبرد، روسیه تقریباً بی‌گناه معرفی شده و حتی به عنوان دشمن آمریکا خطاب نمی‌شود. در عوض، اتهام اصلی متوجه اروپاست که برای صلح در اوکراین تلاش واقعی نمی‌کند و خواسته‌های «غیرواقع‌بینانه» دارد. فیکس افزود: «این راهبرد اروپا را یکپارچه نمی‌بیند. کشورهای اروپای مرکزی، شرقی و جنوبی به عنوان «ملت‌های سالم» معرفی شده‌اند که باید روابط با آن‌ها را گسترش داد. در مقابل، متحدان قدیمی در اروپای غربی، مانند آلمان، به دلیل وابستگی‌های سیاسی و

پنجره

مرز جنون

گزارش آسوشیتدپرس از فشار جنگ یمن برای نیروی دریایی آمریکا

به نوشته این رسانه، پس از بازگشت ناو به دریای سرخ، عملیات روزانه پرواز باعث فشار مداوم بر خدمه شد. در آوریل، طی یک مانور گریز از موشک انصارالله، یکی از جنگنده‌ها که در حال جابه‌جایی روی عرشه بود، به‌دلیل لغزندگی غیرعادی سطح و شیب ناگهانی کشتی، از روی عرشه به دریا سقوط کرد. سطح عرشه به‌دلیل فشار عملیات فرصت پاکسازی دوره‌ای نداشت و بسیار آلوده و لیز شده بود.

حادثه چهارم در ماه مه رخ داد؛ زمانی که کابل توقف جنگنده هنگام فرود پاره شد و جنگنده‌ای ۲۵ تنی به دریا سقوط کرد. تحقیقات نشان داد نگهداری تجهیزات «به‌شدت نامناسب» بوده و یک قطعه ضروری از سیستم مهارگر غایب بوده است.

آسوشیتدپرس در تحلیل خود بیان می‌کند که این چهار حادثه بازتاب‌دهنده مشکلات عمیق در آمادگی عملیاتی نیروی دریایی آمریکاست و بسیاری از اقدامات ایمنی در این شرایط نادیده گرفته شده‌اند. به گفته «بردلی مارتین»، پژوهشگر ارشد و عضو بازنشسته نیروی دریایی، این حوادث «زنگ خطر جدی» برای نیروی دریایی آمریکاست و نشان می‌دهد این نیرو «آمادگی نبرد طولانی مدت را ندارد».

فروپاشی

«الکساندر استاب» رئیس‌جمهور فنلاند گفت: «ما در جهانی جدید و آشفته زندگی می‌کنیم. نظم لیبرال که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، اکنون در حال مرگ است. همکاری چندجانبه جای خود را به رقابت چندقطبی داده و معاملات فرصت‌طلبانه بیش از دفاع از قوانین بین‌المللی اهمیت پیدا کرده‌اند.» وی افزود: «قدرت‌های میانه نوظهور به بازی‌سازان جدید صحنه جهانی تبدیل شده‌اند و یک رقابت سه‌جانبه بین آنچه من غرب جهانی، شرق جهانی و جنوب جهانی می‌نامم در حال شکل‌گیری است.» استاب تصریح کرد: «پنج تا ده سال آینده به احتمال زیاد نظم جهانی را برای دهه‌های آتی تعیین خواهد کرد.»



شام صلح

«پیت هگست» وزیر جنگ آمریکا، «شام ایده‌آل» خود را شامی با حضور رؤسای‌جمهور روسیه، آمریکا و اوکراین توصیف کرد و در پاسخ به این پرسش که چه کسانی را به این شام ایده‌آل دعوت می‌کند، گفت: «فکر می‌کنم دونالد ترامپ، ولادیمیر پوتین و ولودیمیر زلنسکی. این شامی برای صلح خواهد بود.» هگست افزود، این شام، دارای سالادی با «سس روسی» خواهد بود. اظهارات هگست در میانه رایزنی آمریکا و اوکراین درباره یک طرح صلح جدید مطرح شده که شامل واگذاری برخی سرزمین‌ها به روسیه، محدودسازی شمار نفرات ارتش اوکراین و چشم‌پوشی آن از پیوستن به ناتو است.



تقویم انقلاب

اصل حمایت از متجاوز!



در تقویم تاریخ ثبت است که در سال ۱۳۶۲ آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای عربی، کشورهای اروپایی و ... همه پای کار آمدند و راهبرد جدیدی را طراحی کردند. در این باره چند نکته به طور مختصر یادآوری می‌شود.

۱- از شروع جنگ تحمیلی تا پایان سال ۱۳۶۱، رژیم بعث حاکم بر عراق هر چه امکانات داشت یا به او داده بودند، به کار گرفت. به عبارتی تمام زمین‌های منطقه جنوب را مسلح کرد و با میداین مین و تجهیزات جدید، خاکریزهای متعدد و زیاد، نیروهای آموزش دیده، افزایش کادر تیپ‌ها و لشکرها با تجهیزات کاملاً مدرن خود را آماده کرده بود. شخص صدام نیز از هر ترفندی استفاده کرد تا نیروهایش را تهییج کند.

۲- در این زمینه کشورهای عربی به ویژه عربستان، کویت، اردن و ... هزینه‌های سنگینی را متقبل شده بودند، یعنی قسمت زیادی از تدارکات و تجهیزات عراق از سمت دریای سرخ به بندر عقبه می‌آمد و از آنجا از طریق جساده‌ای که اردن را به عراق وصل می‌کرد، وارد عراق می‌شد؛ به طوری که گفته شده بیش از چهل هزار نیروی کار و مزدور نظامی از کشورهای سودان و مصر و یمن (که از دولت صدام حقوق دریافت کردند) وارد ارتش عراق شدند.

۳- اولین کشوری که از گذشته سابقه تأمین امکانات عراق را داشت، اتحاد جماهیر شوروی بود. این کشور سلاح و تجهیزات و هواپیماهای پیشرفته به عراق می‌داد. به عبارت دیگر سازمان و ساختار نیروی مسلح عراق از اتحاد جماهیر شوروی الگوبرداری کرده بود و سلاح‌های سازمان رژیم ارتش عراق از طریق شوروی سابق تأمین می‌شد، اما در این طرح جدید مضاعف شده بود.

۴- آمریکایی‌ها از متجاوزان شناخته شده علیه ایران بودند. نمونه بارز آن تجاوز به حریم ایران در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ از طریق طیس بود که به رسوایی آن انجامید. افزون بر آن محرک اصلی و عامل مستقیم تجاوز رژیم بعث به ایران از کانال آمریکا انجام گرفت. علاوه بر آن دونالد رامسفر، فرستاد ویژه آمریکا به بغداد در دیدار با صدام در سال ۱۳۶۲ رسماً اعلام کرد که سیاست‌شان جلوگیری از سقوط صدام و جلوگیری از پیروزی ایران و گسترش تمایلات انقلابی در کشورهای منطقه است.

۵- کشورهای اروپایی و آمریکایی‌ها با وجود اینکه قانون منع به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را طرح و تصویب کرده بودند، هر چه داشتند در اختیار رژیم صدام قرار دادند و علیه رزمندگان استفاده کردند، به خصوص کشور آلمان و انگلیس که تجهیزات پیشرفته برای ساختن سلاح‌های شیمیایی در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند.

طبق آمار تحقیقی ۵۶ کشور دنیا پشت سر صدام ایستادند تا اینکه جمهوری اسلامی پیروز جنگ نشود، همانند آنچه در حال حاضر در حال رخ دادن است و پنج دسته‌ای که ذکر شد پشت سر رژیم صهیونیستی هستند و هر نوع امکاناتی به او می‌دهند و از هر حربه‌ای استفاده می‌کنند، از جمله گرسنگی دادن‌ها، تشنگی دادن‌ها، نسل‌کشی، آوارگی و... با این هدف که رژیم صهیونیستی شکست نخورد و نیروی مقاومت شکسته شود.

واگرایی و رقابت

مروری بر خاطرات اسحاق جهانگیری درباره انتخابات ریاست جمهوری نهم

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

«اسحاق جهانگیری» از جمله چهره‌های شناخته شده جریان اصلاح‌طلبی است که سالیان متمادی در این اردوگاه نقش‌آفرینی کرده است. وی که در دولت یازدهم معاون اول رئیس‌جمهور بود، از گزینه‌هایی بود که شرایط پیش آمده او را از نامزدی در انتخابات سال ۱۳۹۲ منصرف کرد. وی از فعالان سیاسی در سه دهه اخیر بوده است. در فصل اول کتاب خاطراتش که به تازگی انتشار یافته، آنچه را که در انتخابات سال ۱۳۸۴ رقم خورده است، به اختصار اینگونه توصیف می‌کند:

«در سال ۱۳۸۴ سرخوردگی نسبی بدنه حامیان جریان دوم خرداد زمینه‌ساز شکاف‌هایی در میان اصلاح‌طلبان شد. بخشی از اصلاح‌طلبان با رویکرد تداوم توسعه سیاسی و به نوعی تداوم دولت آقای خاتمی به میدان آمد و آقای مصطفی معین کاندیدای آنها شد. دو حزب نامی اصلاح‌طلب، یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از مصطفی معین حمایت کردند. آقای معین با شعار «اصلاحات گامی به پیش» و «دموکراسی برای ایران؛ صلح برای جهان» به میدان آمد و حمایت جریان‌های سیاسی دیگری مانند نیروهای ملی مذهبی و نهضت آزادی را نیز با خود داشت. معین در دولت اصلاحات وزیر علوم و تحقیقات و فناوری و از دوستان قدیمی من در اصفهان بود. ایشان از جمله چهره‌های سیاسی جریان چپ انقلاب اسلامی و سال‌ها سخنگوی شورای نیروهای خط امام بود.

معین در دوران تصدی وزارت علوم دولت اصلاحات با موضوعاتی، مانند حمله به کوی دانشگاه، حکم اعدام آقای آقاجری، حمله به اردوی تحکیم وحدت در خرم‌آباد، اختلاف‌های وزارتخانه با شورای عالی انقلاب فرهنگی و... رویه‌رو شد و در نهایت مخالفت شورای نگهبان با طرح تحول ساختاری وزارت علوم سبب شد تا آقای معین در سال ۱۳۸۲ استعفا دهد و آقای خاتمی هم علی‌رغم میل باطنی استعفا‌ی ایشان را بپذیرد.

بخشی دیگر از نیروهای اصلاح‌طلب حول آقای «مهدی کروی» جمع شده بودند که با ریاست مجلس ششم از جمله چهره‌های مهم سیاسی جریان دوم خرداد به شمار می‌آمد. این جریان علاوه بر مشترکاتی که از منظر اصلاح‌طلبی با دولت خاتمی

داشت، در حوزه‌های مختلف اختلاف نظرهایی نیز با مجموعه حامیان آقای معین داشت. آقای کروی از یاران با سابقه انقلاب و امام خمینی بود. من در مجلس دوم و سوم و همچنین در بنیاد شهید و حج با ایشان همکار بودم و رابطه‌ای صمیمی و نزدیک با هم داشتیم.

این دو کاندیدا به دلایل مختلفی در انتخابات ۱۳۸۴ با هم به توافق نرسیدند و هر دو در انتخابات ماندند. بخشی از اختلاف‌های آنها نیز به تجربه‌های مختلف در دوره اصلاحات باز می‌گشت و طرفین یکدیگر را در ناکامی‌های سیاسی دولت اصلاحات مقصر می‌دانستند.

کاندیدای دیگر نزدیک به بخشی از جریان اصلاحات نیز آقای مهرعلیزاده، رئیس سازمان تربیت بدنی در دولت آقای خاتمی بود که هم آرای قومیتی و هم امکان جذب بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را داشت. در نهایت اصلاح‌طلبان با وجود رقبای جدی در میدان انتخابات با هر سه کاندیدا در انتخابات باقی ماندند.

علاوه بر این، حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ۸۴ نیز معادلات را برای اصلاح‌طلبان پیچیده‌تر می‌کرد؛ آقای هاشمی با تکیه بر سابقه انقلابی و مدیریتی خصوصاً دو دوره رئیس‌جمهوری در بین چهره‌های انقلابی و نیز اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و تکنوکرات‌ها حامیانی جدی داشت که مشوق حضور ایشان در صحنه انتخابات بودند. حضور ایشان به تنهایی وزنه‌ای بود که بر عملکرد و کنش هر دو جریان سیاسی کشور در انتخابات اثرگذار بود.

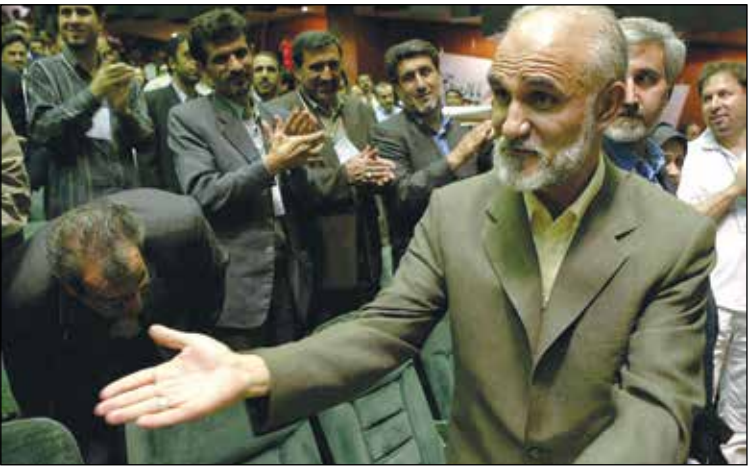
حضور آقای هاشمی برآمده از اجماع میان دو دسته از حامیان ایشان بود؛ نخست چهره‌های اجرایی دولت ایشان که در دولت اصلاحات از

صحنه مدیریت کنار گذاشته شده بودند و دیگری شخصیت‌های انقلابی که تصور می‌کردند با حضور آقای هاشمی مسیر انقلاب بهتر پیش می‌رود. این گروه دغدغه اختلاف‌ها در رأس حکومت را داشتند و آقای هاشمی را در حل این گونه اختلافات و پیشبرد حرکت نظام مؤثرتر از دیگران می‌دانستند. دیگران هم با انگیزه‌هایی دیگر آقای هاشمی را به حضور تشویق می‌کردند. آقای هاشمی نیز توان خودش برای پیشبرد مسیر کشور را بیش از موقعیتی که داشت می‌دانست و تصورش این بود که رأی خوبی نسبت به سایر کاندیداها دارد و نظرسنجی‌های اولیه نیز گویای همین موضوع بودند.

البته در مقابل، جریان‌هایی در داخل حاکمیت نیز ترجیح‌شان این بود دولتی با رویکردی متفاوت روی کار بیاید و ذیل رهبری نقش‌پذیرد و کارها را پیش ببرد.

در آن‌سو، اصولگرایان با سه چهره دیگر در میدان بودند آقایان محمدباقر قالیباف، محمود احمدی‌نژاد و علی لاریجانی. قالیباف با عملکرد قابل قبول در نیروی انتظامی اقبال نسبی در افکار عمومی به خصوص در میان بخشی از طبقه متوسط داشت و با اتکای به همین عملکرد به دنبال نشستن بر صندلی ریاست‌جمهوری بود. احمدی‌نژاد نیز یک سالی بود که با پیروزی آبادگران در انتخابات شورای شهر تهران به عنوان شهردار تهران فعالیت می‌کرد و با استفاده از ظرفیت‌های عظیم نشستن بر مسند شهرداری تهران شبکه حامیانش را سامان داده بود و در بین

- حضور آقای هاشمی برآمده از اجماع میان دو دسته از حامیان ایشان بود؛ نخست چهره‌های اجرایی دولت ایشان که در دولت اصلاحات از صحنه مدیریت کنار گذاشته شده بودند و دیگری شخصیت‌های انقلابی که تصور می‌کردند با حضور آقای هاشمی مسیر انقلاب بهتر پیش می‌رود.**
- به نظر می‌رسید گزینه محوری اصولگرایان در انتخابات قالیباف باشد، اما در روزهای پایانی تبلیغات به ناگاه ورق برگشت و بدنه حامیان اصولگرایان به سوی احمدی‌نژاد توجه کردند و او توانست به عنوان کاندیدای محوری همراه با آقای هاشمی به دور دوم راه یابد.**
- یکی از عوامل مؤثری که به کاندیداها، به خصوص اصلاح‌طلب‌ها انگیزه ماندن در صحنه رقابت انتخاباتی را می‌داد، این بود که گمان می‌کردند با همان سبب رأی محدود می‌توانند همراه با آقای هاشمی به دور دوم بروند و آنجا پیروز باشند.**



حزب‌اللهی‌ها و عدالت‌خواهان موقعیتی کسب‌کرده بود. سومین کاندیدا هم لاریجانی بود که اصولگرایی سنتی با چارچوب و سوابق مشخص بود. در ابتدا به نظر می‌رسید گزینه محوری اصولگرایان در انتخابات قالیباف باشد، اما در روزهای پایانی تبلیغات به ناگاه ورق برگشت و بدنه حامیان اصولگرایان به سوی احمدی‌نژاد توجه کردند و او توانست به عنوان کاندیدای محوری همراه با آقای هاشمی به دور دوم راه یابد.

آقای احمدی‌نژاد به خصوص در دور دوم و زمانی که تنها آقای هاشمی را پیش‌رو داشت، پروژه اصلی خود را بر تقابل با هاشمی و مجموعه سیاسی نزدیک به ایشان متمرکز کرد و با دوگانه‌سازی میان گذشته و آینده تلاش کرد تا ناکامی‌های موجود در کشور را یکسره به آقای هاشمی منتسب کند و با وعده تحول در مسیر اداره کشور توجه رأی‌دهندگان را به خود جلب کند و در نهایت برنده انتخابات در مرحله دوم باشد. در این مسیر احمدی‌نژاد و حامیانش اتهامات مختلف و نادرستی را نیز به آقای هاشمی و خانواده ایشان وارد کردند و تصویری از تقابل میان فساد و اشرافیت و سلامت و ساده‌زیستی در دور دوم انتخابات شکل دادند.

در مجموع آرای که در دور اول انتخابات ۸۴ به دست آمد، کاندیدا‌های اصلاح‌طلب به همراه هاشمی رأی بیشتری از مجموعه کاندیدا‌های اصولگرایان به دست آوردند، اما در نهایت پیروز انتخابات جریان سیاسی مقابل آنها بود. یکی از عوامل مؤثری که به کاندیداها، به خصوص اصلاح‌طلب‌ها انگیزه ماندن در صحنه رقابت انتخاباتی را می‌داد، این بود که گمان می‌کردند با همان سبب رأی محدود می‌توانند همراه با آقای هاشمی به دور دوم بروند و آنجا پیروز باشند. این موضوع به خصوص در میان کاندیدا‌های اصلاح‌طلب به نظم زمینه اصلی نرسیدن به هیچ توافقی برای کنار رفتن به نفع دیگری شد.

در دور دوم انتخاب میان آقای هاشمی و آقای احمدی‌نژاد دوگانه‌ای شکل گرفت که یک سر آن وضعیت موجود بود و سر دیگرش اعتراض به وضع موجود و تلاش برای تغییر آن و احمدی‌نژاد در چنین موقعیتی در دور دوم پیروز انتخابات شد.»

حافظه

جنايات کلمب

مروری کوتاه بر حضور استعمارگران غربی در آمریکا



کلمب، صدها نفر جان می‌باختند؛ دریانوردان اجساد این سرخ‌پوستان را به اقیانوس (اطلس) می‌انداختند. از آنجایی که تعداد برده‌های سرخ‌پوستی که کریستف کلمب اسیر کرده بود، از ظرفیت کشتی‌هایش بیشتر بود و او نمی‌توانست همه آنها را به اسپانیا بفرستد، تصمیم گرفت آنها را در معادن و مزارعی که همراه با پیروانش در سراسر «دریای کارائیب» ایجاد کرده بودند، به کار گمارد».

ودرفورد می‌گوید: «بهره‌کشی کریستف کلمب و همراهانش از بومی‌ها تنها محدود به این موارد نبوده است و آنها حتی به قصد تفریح و سرگرمی هم از بومی‌ها استفاده می‌کردند. دار و دسته غارتگر وی برای تفریح و سرگرمی و همچنین منفعت، سرخ‌پوستان را شکار می‌کردند. آنها سرخ‌پوستان را کتک می‌زدند، از آنها سوءاستفاده جنسی می‌کردند، آنها را شکنجه می‌کردند و سپس اجسادشان را طعمه سگ‌های شکاری‌شان می‌کردند. «کلمب» و افرادش در چهار سال اول ورودشان به آمریکا از کل جمعیت بومی‌های آمریکا یک سوم آنها را کشته به نقاط دیگر فرستاده بودند».

در ۳۰ می سال ۱۴۹۸ میلادی، «کریستف کلمب» برای سومین بار

راهی آمریکا شد. او در این سفر پیش از رسیدن به هیسپانیولا، وارد جزیره «ترینیداد» شد (۳۱ ژانویه) و بخش‌هایی از ریزشگاه رودخانه «اورینوکو» در خاک اصلی آمریکای جنوبی را پیمود. اوضاع در مهاجرنشین اسپانیایی ناآرام بود. مهاجرانی که وعده‌های کلمب را شنیده و به طمع ثروت‌های بی‌پایان دنیای نو، راهی آمریکا شده بودند، اکنون ناخشنود از وضعیت خود، برکناری وی را می‌خواستند. کلمب که درگیر سرکوب بومیان بود، برای مقابله با این فتنه جدید، شدت عمل نشان داد و چند نفر از افرادش را به جرم نافرمانی اعدام کرد.

«جک وودفورد» استاد اسبق انسان‌شناسی «کالج مک‌لستر» در مقاله‌ای با عنوان «مذاقه در شهرت کریستف کلمب» می‌نویسد: «هنگامی که کریستف کلمب دید که نمی‌تواند به امپراتوری چین، تاجران هند و بازرگانان ژاپن برسد، تصمیم گرفت که هزینه سفرش را با تنها کالای مهمی که دور و برش فراوان بودند یعنی جان‌انسان‌هـ‌تأمین کند. او ۱۲۰۰ سرخ‌پوست تاینورا از جزیره «هیسپانیولا» به اسارت گرفت و آنها را تا جایی که در کشتی‌هایش جا می‌شد، سوار و راهی اسپانیا کرد؛ این سرخ‌پوستان با اندام‌های برهنه در خیابان‌های «سویل» نمایش داده شده و به عنوان برده فروخته می‌شدند. «کریستف کلمب» با این کار، بهچه‌ها را از والدین‌شان و زوج‌ها را از یکدیگر جدا می‌کرد. در عرشه کشتی‌های برده‌داری کریستف

دهلیز

سهام صدراعظم!

نگاهی به غارت نفت ایران به دست استعمارگران غربی

تمدید فاجعه‌آمیز قرارداد داریسی که به قرارداد

۱۹۳۳ مشهور شد، آورده است:

«علت عمده فقر خزانه ایران چپاول ستمگرانه‌ای بود که دولت انگلستان بی‌شرمانه و آژمندانه در جهت به یغما بردن و خریدن نفت ایران انجام می‌داد. بهتر است نام چپاول علنی و مفتضحانه نفت ایران را استفاده از مفاد و محتوای امتیاز نامه‌نگذاریم، بلکه دولت انگلستان و کمپانی نفت انگلیس در ازای حق‌الامتیاز ناچیزی که به ایران می‌دادند و ورق پاره‌ای موسوم به قرارداد ۱۹۳۳ که خود زاینده یک امتیاز نامه تحمیلی

دوران مظفرالدین شاه بود، طلای سیاه ایران را به یغما برده، در ازای آن مقدار ناچیزی لیره به خزانه ایران واریز می‌کردند که آن مبلغ نیز صرف کارهای غیراساسی و خرید اسلحه از انگلستان و آمریکا با پرداخت حقوق به کارشناسان خارجی سازمان برنامه و نور چشمی‌های هیئت حاکمه ایران می‌شد.»



سپاه معمار مبارزه با تروریسم

علی حدیری

سردبیر



وقتی که چند هفته قبل در جلسه‌ای با حضور معاون عملیات نیروی زمینی سپاه در جریان جزئیات رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند ۲۰۲۵ قرار گرفتیم و سردار معدنی گفت: این رزمایش با حضور ۱۰ کشور عضو شانگهای و تعداد دیگری از کشورهای منطقه به عنوان مهمان برگزار می‌شود، اولین چیزی که ذهنم را مشغول کرد بازنمایی رسانه‌ای و نحوه روایت این رزمایش در رسانه‌ها و افکار عمومی بعنوان یک فرصت راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران بود. رزمایشی که به لحاظ کمی و کیفی دارای اهمیت ویژه برای جمهوری اسلامی بود. از موضوعش در حوزه مقابله با تروریسم، مقطع زمانی‌اش تنها چند ماه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران، شرکت کنندگانش که ۱۳ کشور عضو و غیر عضو پیمان شانگهای بودند، موقعیت جغرافیایی‌اش در استان آذربایجان شرقی و منطقه شمال غرب و میزبانش که نیروی زمینی سپاه بود، هر کدام کارویژه‌های خاصی داشت که آن را از رزمایش‌های دیگر متمایز می‌کرد. موعد برگزاری رزمایش فرا رسید و توفیق رفیق راه شد تا در روزهای پایانی رزمایش به همراه معاون روابط

عمومی و سخنگوی رزمایش و در کنار تیم‌های رسانه‌ای که برای پوشش خبری و رسانه‌ای این رویداد کم نظیر عازم منطقه بودند، حضور داشته باشم. اگر چه از ماه‌ها قبل این میزبانی به جمهوری اسلامی ایران و سپاه قدرتمند رسیده بود اما بیشتر اقدامات اجرایی در یکی دو ماه گذشته برای برگزاری این رویداد فراهم آمده بود که نشان از درایت و مدیریت دست‌اندرکاران رزمایش داشت. همه چیز سر جای خودش بود. بالطبع مأموریت رسانه‌ای هم به دلایل و ملاحظات مختلف در روزهای منتهی به رزمایش شروع شده بود و عملاً فرصت برای بازنمایی این رویداد بسیار کوتاه و در حد روزهای رزمایش بود.

در شرایطی که منطقه با تهدیدهای تروریستی و ناامنی‌های پیچیده روبه‌روست، برگزاری چنین رزمایشی معنایی فراتر از تمرین نظامی دارد. واقعیت این است که سهند ۲۰۲۵ نشان دهنده آمادگی جدی و تمرین شده برای مقابله تحرکات تروریستی بود و این را می‌شد در صحنه رزمایش و حتی مقایسه آن با رزمایش‌های مشابه در کشورهای دیگر به وضوح مشاهده کرد.

فراتر از تحلیلی‌های عملیاتی و سیاسی آنچه در عرصه میدان مشاهده شد و رسانه‌ها هم در حد وسع خود به انتشار آن پرداختند، حاوی شاخصه‌ها و ویژگی‌ها از جمله اینکه، این رزمایش به عبارتی چندملیتی بود، حضور نیروهای کشورهای مختلف، فضای رزمایش را به صحنه‌ای از

همکاری واقعی تبدیل کرده بود. نکته دیگر انجام و اجرای عملیات ترکیبی بود، که تمرین‌های زمینی، هوایی و حتی سایبری در یک هماهنگی دقیق اجرا شدند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین دیگر ویژگی این رزمایش بود. شاخصه دیگر، پهپادها و سامانه‌های رصد الکترونیکی به‌طور عملیاتی در این رزمایش به کار گرفته شدند و خبرنگاران حاضر، می‌توانستند این پیشرفت‌ها را به‌طور زنده گزارش کنند. نکته مهم دیگر استفاده از سناریوهای واقعی بود. تمرین‌ها بر اساس تهدیدهای ملموس طراحی شده بودند؛ از مقابله با حملات گروهک‌های تروریستی تا حمله به مواضع آنها در خاک کشور همسایه و پاکسازی مناطق اشغالی، آزادی گروگان‌ها و ...

در ابتدا اشاره کردم که سردار معدنی در آن جلسه از حضور ۱۳ کشور سخن گفت، اما اینجا و در منطقه رزمایش در شبستر استان آذربایجان شرقی هیت‌های این ۱۳ کشور را از نزدیک می‌دیدیم و ۱۲۰ نظامی کارکشته که از این کشورها برای شرکت و انجام عملیات به ایران آمده بودند. خبرنگاران رسانه‌ها در منطقه رزمایش تلاش می‌کردند تا این همکاری چندجانبه به عنوان یک پیام روشن علیه تروریسم بازتاب پیدا کند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این رزمایش نقشی محوری داشت. تجربه‌های عملیاتی سپاه در سال‌های گذشته، حالا در سهند ۲۰۲۵ به نمایش گذاشته شده بود

و از نزدیک می‌شد دید که چگونه فرماندهان و پاسداران با اعتمادبه‌نفس و تسلط، عملیات را هدایت می‌کردند. این حضور نه تنها نماد اقتدار نظامی، بلکه نشان‌دهنده مشروعیت ایران در مبارزه با تروریسم بود.

از منظر رسانه‌ای باید بگویم؛ سهند ۲۰۲۵ بیش از یک رزمایش نظامی و امنیتی، بلکه سندی زنده بر اقتدار ایران و مشروعیت نقش آفرینی‌اش در منطقه و جهان بود. حضور فعال ایران، همکاری متحدان و نقش آفرینی سپاه، همه نشان دادند که ایران می‌تواند با کمک کشورهای هم پیمان، همزمان امنیت داخلی و ثبات منطقه‌ای را تضمین کند.

برای بازنمایی رسانه‌ای این رزمایش، دست‌اندرکاران برگزاری این رویداد دفاعی امنیتی، اهالی رسانه از رسانه ملی تا خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها و ... زحمات زیادی را متحمل شدند و بازتاب‌های وسیعی هم پیدا کرد، اما جریانی سازی رسانه‌ای برای چنین اتفاق بزرگی می‌توانست خیلی بیشتر از اینها باشد.

با همه اینها به عنوان سخن پایانی باید بگویم که پیام سهند ۲۰۲۵ روشن بود: ایران قدرتی مشروع، مقتدر و مسئولیت‌پذیر است و همه کشورهای منطقه بویژه در شرق به این مهم اذعان دارند و معترفند و همین ترکیب اقتدار، مشروعیت و موقعیت منطقه‌ای است که جایگاه ایران را در معادلات جهانی تثبیت می‌کند.



رزمایش سهند چگونه روایت انزوای ایران را برهم زد؟

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



رزمایش «سهند ۲۰۲۵» در شمال غرب کشور به پایان رسید؛ رزمایشی که طی آن ایران بار دیگر توانست مجموعه‌ای از قدرت‌های نظامی عضو سازمان همکاری شانگهای و چند کشور میهمان را در قالب یک تمرین مشترک کنار هم قرار دهد. این رزمایش در منطقه عمومی شبستر برگزار شد و در طول چند روز، یگان‌های شرکت‌کننده از پاکستان، چین، روسیه و هند حضور فعال داشتند و توانمندی‌های خود را در عرصه‌های گوناگون به نمایش گذاشتند. صحنه‌هایی که در این منطقه رقم خورد، نشان می‌داد ایران در برگزاری رزمایش‌های چندملیتی تجربه کافی اندوخته و قادر است هماهنگی میان نیروهای گوناگون با دکتترین‌های متفاوت را مدیریت کند.

ایسن رویداد در حالی برگزار شد که در ماه‌های گذشته بر خی رسانه‌های معاند با تمرکز بر تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه، تصویری از انزوای ایران ارائه می‌کردند. با این حال، حضور نمایندگان چند قدرت نظامی بزرگ در این رزمایش، برخلاف این روایت عمل کرد و نشان داد دیپلماسی دفاعی ایران همچنان در مسیر تعاملات روبه جلو حرکت می‌کند. مقام‌های نظامی حاضر از کشورهای گوناگون نیز در گفت‌وگوهای حاشیه‌ای رزمایش، از استمرار همکاری‌های نظامی و تمرینی با ایران سخن گفته بودند؛ مسائلی که در طرح اولیه این رزمایش نقش مؤثری داشت. یکی از محورهای پررنگ رزمایش سهند ۲۰۲۵، پیام بازدارندگی آن برای دولت‌هایی بود که در ماه‌های اخیر لحن تهدیدآمیز خود را تشدید کرده بودند. تهدیدهای مکرر رژیم صهیونیستی و اظهارنظرهای تند مقامات آمریکایی از جمله موضوعاتی بود که به‌گفته بر خی فرماندهان ایرانی، در طراحی صحنه‌های عملیاتی رزمایش مدنظر قرار گرفته بود. آنچه در میدان شبستر به نمایش درآمد، الگویی از واکنش‌های احتمالی ایران در برابر سناریوهای تجاوز نظامی بود؛ الگویی که بر اساس تجربه‌های اخیر، به‌ویژه حوادث جنگ ۱۲ روزه شکل گرفته بود. در این رزمایش، نیروهای زمینی سپاه نقش محوری داشتند و بخش بزرگی از هماهنگی‌های عملیاتی به‌دست آنان انجام شد. سپاه با تکیه بر تجربه‌های چند دهه اخیر در نبرد با گروه‌های مسلح معارض در غرب، شمال غرب و جنوب شرق کشور، سناریوهای ترکیبی مقابله با تهدیدهای تروریستی را نیز در رزمایش گنجانده بود. در همین باره، سردار «ولی معدنی» فرمانده رزمایش و معاون عملیات نیروی زمینی سپاه در سخنانی که پس از پایان رزمایش مطرح شد، ایران را یکی از کشورهای صاحب تجربه در مواجهه با تهدیدهای تروریستی توصیف کرده بود. او با اشاره به سابقه فعالیت قرارگاه‌های

حمزه سیدالشهدا(ع)، نجف اشرف و قدس، تأکید داشت که الگوهای عملیاتی این یگان‌ها در رزمایش سهند نیز بازطراحی و اجرا شده است. در بخشی از رزمایش، نیروهای ویژه از جمله تیپ صابربین و تیپ میززا کوچک‌خان عملیات‌هایی مبتنی بر پاکسازی و درگیری با واحدهای شبه‌متخاصم را اجرا کردند؛ عملیاتی که یادآور تجربه‌های آنان در مناطق اشنویه، جاسوسان، قندیل، ایرانشهر، زاهدان و دیگر نقاطی بود که طی سال‌های گذشته کانون درگیری با گروه‌های تروریستی بوده است. این بخش از رزمایش توجه ناظران خارجی را نیز جلب کرد، زیرا ساختار تاکتیکی و سرعت عمل نیروهای شرکت‌کننده، نمونه‌ای از به‌روزرسانی توان عملیاتی یگان‌های

زمینی ایران را نشان می‌داد. رزمایش سهند ۲۰۲۵ با محوریت ارتقای هماهنگی‌های بین‌المللی و آزمون ظرفیت‌های رزمی، به سپاه این امکان را داد که عملکرد خود را در شرایط واقعی تر ارزیابی کند. با پایان این رزمایش، فرماندهان ایرانی اعلام کردند که نتایج آن در برنامه‌های آینده دفاعی و تمرینی کشور لحاظ خواهد شد.

«محمدباقر قالیباف»، رئیس مجلس عنوان کرد

اراده مشترک برای مقابله با مناسبات ظالمانه جهانی



رزمایش بزرگ ضدتروریستی «سهند۲۰۲۵» نشان اراده جدی کشورهای مستقل برای دفاع از خود است. «محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس در نقط پیش از دستور در صحن علنی با اشاره به رزمایش بزرگ ضدتروریستی «سهند-۲۰۲۵» گفت:

«رزمایش بزرگ ضدتروریستی «سهند-۲۰۲۵» به میزبانی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با مشارکت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برگزار شد که به همه فعالان این رزمایش خدا قوت می‌گویم.» وی ادامه داد: «همکاری‌های دفاعی و اقدامات مشترک ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها، پیوسته درحال ارتقاست و نتایج عملیاتی آن در رفع شر دشمنان ایران عزیز و تارومار کردن گروه‌های تروریستی عیان خواهد شد.» دکتر قالیباف گفت: «برگزاری این رزمایش پیام مهمی به قدرت‌های سلطه‌گر و نشان‌دهنده وجود اراده جدی در میان کشورهای مستقل برای دفاع از خود در مقابل مناسبات ظالمانه جهانی است.»

«ابراهیم عزیزی»، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس اظهار داشت

جایگاه ویژه ایران در معادلات امنیتی منطقه

«ابراهیم عزیزی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس: «برگزاری این رزمایش نشان‌دهنده جایگاه روبه‌افزایش کشورمان در معادلات امنیتی منطقه

**دکتر یدالله جوانی**

معاون سیاسی سپاه

برگزاری رزمایش ضد تروریستی سهند ۲۰۲۵ با مشارکت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در ایران، آن هم بعد از دفاع مقتدرانه ملت ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، نتایج و پیامدهای بسیار ارزشمندی را برای کشور عزیزمان خواهد داشت.

این رزمایش را به منزله یک رویداد بزرگ منطقه‌ای، از منظر راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی باید تحلیل کرد. برای توجه با آثار و پیامدهای فوق‌العاده ارزشمند این رزمایش مشترک، که با مشارکت هر ۱۰ کشور عضو سازمان همکاری شانگهای شامل ایران، ازبکستان، بلاروس، پاکستان، تاجیکستان، هند، چین، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان برگزار می‌شود، باید به نکات زیر توجه داشت:

۱- مساحت کشورهای عضو این سازمان، حدود یک چهارم خشکی‌های زمین با حدود ۴۵ درصد جمعیت جهان است.

۲- این رزمایش در جمهوری اسلامی ایران و با مسئولیت نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

۳- در ۴۷ سال گذشته، ایران در حالیی که بزرگ‌ترین قربانی تروریسم بوده، از سوی برخی از کشورهای غربی و از جمله آمریکا، به منزله حامی

است. حضور گسترده هیئت‌ها پیام روشنی برای منطقه و فرمانطقه دارد؛ امنیت جمعی، نتیجه



همکاری جمعی است. امروز جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها عضو فعال سازمان همکاری شانگهای است، بلکه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی حوزه مقابله با تروریسم شناخته می‌شود. میزبانی این رزمایش نشان می‌دهد که ایران به عنوان یک قدرت مسئول، توانسته اعتماد کشورهای منطقه را برای برگزاری رزمایش‌های چند ملیتی جلب کند.

حضور گسترده هیئت‌ها پیام روشنی برای منطقه و فرمانطقه دارد؛ امنیت جمعی، نتیجه همکاری جمعی است. امروز کشورهای عضو شانگهای به این درک مشترک رسیده‌اند که تهدیدات تروریستی مرزی نمی‌شناسد و مقابله با آن نیازمند هم‌افزایی ظرفیت‌هاست. این رزمایش یک پیام همکاری محور به‌جای تقابل محور به جامعه بین‌المللی ارسال می‌کند. ایران طی دهه‌های گذشته از قربانیان اصلی تروریسم بوده است، اما با اتکا به توان دفاعی و اطلاعاتی خود، امروز در ردیف کشورهای پیش‌رو در مبارزه با تروریسم قرار دارد. انتقال این تجربیات به کشورهای عضو شانگهای، از مهم‌ترین اهداف برگزاری رزمایش است. ایران نشان داده که علاوه بر توان مقابله میدانی، در حوزه طراحی، فرماندهی و مدیریت عملیات‌های ضدتروریستی نیز توانمندی‌های سطح بالا دارد.»

«اسماعیل بقائی»: سخنگوی وزارت امور خارجه عنوان کرد

مقابله با تروریسم ماهیت فرامرزی

«اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه: این رزمایش نشان‌دهنده اهتمام و اهمیتی است که ایران برای مقابله هماهنگ و چندجانبه با معضل تروریسم قائل است. معضل تروریسم، معضلی

است که هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند با آن مقابله کند، زیرا ماهیت فرامرزی دارد. این نوع همکاری‌ها، که در قالب ترتیبات چندجانبه صورت می‌گیرد، می‌تواند آغازگر گسترش همکاری در



عرصه‌های مختلف مرتبط با امنیت بین‌المللی باشد. ما امیدواریم این همکاری‌ها، علاوه بر مقابله با تروریسم، به حوزه مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی نیز گسترش پیدا کند.

«فداحسین مالکی»، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس عنوان کرد

پیام روشن برای دشمنان مشترک



«فداحسین مالکی» نماینده مردم زاهدان در مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: این رزمایش در مواضع اخیر اجلاس سازمان همکاری شانگهای ریشه دارد؛ همان جایی که رؤسای جمهور نسبت به تحولات اخیر منطقه، به‌ویژه شرارت‌های رژیم صهیونی علیه جمهوری اسلامی ایران و جنایات این رژیم در غزه، واکنش قاطع نشان دادند. کشورهای عضو شانگهای به خوبی می‌دانند که ایران نخستین کشوری بود که از ابتدای شکل‌گیری جریان‌های تروریستی، به‌ویژه داعش، اقدام قاطع انجام داد. نقش برجسته سردار

هم‌صدایی میدان و دیپلماسی

رزمایش «سهند ۲۰۲۵» در حالی برگزار شد که هم‌زمان پژوهاک همراهی مردان دیپلماسی با مردان میدان، فضایی تازه از هم‌افزایی ملی و منطقه‌ای را رقم زد. این رزمایش که با حضور کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای انجام گرفت، به نمادی از اراده مشترک برای مقابله با تهدیدهای نوظهور و تقویت امنیت جمعی بدل شد. حمایت گسترده مسئولان و تحلیلگران سیاسی کشور از تلاش‌های میدانی، نشان داد که مسیر تأمین امنیت تنها از دل همکاری و هم‌فکری میان عرصه سیاسی و عملیاتی می‌گذرد؛ مسیری که می‌تواند آینده‌ای باثبات‌تر برای منطقه ترسیم کند؛ در ادامه برخی از این نظرات آورده می‌شود.

شهید سلیمانی و محور مقاومت در مقابله با داعش، الگویی از یک سیاست ضدتروریستی مؤثر بود که امروز در ساختار نگاه امنیتی شانگهای نیز بازتاب پیدا کرده است. همایش سهند ۲۰۲۵ می‌تواند همگرایی امنیتی و همپوشانی عملیاتی میان اعضای منطقه را تقویت کند. این رزمایش پیام روشنی برای دشمنان مشترک دارد و نشان می‌دهد کشورهای منطقه نسبت به تهدیدهای نوظهوری تفاوت نیستند.

«حسن هانی‌زاده»: تحلیلگر سیاسی مطرح کرد

ضرورت بومی‌سازی امنیت در شرق



«حسن هانی‌زاده» تحلیلگر سیاسی: کشورهای عضو شانگهای به دلیل رویکردهای استقلال‌طلبانه و جایگاه برخی اعضا در تقابل با هژمونی غرب، اهمیت ویژه‌ای برای امنیت منطقه‌ای قائلند. تجارب سال‌های اخیر نشان داده است امنیت شرق، در بسیاری مواقع با تحركات، مداخلات و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده غرب گره خورده و همین واقعیت، شانگهای را به سمت تقویت همکاری‌های امنیتی و نظامی سوق داده است. رزمایش «سهند ۲۰۲۵» نیز می‌تواند آغازگر فصل تازه‌ای از این همکاری‌ها در مقابله با گروهک‌های تروریستی باشد. در سوی مقابل، غرب نشان داده است در مسیر مقابله با رقبای ژئوپلیتیک خود، از هیچ ابزار و حد و مرزی عبور نمی‌کند و در موارد متعدد حتی به ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی متوسل شده؛ گروه‌هایی که شاخص‌ترین آنها داعش بود. همین پیشینه، نگرانی کشورهای شرقی و عضو شانگهای را تشدید کرده است، زیرا بیم آن می‌رود که آمریکا و برخی بازیگران غربی در آینده نیز بخواهند از ابزار تروریسم برای ایجاد تزلزل در انسجام آسیایی بهره ببرند.

پیام‌های رزمایش سهند ۲۰۲۵

تجارب ارزشمند جمهوری اسلامی در شناخت تروریسم و مبارزه واقعی با تروریست‌ها، به دیگر اعضای سازمان همکاری شانگهای منتقل، و یک درک مشترک نسبت به تروریسم به عنوان یک مجموعه از تهدیدهای بدون مرز، در میان ملت‌ها و دولت‌های این منطقه مهم، با در برداشتن ۴۵ درصد در جمعیت جهان شکل می‌گیرد. این نتیجه و پیامد، در محورهای زیر در گذر زمان نقش آفرین بوده، جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی را در راستای تأمین منافع ملی و در صدر این منافع، تأمین امنیت ملی و امنیت داخلی ارتقا می‌بخشد. اهمیت این موضوع، آن گاه بیشتر به چشم خواهد آمد که به سیاست‌های جبهه استکبار در بر هم زدن ثبات و امنیت ایران با مجموعه‌ای از اقدامات تروریستی یا اقدامات نظامی توجه داشته باشیم.

این رزمایش زمینه‌ساز حضور فعال ایران در حوزه نظامی – امنیتی سازمان همکاری شانگهای برای اقدامات مشترک علیه تروریسم است.

رزمایش سهند ۲۰۲۵، موجبات تقویت همکاری‌های نظامی و دفاعی ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، از جمله چین، روسیه، هند و کشورهای آسیای میانه را بیش از پیش فراهم می‌کند.

این رزمایش با تقویت درک مشترک از منافع و تهدیدها از سوی اعضای سازمان همکاری شانگهای، زمینه‌های تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی و همچنین همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های انرژی و خطوط انتقال آن، از جمله کریدور شمال – جنوب را فراهم می‌کند.

معماری امنیت مشترک

رزمایش مشترک ضدتروریسم «سهند ۲۰۲۵» به میزبانی نیروی زمینی سپاه در آذربایجان شرقی، نقطه عطفی در همکاری امنیتی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای است؛ سازمانی که ایران، روسیه، چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، بلاروس، تاجیکستان و ازبکستان را دربر می گیرد. برگزاری این رویداد پنج روزه در ششستر، بار دیگر نشان داد که برخلاف تصویرسازی های غرب، ایران در قلب معادلات امنیتی اوراسیا قرار دارد و ظرفیت های عملیاتی و میدانی آن برای مبارزه با تروریسم به رسمیت شناخته شده است. تنوع نیروها، تجربه رزمایش های مشترک در خشکی، هوا و دریا و حضور در عرصه اقیانوس ها، ایران را به الگویی کم نظیر در سازمان شانگهای تبدیل کرده است.

♦ سرمایه مشترک شانگهای

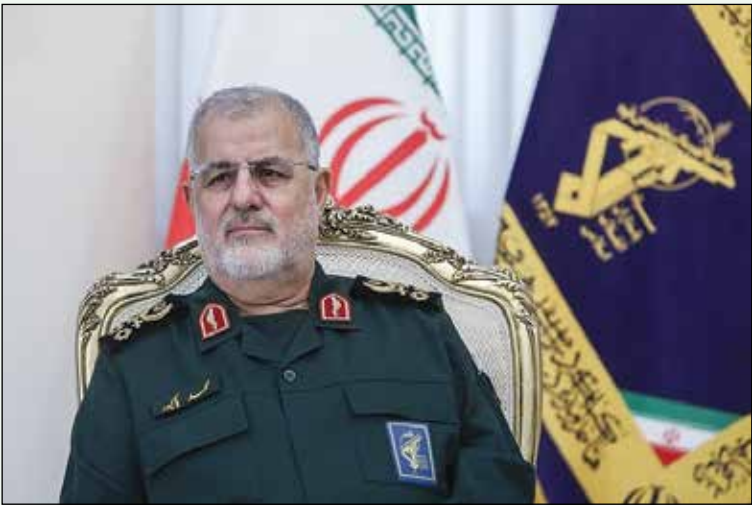
ایران نه تنها یکی از بزرگترین قربانیان تروریسم با بیش از ۱۷ هزار شهید است، بلکه از عراق تا سوریه نقش تعیین کننده ای در مهار تروریسم تکفیری داشته است. در حالی که غرب با حمایت پنهان و آشکار از گروه های تروریستی، بی ثباتی را در شرق آسیا و غرب آسیا بازتولید می کند، حضور ایران در این رزمایش برای انتقال تجربه عملیاتی، ارزش مضاعف دارد. دستاوردهای جنگ ۱۲ روزه و نشان دادن شکست پذیری طرح های ۲۰ ساله آمریکا و رژیم صهیونیستی، ایران را در جایگاه راهبردی یک قدرت امنیت ساز قرار داده است؛ قدرتی که توان نظامی و تسلیحاتی بومی آن نیز می تواند ظرفیت های مشترک سازمان شانگهای را ارتقا دهد.

♦ بی اعتباری ادعاهای ضدایرانی

رزمایش سهند ۲۰۲۵، ضربه ای مستقیم به پیکره جنگ روانی و ادراکی غرب علیه ایران وارد کرد. سال هاست که آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی با بزرگنمایی تهدیدها و ادعاهای گراف مانند ادعای نابودی توان دفاعی ایران یا ایجاد فضای انزوای بین المللی، سعی در تضعیف اقتدار ملی داشته اند؛ اما استقبال گسترده اعضای شانگهای از رزمایش به میزبانی سپاه نشان داد، ادعاهای غرب خریداری ندارد. اصرار برخی کشورها مانند استرالیا برای قرار دادن سپاه در فهرست گروه های تروریستی، بیشتر اقدامی تبلیغاتی برای جلب رضایت واشنگتن و تل آویو است تا تصمیمی مؤثر در نظام بین الملل. حضور رسمی اعضای شانگهای در رزمایش سهند، سند بی اعتباری این ادعاهاست و نشان می دهد قدرت دفاعی ایران نه تنها منزوی نیست، بلکه مورد اعتماد بازیگران مهم اوراسیایی است.

♦ شتاب دهنده نظم نوین

حقیقت بنیادین آن است که هیچ تحول سیاسی و اقتصادی بدون زیرساخت امنیتی پایدار محقق نمی شود. سازمان همکاری شانگهای نیز با وجود ماهیت سیاسی و اقتصادی، برای تحقق اهداف بلندمدت نیازمند همکاری امنیتی یکپارچه است. منطقه شرق آسیا در معرض تهدیدهای تروریستی، مداخلات خارجی و بی ثباتی های فرهنگی- اجتماعی قرار دارد؛ بنابراین رزمایش سهند نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای مواجهه جمعی با این تهدیدهاست. برخلاف ناتو که رویکرد توسعه طلبانه و بحران ساز دارد، رزمایش های شانگهای ماهیتی درون ساختاری و دفاعی دارند و علیه هیچ طرف ثالثی طراحی نشده اند. بخش مهمی از تجارت اعضای این سازمان از طریق آبراه ها، خطوط ریلی و مسیرهای زمینی انجام می شود و مبارزه با تروریسم زمینی و دزدی دریایی، یک ضرورت امنیتی مشترک است. افزون بر آن، پیام سیاسی رزمایش نیز قابل توجه است: شکل گیری نظم نوین که در آن کشورهای مستقل برای مقابله با یک جانبه گرایی آمریکا دست به هم داده اند. سازمان شانگهای در مسیر تبدیل شدن به یک قطب تعیین کننده امنیتی- اقتصادی است و رزمایش سهند، حلقه ای مهم از این زنجیره است.



و فاقد مرز» توصیف کرد و مقابله با آن را نیازمند «اقدامات مشترک، رزمایش های تخصصی و تبادل گسترده اطلاعات و تجربه» دانست. وی تأکید کرد: «رزمایش سهند ۲۰۲۵ دقیقاً با هدف ارتقای توان جمعی در مواجهه با تهدیداتی طراحی شده که امنیت منطقه ای و جهانی را هدف قرار داده اند.» وی حضور گسترده فرماندهان نظامی و امنیتی کشورهای مختلف در این رزمایش را «نشانه ای روشن از اراده مشترک برای مقابله با تروریسم و تقویت امنیت منطقه» عنوان کرد. فرمانده کل سپاه در پایان ابراز امیدواری کرد، این رزمایش «مایه صلح، امنیت و آرامش برای ملت های عضو سازمان همکاری شانگهای» باشد و از توجه و حضور هیئت های شرکت کننده تشکر کرد.

اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای، مبتنی بر مشارکت سازنده در امنیت جمعی است.» سرلشکر پاکپور با اشاره به نقش سپاه در طراحی، برنامه ریزی و اجرای رزمایش سهند ۲۰۲۵ افزود: «این رزمایش حاصل یک سال تلاش مستمر مسئولان، طراحان، فرماندهان و یگان های عملیاتی است که امروز در بالاترین سطح آمادگی، تجربه و هماهنگی در میدان حضور دارند.»

فرمانده کل سپاه همچنین به تجربیات گسترده سپاه در مقابله با تروریسم تکفیری، تجزیه طلب و دولتی در سال های گذشته اشاره کرد و گفت: «این تجارب ارزشمند را بدون هیچ محدودیتی با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به اشتراک می گذاریم.» سرلشکر پاکپور تهدید تروریسم را «فراملی

پیام فرمانده کل سپاه به رزمایش سهند ۲۰۲۵

ایران مصمم بر تقویت همکاری ها برای مبارزه با تروریسم است

ضدتروستی سازمان همکاری شانگهای و هیئت همراه او قلدردانی کرد. سرلشکر پاکپور در آغاز سخنان خود یاد و خاطره شهدای مبارزه با تروریسم را گرامی داشت و از جمله به سردار سپهید شهید غلامعلی رشید، سردار سپهید شهید محمد باقری، سردار سپهید شهید حسین سلامی، سردار سپهید شهید قاسم سلیمانی و دیگر شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ادای احترام کرد.

وی با اشاره به وضعیت اخیر منطقه ای و جنگ ۱۲ روزه ای که جمهوری اسلامی ایران از آن عبور کرده است، تأکید کرد: «با وجود همه فشارها و تهدیدها، ایران با عزم ملی و نگاهی راهبردی، بر تقویت همکاری های منطقه ای و بین المللی متمرکز شده است. حضور فعال و مسئولانه جمهوری

رزمایش مشترک ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای با نام «سهند ۲۰۲۵» از روز یکشنبه، نهم آذر آغاز شد و روز پنجشنبه، ۱۳ آذر رزمایش اصلی با حضور ۱۸ هیئت عالی رتبه از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و سازمان های نظامی و امنیتی منطقه ای، به میزبانی نیروی زمینی سپاه در شهرستان ششستر واقع در استان آذربایجان شرقی برگزار شد.

در این مراسم، «سرلشکر محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه، طی سخنانی با ابراز خوش آمدگویی به فرماندهان، مسئولان و مهمانان عالی رتبه حاضر، حضور آنان را نشانه ای از عمق همکاری های راهبردی میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای دانست. وی به طور ویژه از حضور «ژنرال شارشوف» رئیس کمیته اجرایی ساختار منطقه ای

فرمانده نیروی زمینی سپاه در جریان بازدید از رزمایش سهند ۲۰۲۵

آماده مقابله با هر نوع تهدیدی هستیم



مجموعه برگزار می شود. همچنین، چهار کشور عربستان سعودی، عمان، عراق و جمهوری آذربایجان به عنوان مهمان و ناظر رزمایش حضور دارند.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران با اشاره به بازدید امروز خود از آمادگی یگان های شرکت کننده در رزمایش ضد تروریستی «سهند ۲۰۲۵» تأکید کرد: «امروز از آمادگی یگان ها بازدید انجام شد و با برنامه ریزی خوب و طراحی سناریوهای مختلفی که انجام گرفته، آمادگی بسیار خوبی برای اجرای این رزمایش ایجاد شده است.» سردار کرمی در پایان بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهای مختلف تأکید کرد.

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نیروهای عمل کننده در این رزمایش بازدید کرد.

سردار سرتیپ پاسدار محمد کرمی در این بازدید، ضمن ارزیابی آمادگی و روحیه نیروهای حاضر در میدان بر تداوم حفظ آمادگی آنها تأکید کرد و گفت: «جمهوری اسلامی ایران، قربانی تروریسم بوده و ما ۱۷ هزار شهید ترور داریم؛ لذا هدف از طراحی و اجرای این رزمایش، مبارزه با اقدامات تروریستی است.»

وی در تشریح روند آماده سازی رزمایش افزود: «بر اساس برنامه ریزی که انجام شده، رزمایش سهند ۲۰۲۵ با حضور ۱۰ کشور عضو این

رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» از دریچه دوربین

رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» با انجام موفقیت آمیز عملیات های طراحی شده پایان یافت. در مرحله اصلی و پایانی این رزمایش، «عملیات راهبردی-ترکیبی تخریب»، «عملیات دفاع مستحکم مرزی»، «عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای عمل کننده در رزمایش» و «عملیات رهایی گروگان» با موفقیت اجرا شد.



عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای عمل کننده در رزمایش: در ادامه این مرحله از رزمایش، عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای عمل کننده در رزمایش ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵ به وسیله بالگردهای هوانیروز سپاه اجرا شد. در این مرحله بالگردهای کبری هوانیروز سپاه با اجرای آتش دقیق مواضع تیم های تروریستی را منهدم کردند. همچنین بالگردهای Mi-۱۷ و Mi-۲۴ هوانیروز سپاه نقل و انتقال و هلی-برن نیروهای شرکت کننده در رزمایش را بر عهده داشتند.



بازدید از نمایشگاه: هیئت های خارجی عضو سازمان شانگهای و مهمانان حاضر در رزمایش ضد تروریستی «سهند ۲۰۲۵» از این نمایشگاه و تجهیزات به نمایش درآمده در آن بازدید کردند. در حاشیه این رزمایش نمایشگاه تجهیزات مورد استفاده نیروهای ویژه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نمایشگاه انواع تسلیحات انفرادی، پیپادها، ریز پرنده ها، موشک های ضد زره، تجهیزات ایستیک، ربات ها، تجهیزات جنگ نوین به نمایش گذاشته شده است.



تمرین عملیات دفاع مستحکم مرزی: همچنین در آخرین مرحله از رزمایش ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵ عملیات دفاع مستحکم مرزی با موفقیت اجرا شد. در این مرحله، یگان های نیروی ویژه نیروی زمینی سپاه به همراه یگان هایی از ارتش های ازبکستان و بلاروس با استقرار در مواضع و استحکامات مرزی و اجرای عملیات دفاع ثابت منطقه ای، دفاع مستحکم مرزی برای جلوگیری از ورود تروریست ها را با موفقیت اجرا کردند.



اجرای عملیات رهایی گروگان: در بخش پایانی رزمایش نیز عملیات رهایی گروگان با تلاش یگان های شرکت کننده اجرا شد. در این مرحله، یگان هایی از نیروی زمینی سپاه به همراه یگان های از کشورهای بلاروس و ازبکستان عملیات رهایی گروگان در اتوبوس را با موفقیت اجرا کردند. ماجرا از این قرار بود که تعدادی از تروریست ها اتوبوس مسافربری در یک روستای مرزی متوقف و درمدد گروگان گیری بودند که با اقدام به موقع نیروهای واکنش سریع، توطئه تروریست ها در نطفه خفه شد.



نشست خبری: نشست خبری رزمایش مشترک ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» در منطقه عملیاتی تیپ مکانیزه امام زمان (عج) ششستر برگزار شد. در این نشست، سردار سرتیپ پاسدار ولی معدنی، فرمانده رزمایش و معاون عملیات نیروی زمینی سپاه، به همراه «ژنرال سرگی پیسانی» نماینده کمیته اجرایی ساختار منطقه ای ضدتروریسم سازمان همکاری های شانگهای، با رسانه های داخلی و خارجی دیدار کردند. این نشست به تشریح اهداف رزمایش اختصاص داشت.



عملیات راهبردی-ترکیبی تخریب: عملیات راهبردی-ترکیبی تخریب در منطقه عمومی رزمایش ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵ با تلاش یگان های نمونه نیروی زمینی سپاه و کشورهای عضو سازمان شانگهای که در این رزمایش حضور دارند، اجرا شد. یگان های مستقر در رزمایش با استفاده از مواد منفجره هوشمند و تاکتیک های به روز و به منظور قطع خطوط مواصلاتی تیم های تروریستی، عملیات تخریب مواضع از پیش تعیین شده را با موفقیت اجرا کردند.

بازتاب جهانی یک رزمایش منطقه‌ای

رزمایش مشترک ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» دومین رزمایش مشترک ضدتروریسم سازمان شانگهای پس از رزمایش ۲۰۲۴ در سین‌کیانگ چین بود و نخستین بار بود که ایران میزبانی آن را برعهده می‌گرفت؛ رخدادی که نشان از ارتقای موقعیت ایران از «عضو جدید» به «شریک محوری» در پیمانی دارد که بسیاری آن را «ناتوی شرقی» می‌نامند.

اهمیت این رزمایش زمانی برجسته‌تر می‌شود که در نظر بگیریم ایران تنها کشور عضو شانگهای است که هم در شرق و هم در غرب با تهدیدهای فعال تروریستی مواجه بوده و تجربه گسترده‌ای در مقابله عملیاتی با گروه‌هایی، مانند «جیش‌العدل» و نیز خلع‌سلاح گروهک‌های تجزیه‌طلب در مرزهای عراق کسب کرده است. همین تجربه، همکاری نظامی ایران با بازیگران کلیدی شانگهای را از سطح سیاسی به میدان عملیات ارتقا داده است. به گفته فرمانده رزمایش، سردار معدنی، ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم شانگهای بارها از ایران قدردانی کرده و «کشورهای پایه‌گذار سازمان شانگهای مانند روسیه و چین به وحدت نظر کامل با ایران در مبارزه با تروریسم رسیده‌اند.»

این رزمایش در بستری برگزار شد که چین با طراحی نشست ویژه شانگهای در سالروز استقلال خود و برگزاری یک رژه عظیم نظامی با حضور رؤسای‌جمهور ایران و روسیه، پیام روشنی درباره جهت‌گیری نظم جدید جهانی مخابره کرده بود. شی جین‌پینگ در مراسم افتتاحیه اجلاس تیانجین تصریح کرده بود: «سازمان همکاری شانگهای به‌نیروی تأثیرگذار در مقابله با هژمونی و سیاست‌های سلطه‌گر ایانه تبدیل شده است.» او این سازمان را «بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌ای جهان» با «ارزش همکاری ۳۰ تریلیون دلاری در بیش از ۵۰ حوزه» توصیف کرد.

در چنین فضایی است که انتخاب آذربایجان شرقی برای برگزاری رزمایش اهمیت ژئوپلیتیک مضاعفی می‌یابد؛ نقطه‌ای در تلاقی کریدور شمال-جنوب، مسیرهای انرژی خزر-خلیج فارس و نزدیک‌ترین فاصله به قفقاز جنوبی. این انتخاب، پاسخی نمادین و عملی به تلاش آمریکا برای ورود مجدد به این منطقه از طریق پروژه‌های موسوم به «الان ترامپ» و مداخله در قفقاز بود.

ویگاه «شنال اینترست» نیز در تحلیلی درباره تحولات جدید نوشت، بازگشت آمریکا به پایگاه بگرام (نشانه‌ای از تغییر استراتژی واشنگتن از مبارزه با تروریسم به رقابت با قدرت‌های بزرگ) است؛ پایگاهی که به گفته این رسانه، ایالات متحده را قادر می‌سازد «ایران، چین و حوزه نفوذ روسیه را به‌طور هم‌زمان زیر نظر بگیرد.»

اما شاید مهم‌ترین وجه رزمایش «سهند ۲۰۲۵» بُعد ایدئولوژیک آن باشد. تمرین سال گذشته در چین و رزمایش اسمال در ایران نشان می‌دهد، شانگهای به دنبال ایجاد یک تعریف مستقل و غیرغربی از مفهوم تروریسم است؛ تعریفی که در برابر الگوی دوگانه آمریکه-تروریسم خوب و بد-قرار می‌گیرد و از نگاه اعضای شانگهای، تلاش برخی دولت‌های غربی برای تروریست خواندن سپاه پاسداران را بی‌اعتبار می‌کند.

در بعد منطقه‌ای نیز این رزمایش برای کشورهایی مانند هند معنا و پیام ویژه‌ای دارد. سواران سینگ، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه جواهر لعل نهرو، می‌گوید: «این به ویژه فرصتی عالی برای نیروهای مسلح هند است، زیرا ایران اخیراً با ایالات متحده و اسرائیل درگیری‌های نظامی جدی داشته است که درس‌های مهمی برای هند دارد.»

در نتیجه، «سهند ۲۰۲۵» نه تنها یک رزمایش نظامی، بلکه نمادی از همگرایی روبه‌رشد شرق و شکل‌گیری چارچوبی جدید برای امنیت جمعی در جهان‌گذار به نظم تازه است.



روایتی از رزمایش بزرگ هم‌افزایی نظامی شانگهای در ایران

اتاق عملیات مشترک

رئیس و دبیر کمیته برای هماهنگی به ایران سفر کردند.

سر تپ معدنی با بیان اینکه کمیته اجرایی سازمان همکاری شانگهای سالانه برگزاری یک رزمایش ضد تروریستی در دستور کار دارد، ادامه داد: «جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران چهارمین کشور و نیروی مسلح است که میزبانی این رزمایش را برعهده گرفته است.»

وی یادآور شد: «کشورهای عضو کمیته سازمان همکاری شانگهای، کشورهای مهم منطقه شامل ازبکستان، تاجکستان، روسیه، پاکستان، قرقیزستان، چین، قزاقستان، ایران، هندوستان و بلاروس هستند.»

فرمانده رزمایش مشترک ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵ گفت: «این کشورها به عنوان عضو رسمی و کشورهای همسایه شامل عربستان، جمهوری آذربایجان، عمان و عراق به عنوان میهمان در این رزمایش شرکت دارند.»

سر تپ معدنی با بیان اینکه مدت برگزاری این رزمایش پنج روز بوده و نام اصلی آن، ضدتروریستی است، اظهار کرد: «تروریست مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و در همه کشورها می‌تواند به عنوان تهدید عمل کند.»

فرمانده رزمایش ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵، ارتقای دانش نظامی فرماندهان و رزمندگان برای مقابله با تروریسم و تلاش همه‌جانبه برای انتقال تجارب هر کشور به کشورهای عضو برای مقابله با تروریسم را از مهم‌ترین اهداف برگزاری این رزمایش اعلام کرد.

سر تپ معدنی ادامه داد: «در این رزمایش تلاش می‌شود کشورهای عضو با هم‌افزایی همدیگر به یک هدف مشترک برای مقابله با تروریسم برسند، از مهم‌ترین اهداف برگزاری این رزمایش، ایجاد تعامل و همکاری بین کشورهای عضو در مقابله با تروریسم است.»

فرمانده رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند ۲۰۲۵ با بیان اینکه برگزاری این رزمایش پس از جنگ ۱۲ روزه از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است، گفت: «رزمایش سهند ۲۰۲۵، اولین رزمایش عملیات صحرایی در قلمرو جمهوری اسلامی است که به صورت همه جانبه برگزار می‌شود.»

سر تپ معدنی افزود: «سپاه پاسداران و نیروی زمینی با توجه به تجارب میدانی، مسئولیت برگزاری این رزمایش را به عهده گرفت.»

وی اظهار کرد: «سپاه پاسداران به منزله مبنای مبارزه با تروریسم انتخاب شده و جمهوری اسلامی برای ائتلاف منطقه‌ای با سازمان همکاری شانگهای پس از برگزاری جنگ ۱۲ روزه بسیار مهم است و این رزمایش در این راستا برگزار می‌شود، در این

رزمایش مقامات عالی رتبه نظامی همه کشورهای عضو میهمان در سطح بالا در این رزمایش شرکت می‌کنند.»

فرمانده رزمایش مشترک ضدتروریستی سهند ۲۰۲۵ گفت: «علاوه بر همسایه‌های ناظر، وابستگان نظامی تعدادی از کشورهای به این رزمایش دعوت شده‌اند، در این رزمایش ۲۰ نفر از رؤسای هیئت‌های عالی رتبه ارتش، ۶۰ نفر از رؤسای ستاد و ۴۰ نفر از نیروهای عملیاتی شرکت دارند.»

وی یادآور شد: «رزمایش از امروز به مدت سه روز کارهای عملیاتی را انجام می‌دهند و امروز و فردا اقدامات ستادی و توجیه عملیاتی انجام می‌شود و ۱۳ آذر روز اصلی برگزاری رزمایش است، رزمایش اصلی را یکی از واحدهای ویژه نیروی زمینی سپاه طراحی کرده و با ترکیب همه حوزه‌های تخصصی نیروی ویژه انجام می‌شود.»

سر تپ معدنی ادامه داد: «در تمام مراحل پنج‌گانه رزمایش مهمات جنگی بوده و تیم‌های عملیاتی با تروریست به شدت برخورد خواهند کرد.»

وی با بیان اینکه این رزمایش حدود سه ساعت طول می‌کشد، اظهار کرد: «اقدامات عملیاتی به صورت تخصصی در محیط تروریستی طراحی شده و کلیه مراحل برای مقابله با تروریست با آمادگی کامل انجام خواهد شد.»

سر تپ معدنی، شعار اصلی این رزمایش را تلاش همه‌جانبه برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد و افزود: «این شعار در دستور کاری همه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای قرار می‌گیرد.»

مرحله نهایی رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵»

مرحله نهایی رزمایش از صبح پنج‌شنبه با اجرای عملیات یگان‌های شرکت‌کننده آغاز شد. در این مرحله تیم‌های عمل‌کننده از نیروی زمینی سپاه، ارتش بلاروس و ارتش ازبکستان انواع سناریوهای مقابله با اقدامات تروریستی، رهایی‌گروگان، هلی‌پرن، جنگ الکترونیک، تخریب و انهدام گروه‌های تروریستی در جدار مرزی را تمرین می‌کنند. علاوه بر این بالگردهای هوانیروز سپاه وظیفه پشتیبانی رزمی و هلی‌پرن نیروها را برعهده خواهند داشت.

اجرای موفق عملیات تخریب هوشمند امروز و در آخرین مرحله از رزمایش، عملیات تخریب هوشمند با موفقیت اجرا شد. در این مرحله، یگان‌های تخریب نیروی زمینی سپاه با استفاده از مواد منفجره هوشمند و تاکتیک‌های بروز و به‌منظور قطع خطوط مواصلاتی تیم‌های تروریستی اقدام تخریب مواضع از پیش تعیین‌شده را با موفقیت اجرا کردند.

عملیات انهدام اهداف توسط ریزپرنده‌ها

در ادامه رزمایش ریزپرنده‌های نیروی زمینی سپاه با موفقیت مواضع از پیش تعیین شده در رزمایش سهند ۲۰۲۵ منهدم کردند. در این مرحله، گردان‌های سنجیل نیروی زمینی سپاه با استفاده از ریزپرنده‌های مجهز به مهمات هوشمند ضد نفر و ضد استحکامات مواضع از پیش تعیین شده تیم‌های تروریستی را با موفقیت منهدم کردند.

عملیات دفاع مستحکم مرزی

در آخرین مرحله از رزمایش ضد تروریستی سهند ۲۰۲۵ عملیات دفاع مستحکم مرزی با موفقیت اجرا شد. در این مرحله یگان‌هایی از نیروی زمینی سپاه به همراه یگان‌هایی از ارتش های ازبکستان و بلاروس با استقرار در مواضع و استحکامات مرزی و اجرای عملیات دفاع ثابت منطقه‌ای، دفاع مستحکم مرزی برای جلوگیری از ورود تروریست‌ها را با موفقیت اجرا کردند.

عملیات بالگردهای هوانیروز سپاه

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای عمل‌کننده در رزمایش سهند ۲۰۲۵ و وسیله بالگردهای هوانیروز سپاه اجرا شد. در این مرحله بالگردهای کبرا هوانیروز سپاه با اجرای آتش دقیق مواضع تیم‌های تروریستی را منهدم کردند. همچنین بالگردهای ۱۷M۱ و بل ۲۱۴ هوانیروز سپاه نقل و انتقال و های برن نیروهای شرکت‌کننده در رزمایش را برعهده داشتند.

عملیات رهایی گروگان

در ادامه رزمایش عملیات رهایی گروگان با تلاش یگان‌های شرکت‌کننده در این رزمایش اجرا شد. در این مرحله، یگان‌هایی از نیروی زمینی سپاه به همراه یگان‌هایی از کشورهای بلاروس و ازبکستان عملیات رهایی گروگان در اتوبوس را موفقیت اجرا کردند.

ضرورت تشکیل اتاق عملیات مشترک در سازمان همکاری‌های شانگهای

فرمانده رزمایش ضد تروریستی «سهند ۲۰۲۵» در اختتامیه این رزمایش گفت: «ما باید با نهایی کردن راهبرد مقابله با تهدیدها، جلوگیری از غافلگیری و ایجاد وابستگی متقابل امنیتی، به سمت تشکیل اتاق عملیات مشترک و برگزاری نشست‌های نظامی مداوم حرکت کنیم تا سطح فرماندهی و عملیات ارتقا پیدا کند.»

سرگردان میان لاله‌زار و سیسیل!



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

سینما همواره آینه‌ای بوده که قرار است زیست و زمانه مردمانش را بازتاب دهد؛ اما گاهی این آینه چنان غبارآلود شیفتگی‌های شخصی و تقلیدهای کورکورانه می‌شود که تصویری معوج و بی‌هویت را به نمایش می‌گذارد. سیاوش اسعدی در چهارمین تجربه بلند سینمایی خود، «غریزه»، دست‌به‌گریبان سوژه‌ای شده است که اگر چه در ذات خود (عشق‌های پرشور نوجوانی) قابلیت اثرگذاری عمیق و حتی ترسیم روایتی آسیب‌شناسانه از مسائل جنسی را دارد، در اجرا به دلیل فقدان نگاه جامعه‌شناختی صحیح به بوم‌زیست ایرانی و گرفتاری در دام سطحی‌گرایی عاری از محتوا، به اثری تبدیل شده که بعید است پس از خروج از سالن سینما، جایی در حافظه جمعی مخاطبان بیايد. فیلم «غریزه» به کارگردانی سیاوش اسعدی، روایتگر یک عشق پرشور و پنهانی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در شمال ایران است. داستان درباره رسول، پسر یک خان بافوذ و ثروتمند در منطقه، و آتیه، دختر نوجوان دوست قدیمی پدرش است. رسول و آتیه که هر دو شیفته سینما و رویاهای بزرگ هستند، رابطه عاشقانه‌ای را در خفا آغاز می‌کنند.

این دو نوجوان، با پرسه زدن در طبیعت بکر، سعی در بازآفرینی فضای فیلم‌های مورد علاقه‌شان دارند، اما این سرخوشی و بازی‌های کودکانه، بستری برای بروز غریزه و یک رابطه ممنوعه می‌شود. با گذشت زمان و برملا شدن حوادث پشت پرده در گذشته، این عشق نوجوانانه در سایه یک تراژدی بزرگ خانوادگی قرار می‌گیرد. لوطی مر موزی که از گذشته بازگشته (با بازی امین حیایی) و به‌نوعی با مادر آتیه و پدر رسول شر و میر دارد، وارد ماجرا می‌شود. او که نمادی از مردانگی و مرام سنتی است، می‌کوشد تا حق دوستی قدیمی و ناموس‌پرستی را بجا آورد. در این فیلم، پژمان بازغی و لیندا کیانی نیز در کنار امین حیایی، نقش‌های کلیدی را ایفا می‌کنند. در نهایت، این درام عاشقانه-انتقامی، جوانب پنهان روابط و تقابل سنت و مدرنیته را در آن دوره به چالش

می‌کشد؛ تقابلی که منجر به برملا شدن رازهای قدیمی و سرنوشتی تلخ برای شخصیت‌های اصلی می‌شود.

بحران هویت، معضل پر دامنه سینمای سال‌های اخیر ما بوده که گریبان غریزه را هم به شکل فجیعی گرفته است، طوری که می‌توان آن را سرگردان میان لاله‌زار قدیم و سیسیل کهن دانست! اسعدی که پیش از این نیز تعلق خاطر خود را به سینمای مسعود کیمیایی و البته سینمای کلاسیک و نئورئالیسم ایتالیا نشان داده بود، در «غریزه» این شیفتگی را به اوج رسانده است. اما مشکل دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که این «عشق سینما» بودن (سینه‌فیلیا)، جایگزین «زیست سینمایی» می‌شود. درحالی‌که فیلم‌سازی چون حمید نعمت‌الله توانسته با عبور از سایه کیمیایی به یک امضای شخصی و تکامل‌یافته برسد، اسعدی همچنان در مرحله «میرد و مرادی» متوقف مانده و حتی عقب‌گرد کرده است. «غریزه» از منظر ساختاری دچار یک دیوارگی و شیذوفرنی روایی است. فیلمساز در نیمه نخست، با نگاهی به آثاری چون «مالتا» و «لولیتا» و حتی «سینما پارادیزو»، سعی در خلق فضایی شاعرانه و شیره‌وشنفکرانه دارد. در این بخش، ما با نوجوانانی مواجهیم که گویی نه در دهه چهل ایران، که در سواحل مدیترانه زیست می‌کنند؛ سرخوش، رها و درگیر یک عشق سینمایی ویتروینی. اما ناگهان در نیمه دوم، فیلم با یک چرخش عجیب، تغییر ماهیت داده و به دامن



همان «فیلمفارسی»‌های کلیشه‌ای می‌غلند که زمانی نماد ابتدال خوانده می‌شدند. این تغییر فاز، نه یک تمهید در امانتیک، بلکه نشان‌دهنده تشتت ذهنی فیلمساز است که نمی‌داند می‌خواهد یک درام مدرن روان‌کاوانه بسازد یا یک اثر جاهلی با تم انتقام و ناموس‌پرستی.

شخصیت‌های بی‌شناسنامه در قاب‌های زیبا، دیگر مسئله غریزه است. بزرگ‌ترین ضربه فیلم از ناحیه شخصیت‌پردازی وارد می‌شود. مریع اصلی شخصیت‌ها (رسول، پسرش، آتیه و مادرش) فاقد ریشه‌های طبقاتی و جامعه‌شناختی قابل‌یاور هستند. «رسول» با بازی امین حیایی، قرار است نماد یک «لوطی» خسته و توبه‌کرده باشد، اما بر خلاف لوطی‌های سینمای کیمیایی یا حتی فیلمفارسی‌های قدیم که خاستگاه و مرام‌شان مشخص بود، رسول «غریزه» یک تیپ سرگردان است که از ناکجاآباد آمده و انگیزه‌هایش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. شخصیت‌های نوجوان نیز قربانی نگاه ابزارِی و اروتیک فیلمساز شده‌اند. دختری که در نیمه اول سرخوش و بی‌غم است، ناگهان و بدون طی کردن سیر منطقی دراماتیک، به شخصیتی افسرده و درهم‌شکسته بدل می‌شود. این تغییر ناگهانی شخصیت‌ها، یادآور کارتون‌های کودکانه است تا یک درام رئالیستی. فیلمساز به‌جای پرداختن به لایه‌های درونی شخصیت‌ها و خلق یک «تیپ» ماندگار از مردم دهه ۴۰، تنها به پوسته‌ای ظاهری

برداشت

نگاهی به فیلم دو روز دیرتر

دانشجوی هنر بودن!



حوزه‌های فنی و تخصصی، که سرعت تغییرات تکنولوژیک از سرعت به‌روزرسانی‌های آکادمیک پیشی گرفته، ملموس‌تر است. معضل دوم، که مستقیماً به چالش اول مربوط است، عدم تربیت هنرمند بومی است. هنرمند بومی نه صرفاً کسی است که در ایران متولد شده، بلکه کسی است که جهان‌بینی و روایت هنری او ریشه‌ای عمیق در ارزش‌ها، اسطوره‌ها، مسائل اجتماعی و تاریخ ملی این سرزمین دارد. فضای آموزشی موجود اغلب یک زبان جهانی از هنر را می‌آموزد که اگر چه مفید است، اما هنر جو را به ابزارهای لازم برای بیان قدرتمند روایت‌های محلی و ملی مجهز نمی‌سازد.

در نتیجه، محصول هنری تولید شده فاقد آن عمق و اتصال ضروری برای تأثیرگذاری مؤثر بر مخاطب و جامعه ایرانی است. به جای پرورش

بسندۀ کرده است.

مشکل دیگر «غریزه» را می‌توان مصداق بارز فریفتگی تکنیکال دانست. فیلم اگر چه به مدد فیلمبرداری چشم‌نواز و قاب‌بندی‌های خوش‌رنگ‌و‌لعباب در لوکیشن‌های شمال، ظاهری فریبنده دارد، این زیبایی بصری نتوانسته حفره‌های عمیق فیلمنامه را بپوشاند. موسیقی متن نیز اگر چه شنیدنی است و بار احساسی بسیاری از صحنه‌ها را به‌تنهایی به دوش می‌کشد، در نهایت حکم مسکنی را دارد که قرار است پیکر نیمه‌جان قصه را سرپا نگه دارد. تدوین فیلم نیز کمکی به انسجام اثر نکرده است. تدوینگر نتوانسته است قیچی خود را بی‌رحمانه بر راش‌های طولانی و کش‌دار فیلم فرود آورد. نتیجه، فیلمی است پرگو و مطول که یک‌سوم ابتدایی آن عملاً زائد است و اگر حذف شود، لطمه‌ای به خط اصلی داستان (که تازه از دقیقه ۵۰ شروع می‌شود) نمی‌زند.

معضل اصلی «غریزه» و آثار مشابه آن در سینمای امروز ایران، جایگزینی «تصویر» با «کلام» است. فیلمساز به‌جای آنکه عشق، خشم یا استیصال را با زبان سینما و تصویر نشان دهد، شخصیت‌هایش را وادار به صدور بیانیۀ و شعارهای گل‌درشت می‌کند. عشق به سینما در این فیلم، نه در تاروپود اثر، بلکه تنها در دیالوگ‌ها و پوستره‌های روی دیوار خلاصه شده است.

گویی «غریزه» اثری است که قربانی تناقضات درونی سازنده‌اش شده است؛ تناقض میان ادای روشنفکری و تمایلات فیلمفارسی، تناقض میان فرم‌گرایی مدرن و قصه‌گویی سنتی. این فیلم با وجود زحمات فنی مشهود، به دلیل نداشتن «اصالت» و عدم شناخت صحیح از زیست‌بوم فرهنگی انسان ایرانی، به اثری تلف شده تبدیل شده است که نه می‌تواند مخاطب جدی سینما را راضی کند و نه قادر است قصه‌ای سرراست برای مخاطب عام تعریف کند. سینما با کنار هم چیدن قاب‌های زیبا و کپی‌برداری از دست‌مایه‌های آثار کلاسیک جهان ساخته نمی‌شود؛ سینما نیازمند روحی است که از دل فرهنگ و حقیقت جامعه می‌جوشد، عنصری که «غریزه» به‌شدت از آن تهی است!

اصلاح آموزش هنر در دانشگاه‌ها یک

ضرورت فوری است. این امر نیازمند یک حرکت جامع و شجاعانه‌از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی و مدیران دانشگاهی است. راهکار در یک تحول ساختاری خلاصه می‌شود، از جمله بازنگری بنیادی در سرفصل‌ها؛ جایگزینی منابع قدیمی با متون و مفاهیم جدید بر اساس زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی و تجربیات هنری معاصر کشور. تأکید بر زیبایی‌شناسی بومی و تقویت درس‌هایی با تمرکز بر تاریخ هنر ایران، هنرهای نمایشی سنتی، و شیوه‌های بومی روایتگری نیز از دیگر راهکارهاست.

ضرورت دیگر، اتصال عملی با جامعه است؛ تعریف پروژه‌های عملی با همکاری نهادهای اجتماعی و فرهنگی برای تضمین اینکه کار دانشجویی مرتبط با نیازهای جامعه باشد.

تربیت استادان همگام با نیازهای هنری هم از نیازهای اساسی اصلاح آموزش هنر در دانشگاه‌هاست؛ بازنگری در شیوه جذب و آموزش اعضای هیئت علمی تا اساتید جدید که خود پرورش‌یافته مکاتب بومی با نگاهی به آینده باشند.

اگر این اصلاحات به فوریت صورت نپذیرد، شاهد به حاشیه رفتن تدریجی هنر آکادمیک در برابر هنر عامه‌پسند و الگوهای بیگانه خواهیم بود و دانشگاه به طور فزاینده‌ای به جزیره‌ای جدا افتاده در پهنه فرهنگ ایران تبدیل می‌شود. تربیت هنرمندی که در اندیشه بومی و در اجرا مماس با نیازهای جامعه باشد، تنها راه تضمین بقا و اثربخشی هنر ایرانی در قرن جدید است.

فرهنگ

شماره ۱۲۱۶ | دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

صداقت

یادداشت

سکوی شکوفایی زنان هنرمند

مهدی امیدي

خبرنگار

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی در تاریخ معاصر کشور بود که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر تمامی شئون جامعه، به ویژه بر جایگاه و نقش زنان در عرصه‌های فرهنگی و هنری گذاشت. برخلاف تصور رایجی که بعضاً در خارج از مرزها تبلیغ می‌شود، حضور زنان در این حوزه‌ها نه تنها محدود نشد، بلکه با درک جدیدی از هویت اسلامی-ایرانی و با حمایت‌های ساختاری، رشد و شکوفایی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد که دستاوردهای آن در سطح ملی و بین‌المللی کاملاً مشهود است.

اگر به آمار و ارقام و همچنین کیفیت آثار خلق شده نگاه کنیم، حضور زنان ایرانی در عرصه‌های سینما، تئاتر، موسیقی (با حفظ موازین، ادبیات، تجسمی و صنایع دستی، اصلاً قابل مقایسه با دوران پیش از انقلاب نیست

در حوزه سینما و کارگردانی، شاهد ظهور نسل درخشانی از فیلمسازان زن هستیم که آثارشان جوایز معتبر جهانی را کسب کرده‌اند و صدای زنان و مسائل اجتماعی ایران را به دنیا رسانده‌اند. در دوران پیش از انقلاب، تعداد انگشت‌شماری از زنان به صورت جدی در این حوزه‌ها فعالیت داشتند، در حالی که پس از انقلاب، با تأسیس نهادهای حمایتی و فضای جدید فرهنگی، شاهد یک جهش بزرگ در تعداد و عمق فعالیت‌های هنری زنان بودیم.

در زمینه ادبیات، به‌ویژه داستان‌نویسی و شعر، شمار نویسندگان زن باسبک‌های متنوع به شکل چشم‌گیری افزایش یافته است.

کتاب‌های زنان نویسنده ایرانی به زبان‌های مختلف ترجمه شده و جوایز داخلی و خارجی متعددی را از آن خود کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین و الهام‌بخش‌ترین عرصه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی برای زنان گشوده شد، حوزه ادبیات مقاومت و دفاع مقدس است. زنان ایرانی، چه به عنوان فعالان و پشتیبانان مستقیم در دوران جنگ و چه به‌عنوان مادران، همسران و دختران شهدا و رزمندگان، تجربه‌ها و مشاهدات عمیقی دارند که منبع غنی برای خلق آثار ماندگار شده است.

پس از انقلاب، شاهد ظهور نویسندگان زن متعددی هستیم که توانسته‌اند با آثار مرتبط با دفاع مقدس، مرزهای ادبیات مقاومت را گسترش داده و جوایز متعدد ادبی را کسب کنند. سهم زنان در تولید محتوای جذاب، خوش‌خوان و تأثیرگذار در حوزه ادبیات مقاومت، به اندازه‌ای است که بسیاری از پژوهشگران، این دوره را دوران طلایی خاطره‌نگاری و ادبیات دفاع مقدس به دست زنان می‌دانند.

این حضور، نشان‌دهنده ظرفیت بالای زنان برای تبدیل شدن به روایان اصلی حافظه ملی و نگهبانان ارزش‌های مقاومت و ایثار است که خود یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی پس از انقلاب اسلامی در حوزه زنان به‌شمار می‌آید.

بخش قابل توجهی از نویسندگان موفق در ادبیات مقاومت (اعم از خاطره‌نویسی، داستان و پژوهش)، زنان هستند. آنها توانسته‌اند با ظرافت و دقت زنانه، ابعاد انسانی، عاطفی و اجتماعی مقاومت را به تصویر بکشند و آثاری مانند خاطرات مادران شهدا یا روایات زنان رزمنده را به گنجینه فرهنگی کشور اضافه کنند. این حضور، نشان‌دهنده یک «تجلی‌گاه جدید» برای بانوان ایرانی است که در آن، نقش خود را فراتر از کلیشه‌ها، در خط مقدم فرهنگ‌سازی، حفظ حافظه تاریخی و مقاومت ملی ایفا می‌کنند.

وفاداری فایده نداره

سید پویا هاشمی

دبیر پرونده

تجربه اوکراین در دهه‌های اخیر نشان داده است، حمایت آمریکا از متحدانش همیشه مشروط به منافع ملی و داخلی این کشور بوده است. این رفتار درس مهمی برای کشورهای اروپایی و آسیایی دارد: تکیه صرف بر وعده‌های واشنگتن، بدون برنامه مستقل و ابزار بازدارنده، خطرناک و پرهزینه است. از خلع سلاح هسته‌ای اوکراین در دهه ۹۰ تا بحران‌های اخیر و تغییر رفتار واشنگتن، این کشور بارها نشان داده که در روابط بین‌الملل، منافع ملی همیشه در اولویت است و وفاداری متحدان اغلب تابع آن است.

♦ بازتاب سیاست یکجانبه آمریکا

آمریکا بارها نشان داده است که تصمیماتش حتی در مواجهه با متحدان تاریخی، تابع منافع داخلی و استراتژیک خود است. نمونه‌هایی از اروپا و آسیا وجود دارد که در بحران‌ها، واشنگتن آنها را با چالش مواجه کرده و حمایت وعده شده را محدود یا مشروط کرده است. این سیاست یکجانبه، موجب شده متحدان به این نتیجه برسند که اعتماد کامل به حمایت آمریکا، بدون برنامه جایگزین، می‌تواند اعتماد و امنیت آنها را تهدید کند.

در جریان بحران اوکراین، آمریکا وعده حمایت گسترده داده بود، اما این حمایت همواره مشروط به شرایطی بود که با محاسبات داخلی واشنگتن همخوانی داشت. حتی متحدان اروپایی که پیش از این آمریکا را شریک استراتژیک خود می‌دانستند، در لحظات بحرانی، با محدودیت و تأخیر در کمک‌ها مواجه شدند. این واقعیت، نمونه‌ای روشن از اولویت‌بندی منافع ملی آمریکا نسبت به وفاداری به متحدان است.

با این حال، برخی تحلیلگران معتقدند سیاست یکجانبه واشنگتن، به نوعی بازدارنده نیز عمل کرده و متحدان را مجبور به تفکر مستقل و تقویت ظرفیت‌های دفاعی خود کرده است. این روند نشان می‌دهد، وفاداری متقابل در سیاست بین‌الملل همیشه تضمین‌شده نیست و وابستگی کامل به حمایت آمریکا، ریسک قابل توجهی دارد.

♦ درس اوکراین برای متحدان

بحران اوکراین به وضوح نشان داد حمایت آمریکا محدود و مشروط است. وعده‌ها و کمک‌ها تنها تا جایی ادامه پیدا کردند که با منافع داخلی واشنگتن همخوانی داشت. این رویکرد موجب شد بسیاری از متحدان غربی با وجود وعده حمایت، در شرایط خاص احساس کنار گذاشته شدن کنند و به دنبال ابزار و راهکارهای جایگزین برای امنیت خود باشند.

در عین حال، این تجربه نشان می‌دهد حتی کشورهای هم‌پیمان تاریخی آمریکا، نمی‌توانند بر حمایت بی‌قید و شرط واشنگتن حساب کنند. درس اصلی این است که متحدان باید توانایی دفاع مستقل و سناریوهای متنوعی برای بحران‌ها داشته باشند. بدون برنامه مستقل، وابستگی به حمایت آمریکا می‌تواند به تهدید امنیت ملی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک آسیب برساند.

تحلیلگران بر این باورند که اوکراین نمونه‌ای از محدودیت‌های اعتماد کورکورانه به قدرت‌های بزرگ است. حمایت آمریکا می‌تواند ناپایدار و مشروط باشد و بنابراین، متحدان باید خود را برای شرایطی آماده کنند که واشنگتن به هر دلیلی قادر یا مایل به ادامه حمایت نباشد.

♦ پیامدها و درس‌ها

تجربه اوکراین نشان می‌دهد، متحدان باید برای بحران‌ها برنامه‌های مستقل، ابزار بازدارنده و منابع کافی داشته باشند. اعتماد مطلق به حمایت آمریکا خطرناک و پرهزینه است و تجربه اخیر، این نکته را به وضوح اثبات کرده است. سیاست‌های آمریکا همیشه پیش‌بینی‌پذیر نیست و حتی در روابط با متحدان نزدیک نیز، منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌دهد.

درس دیگر این است که متحدان باید در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، سناریوهای جایگزین و مسیرهای مستقل را در نظر بگیرند. به عبارت دیگر، تجربه اوکراین نشان می‌دهد حتی در روابط نزدیک، وابستگی کامل به حمایت آمریکا می‌تواند امنیت و ثبات کشورها را به خطر بیندازد.

در نهایت، رفتار آمریکا با اوکراین و دیگر متحدان، هشدار روشن برای همه کشورهایی است که در مواقع بحران به دنبال حمایت واشنگتن هستند. تنها برنامه‌ریزی مستقل، آمادگی برای شرایط بحرانی و ابزار بازدارنده واقعی می‌تواند تضمین کند که امنیت ملی و منافع استراتژیک کشورها حفظ شود.

رفتار آمریکا با متحدانش در بحران اوکراین نشان داد که منافع ملی همیشه اولویت دارد و وفاداری به متحدان مشروط است. تجربه اوکراین هشدار روشن برای متحدان آینده است: تکیه صرف بر حمایت آمریکا بدون برنامه مستقل و ابزار بازدارنده، خطرناک و پرهزینه است. این می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.



پایان دلفک!

هیچ یک از طرف‌ها متعهد نشدند که در صورت حمله خارجی، از اوکراین دفاع نظامی کنند. همین شکاف حقوقی، امروز برای مردم اوکراین معنایی بسیار تلخ دارد: کشورشان مهم‌ترین ابزار بازدارندگی را واگذار کرد بدون اینکه جایگزین مطمئنی دریافت کند.

در سال‌های بعد، بحران ۲۰۱۴، الحاق کریمه و حمایت آمریکا از تحولات سیاسی اوکراین، این کشور را هرچه بیشتر در خط مقدم تقابل واشنگتن-مسکو قرار داد؛ اما بدون اینکه در چتر امنیتی ناتو قرار گیرد. این ترکیب نامتوازن-درگیر شدن با روسیه بدون پشتوانه کامل آمریک-زمینه ضعف امروز را فراهم کرد.

♦ وعده‌های بزرگ، واقعیت‌های سخت

بعد از شروع جنگ، آمریکا و اروپا با حجم عظیمی از کمک‌های نظامی وارد میدان شدند: سامانه‌های دفاعی، تویخانه‌های سنگین، موشک‌های دوربرد، پهپادها و آموزش گسترده نیروهای اوکراینی. واشنگتن به‌طور رسمی اعلام کرد که هدفش «تضعیف استراتژیک روسیه» است. همین عبارت موجب شد بسیاری در کی‌یف تصور کنند آمریکا در این جنگ، تا رسیدن به نتیجه نهایی حضور خواهد داشت؛ اما زمانی که جنگ طولانی شد و روسیه توانست خطوط دفاعی مستحکم ایجاد کند، چشم‌انداز واشنگتن نیز تغییر کرد.

اختلافات داخلی آمریکا، انتخابات پیش‌رو، اولویت یافتن مسائل شرق آسیا و بحران اقتصادی اروپا همگی دست‌به‌دست داد تا ریتم حمایت‌ها کند شود. وقتی بسته کمک ۶۰ میلیارد دلاری ماه‌ها در کنگره معطل ماند، اوکراینی‌ها برای اولین بار با واقعیتی روبه‌رو شدند که در ابتدا باورش سخت بود: دوستان غربی نیز محدودیت دارند.

در چنین فضایی بود که سخنان ترامپ مانند ضربه آخر عمل کرد؛ یک سیگنال قدرتمند که نشان می‌دهد حتی در قلب سیاست آمریکا، اراده ادامه جنگ تا «پیروزی کامل» دیگر اجماع نیست.

♦ نشانه‌های تغییر رفتار آمریکا

تحولات اخیر نشان می‌دهد، واشنگتن در حال بازتعریف اهداف خود در جنگ اوکراین است. شمار قابل توجهی از مقامات آمریکایی و اروپایی به تازگی به‌طور غیررسمی از لزوم «راه‌حل سیاسی» سخن گفته‌اند؛ موضوعی که تنها یک سال پیش تقریباً تابو به‌شمار می‌آمد. هم‌زمان، سیاست خارجی آمریکا با تمرکز فزاینده بر چین و شرق آسیا، جایگاه جنگ اوکراین را به مراتب پایین‌تر منتقل کرده است و نشان می‌دهد که اولویت واشنگتن دیگر صرفاً ادامه حمایت مطلق از کی‌یف نیست.

اختلافات داخلی در کنگره آمریکا و کاهش اجماع حزبی بر سر کمک‌های مالی نیز پایداری این حمایت را به چالش کشیده است. اظهارات تند رئیس‌جمهور آمریکا نیز بازتابی از نگرش بخش قابل توجهی از افکار عمومی این کشور است. مجموع این روندها برای اوکراینی‌ها پیامی روشن دارد: ادامه جنگ با فرض تکیه کامل بر حمایت آمریکا، دیگر قابل اتکا نیست و اعتماد تاریخی که به این کشور داشتند، در حال کاهش است.

♦ حقیقتی که دیگر نمی‌توان پنهان کرد

سخنان ترامپ، بازنشر گسترده جمله رهبر فرزانة انقلاب در اوکراین و تغییرات میدانی جنگ، همگی به یک نتیجه مشترک اشاره می‌کنند: اوکراین امروز در نقطه‌ای ایستاده که بسیاری در داخل این کشور با صدای بلند می‌پرسند: «آیا ما قربانی استراتژی‌های متناقض آمریک‌اشده‌ایم؟»

از خلع سلاح هسته‌ای در دهه ۹۰ تا تشویق به مقاومت بی‌پایان در سال‌های اخیر، و حالا نشانه‌های عقب‌نشینی واشنگتن-همه اینها چشم‌اندازی را شکل داده که برای اوکراینی‌ها تلخ و برای اروپا نگران‌کننده است.

جمله‌ای که این روزها در شبکه‌های اجتماعی اوکراین دست‌به‌دست می‌شود، خلاصه همین احساس است: «آمریکا همیشه با ماست، تا زمانی که هزینه‌ای برایش نداشته باشد.»

جنگ همچنان ادامه دارد، اما یک واقعیت مهم تغییر کرده است: باور اوکراینی‌ها به پابندی بی‌قید و شرط آمریکا، دیگر مانند گذشته نیست.

اظهارات اخیر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، در پی سخنان جنجالی خود در مورد آینده اوکراین پس از جنگ با روسیه موجی از واکنش‌ها و شگفتی در اوکراین و اروپا ایجاد کرد. این سخنان تنها یک موضع ساده نبود؛ بلکه برای بسیاری در کی‌یف نشانه‌ای از تغییر جهت آمریکا و احتمال پایان حمایتی است که سه سال تمام، شالوده سیاست و مقاومت اوکراین را شکل داده بود. هم‌زمان با انتشار این مواضع، کاربران اوکراینی در شبکه‌های اجتماعی و برخی تحلیلگران شرق اروپا برای نخستین بار گسترده، سخن آیت‌الله‌المظلمی خامنه‌ای را بازنشر کردند؛ همان جمله‌ای که بارها در فضای سیاسی ایران تکرار شده است: «آمریکا به رفیق‌های خودش هم خیانت می‌کند.»

این بازنشر گسترده، خود روایت یک حقیقت تلخ است؛ حقیقت از دست رفتن اعتماد، فرو ریختن تصورها و آغاز پرسشی که مدت‌ها از طرح آن پرهیز می‌شد: «آیا آمریکا واقعاً تا آخر در کنار اوکراین می‌ماند؟»

♦ زنگ پایان یا آغاز فشار؟

ترامپ در گفت‌وگوی اخیرش تأکید کرد که «این جنگ باید متوقف شود» و «اوکراین ناچار است با روسیه توافق کند.» اما جمله مهم‌تر، همان بخش بحث‌برانگیز بود: «مناطق تحت کنترل روسیه عملاً از آن روسیه‌اند و ما باید واقعیت را بپذیریم.» همین عبارت «واقعیت را بپذیریم» کافی بود تا فضای سیاسی اوکراین شوک‌زده شود. مقامات دولت زلنسکی این اظهارات را «ضربه به تمامیت ارضی اوکراین» و «جراغ سبز به ادامه اشغالگری» توصیف کردند و تحلیلگران اروپایی هشدار دادند که این موضع در صورت پیروزی احتمالی ترامپ، می‌تواند به نقطه عطف جنگ تبدیل شود.

اما نکته مهم اینجاست: سخنان ترامپ تنها یک اظهار نظر شخصی نبود؛ بلکه بر بستر چند ماه تأخیر در تصویب بسته‌های حمایتی، اختلافات کنگره آمریکا، خستگی اروپا و مشکلات داخلی آمریکا معنا پیدا می‌کند. بسیاری در اوکراین احساس می‌کنند که این سخنان، ترجمان یک روند بلندمدت است؛ روندی که نشان می‌دهد واشنگتن دیگر مانند دو سال اول جنگ، اراده پرداخت «هزینه‌های بی‌پایان» برای شکست روسیه را ندارد.

♦ بازنشر یک جمله در اوکراین

در روزهای پس از سخنان ترامپ، موجی از پست‌ها و ویدئوها در شبکه‌های اجتماعی اوکراین منتشر شد که در آنها جمله آیت‌الله‌المظلمی خامنه‌ای درباره آمریکا بارها بازنشر می‌شد: «آمریکا به رفیق‌های خودش هم خیانت می‌کند.» برای بسیاری در غرب، بازنشر این جمله غیرمنتظره بود؛ اما برای اوکراینی‌هایی که طی سه سال جنگ، هزینه‌های انسانی و ویرانی‌های گسترده را تحمل کرده‌اند، این جمله یک استعاره روشن است: شکاف اعتماد بین اوکراین و واشنگتن در حال عمیق‌شدن است.

♦ کاربران اوکراینی در پست‌های‌شان نوشته‌اند:

– «ما زرادخانه‌مان را با اعتماد به تضمین‌های آمریکا تحویل دادیم، امروز ما بی‌دفاع مانده‌ایم.»
– «اگر امروز اوکراین معامله شود، فردا کشورهای بالتیک باید نگران باشند.»
– «هیچ‌کس مانند کسانی که آسیب دیده‌اند نمی‌فهمند که هشدارهای شرق گاهی واقعی است.»

این بازتاب‌ها نشان می‌دهد، جنگ تنها بر میدان نبرد اثر نگذاشته، بلکه هویت سیاسی اوکراین و روابط آن با غرب را نیز دستخوش لرزش کرده است.

♦ از بوداپست تا جنگ؛ ریشه یک بی‌اعتمادی تاریخی

برای فهم تحول امروز، باید به سه دهه قبل بازگشت. اوکراین پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، سومین زرادخانه بزرگ هسته‌ای جهان را در اختیار داشت؛ هزاران کلاهک، موشک‌های قاره‌پیما و بمب‌افکن‌های استراتژیک. اما تحت فشار آمریکا، بریتانیا و روسیه، توافق بوداپست در سال ۱۹۹۴ امضا شد: اوکراین همه این سلاح‌ها را تحویل می‌دهد و در مقابل، سه قدرت تضمین می‌کنند که «تمامیت ارضی اوکراین را محترم می‌شمارند.»

اما مشکل این بود که این تضمین‌ها «تعهد امنیتی الزام‌آور» نبودند؛ یعنی

محمدپارسا نجفی در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرده است

ویرانی، بدهی و تجزیه نتیجه اعتماد به واشنگتن

در حالی که جنگ اوکراین وارد مرحله تعیین‌کننده شده، «محمدپارسا نجفی» کارشناس مسائل بین‌الملل، معتقد است آنچه طی سه دهه گذشته در روابط کی‌یف و واشنگتن رخ داد، اکنون به روشنی نتیجه خود را نشان می‌دهد؛ روندی که از خلع سلاح هسته‌ای آغاز شد، به جنگی فرسایشی رسید و امروز اوکراین را در برابر پذیرش شرایط طرف مقابل قرار داده است. او در گفت‌وگو با ما از چرایی فروپاشی این راهبرد، پیامدهای آن برای اوکراین و غرب، و چشم‌انداز پیش‌روی جنگ می‌گوید.

با توجه به تجربه اوکراین، به نظر شما چگونه می‌توان رفتار آمریکا با متحدانش را تحلیل کرد؟ آیا این رفتار بیشتر تابع منافع داخلی واشنگتن است یا اهداف بلندمدت استراتژیک؟

عملکرد آمریکا در جهان تابع منافع ابرثروتمندان آمریکایی است که اغلب یهودی‌صهیونیست هستند و حتی منافع مردم آمریکا را هم پوشش نمی‌دهد. آنچه آمریکا در اوکراین انجام داد، اثبات می‌کند هر دولتی به آمریکا امید بسته باشد با ویرانی و نابودی و در نهایت رهاشدگی و شکست مواجه خواهد شد. واشنگتن سال‌ها دولت و بخشی از مردم اوکراین را فریفت و آنها را در سراب و خیال غوطه‌ور کرد. سپس به کام یک جنگ فرسایشی طولانی فرستاد و در نهایت بدون هیچ دستاوردی آنها را بدهکار کرد و اکنون مجبورشان می‌کند که شکست و تجزیه را بپذیرند و تازه سیاست‌گذار کاخ سفید هم باشند.

روسیه استان لوهانسک و کریمه را کاملاً در تصرف دارد و بخش بزرگی از استان‌های دونتسک، زاپروژیا و خرسون را هم به دست آورده و اگر بخواهد با توجه به ضعف نظامی و انسانی اوکراین، می‌تواند در چرنوبیل و خارگف نیز پیشروی کند. واقعیت این است که روسیه فقط شرق اوکراین را می‌خواست و الا تسخیر کی‌یف نیز برای روس‌ها میسر است.

تصمیم اوکراین برای تحویل زرادخانه هسته‌ای و اعتماد به تضمین‌های آمریکا چه پیامدهایی برای امنیت ملی و



استقلال استراتژیک این کشور داشت؟

اوکراین بعد از استقلال دقیقاً مانند لیبی دوره قذافی فریفته تبلیغات آمریکا شد و سلاح هسته‌ای و توان راهبردی خود را به آمریکا تقدیم کرد تا نابود شود. در نهایت یک کشور بی‌دفاع ماند با آرزوهای سراب و ش و خیالات خام.

آمریکا قول حمایت از اوکراین داده بود؛ اما حاضر نشد آن را در ناتو بپذیرد یا از دولت کی‌یف حمایت کند؛ بلکه آن را به سمت جنگ با کشور برادرش سوق داد و به بهانه کمک تسلیحاتی منابع معدنی غنی اوکراین را مطالبه کرد. اکنون اوکراین امنیت ندارد، ویران شده، هزاران کشته داده، ملتش آواره‌اند و البته به آمریکا بدهکار هم هست.

حمایت آمریکا در جریان جنگ اوکراین چگونه محدود و مشروط بود؟ این محدودیت‌ها چه تأثیری بر توان تصمیم‌گیری و اعتماد اوکراین داشت؟

وجه غالب تبلیغات آمریکا چنین است که اگر به آمریکا دخیل نبندید و آن را اطاعت نکنید، بدبخت می‌شوید؛ اما در حقیقت اگر به این طاعوت اعتماد کنید، نابود می‌شوید.

روی کار آوردن زلنسکی رقص، یک برنامه آمریکایی بود تا شخصی یهودی و ناآشنا با سیاست را در کانون قدرت یک کشور مطرح اروپایی قرار دهد و از این طریق بر نامه راهبردی خود را در شرق اروپا به پیش برد. بنابر این، دولت کی‌یف چندان

تصمیم‌گیر نیست و مانند یک مستعمره، آنچه را که از آمریکا دستور می‌گیرد، اجرا می‌کند. با این حال آمریکا حتی حاضر نشد سلاح رایگان به اوکراین بدهد و در ازای تسلیحات، منابع معدنی آن کشور را پیش خرید کرد و تسلیحات از رده خارج و کم ارزش خود را به اوکراین فروخت. این در حالی است که مردم اوکراین زیر تبلیغات غرب تصور می‌کردند که آمریکا برای دفاع از آنان وارد جنگ با روسیه می‌شود.

تصمیمات آمریکا چه پیامدهایی برای مردم اوکراین داشته است؟ آیا می‌توان گفت که حمایت مشروط واشنگتن، فشارها و هزینه‌های انسانی و اقتصادی را افزایش داده است؟

آنچه آمریکا بر سر اوکراین آورد، دقیقاً آن کشور را نابود کرد. صنایع و منابع اوکراین از میان رفت و ملتش از هم گسیخته شدند. زنان اوکراین در خارج به بدترین کار سیاه... روی آوردند و جوانان اوکرانی در جنگی بی‌هدف و البته فرسایشی کشته و معلول می‌شوند و در نهایت اوکرانی که تجزیه شده به دستور کاخ سفید مجبور است شرایط روسیه را بپذیرد و از آمریکا سپاس‌گزار هم باشد. این است نتیجه اعتماد به آمریکا.

تجربه اوکراین چه درس‌هایی برای کشورهای اروپایی و آسیایی دارد که



به آمریکا به‌عنوان شریک استراتژیک اعتماد می‌کنند؟

سرنوشت اعتماد به آمریکا را در سقوط و بدبختی دولت اشرف غنی در افغانستان و عبدربه منصور هادی در یمن دیده بودیم و اکنون ولودیمیر زلنسکی را می‌بینیم.

البته آمریکا هیچ کشوری را متحد راهبردی خود نمی‌داند. علت اختلافات دامنه‌دار برخی کشورهای غربی با آمریکا مانند فرانسه هم به همین حس برتری طلبی و عدم مساوات آمریکا در بلوک غرب باز می‌گردد. آمریکا می‌خواهد بر دیگران حکومت کند نه آنکه با آنها متحد باشد. کشورهایی مانند آلمان، کره جنوبی، ژاپن و عراق از نظر آمریکا فقط مستعمراتی هستند که باید در خدمت اوامر کاخ سفید عمل کنند؛ هر چند یک استقلال ظاهری را در رسانه‌های جریان اصلی غرب تبلیغات می‌کنند، اما در عمل هر کشوری به آمریکا اجازه دخالت در امور داخلی خود را بدهد، به یک مستعمره تبدیل خواهد شد.

با توجه به تغییر اولویت‌های واشنگتن و اظهارات اخیر ترامپ، آینده حمایت آمریکا از اوکراین و متحدان دیگر چگونه پیش‌بینی می‌شود؟

باز هم تأکید می‌کنم که آمریکا متحد ندارد؛ بلکه مستعمره می‌خواهد. آمریکا می‌خواهد همه کشورها به چیزی شبیه پورتوریکو تبدیل شوند و در

مقابل آمریکا مطیع باشند. فرقی هم ندارد که در ناتو باشند یا نه. اگر مطیع کاخ سفید نشوند، ممکن است حتی در عین حضور در ناتو، تحریم هم شوند؛ مانند ترکیه.

میان مقامات آمریکا هم تفاوتی وجود ندارد و سیاست خارجی آمریکا روند یکسان و ثابتی است. فقط ترامپ آنچه را که اهداف آمریکاست، بی‌پرده بیان می‌کند. سایر مقامات آمریکا از لحن نرم‌تری استفاده می‌کردند؛ اما باید بدانیم که اوضاع اقتصادی آمریکا رو به وخامت گذاشته و هر صد روز هزار میلیارد دلار به بدهی ۳۷ هزار میلیارد دلاری آمریکا افزوده می‌شود.

با توجه به روندهای فعلی، چه سناریوهایی برای پایان جنگ اوکراین محتمل است و متحدان آمریکا چگونه می‌توانند نقش مؤثرتری در این فرآیند ایفا کنند؟

شرایط به سود برنامه‌های غرب نیست و آمریکا ابتکار عمل را در اوکراین از دست داده است. ادامه جنگ اوکراین برعکس خواسته‌های آمریکا، اما به سود روسیه به پیش می‌رود و بیشتر اهداف مسکو تحقق یافته است. ادامه این وضعیت خسارت‌های اعتباری، مالی و نظامی برای غرب به همراه دارد. ناتو قصد داشت مسکو را در یک چالش نظامی مشابه افغانستان ده ۱۹۸۰ قرار دهد که زمینه فروپاشی شوروی و انهدام بلوک شرق را فراهم کرد.

در این راهبرد قرار بود جنگ اوکراین نقش شتاب‌دهنده و تسریع‌گری باشد تا اقتصاد روسیه ورشکست شود و با ایجاد حس شکست و ناامیدی در میان مردم روسیه آنها را علیه دولت پوتین بشوراند. سپس زمینه‌گام‌های بعدی مانند سقوط دولت مرکزی روسیه یا تجزیه آن کشور فراهم شود؛ اما شرایط دقیقاً برعکس شد و پوتین توانست هم میدان جنگ را به دست گیرد؛ هم توان اقتصادی، میهنی و اعتبار حکومتی روسیه را ارتقا دهد و مردم را بیش از گذشته با خود همراه کند.

اکنون چنانچه جنگ ادامه یابد، به سود روسیه است و اگر صلح طبق شروط ۲۸ بندی ترامپ هم تحقق یابد، باز هم روسیه بیش از اهداف خود به دست آورده است.

اوکراین در محاصره!

کارشناسان بین‌الملل معتقدند درس استراتژیک اوکراین روشن است: تکیه صرف بر حمایت آمریکا بدون داشتن ابزار بازدارنده واقعی و برنامه مستقل می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای متحدان داشته باشد. وقتی یک کشور متکی به وعده‌های قدرت بزرگ می‌شود و برنامه جایگزین ندارد، هرگونه عقب‌نشینی یا تغییر سیاست واشنگتن می‌تواند آسیب‌های جدی به امنیت ملی و توان تصمیم‌گیری استراتژیک آن وارد کند.

سه دهه تصمیمات آمریکا، از خلع سلاح هسته‌ای اوکراین در دهه ۹۰ گرفته تا تشویق این کشور به مقاومت در جنگ ۲۰۲۲ و حالا نشانه‌های عقب‌نشینی واشنگتن، اوکراین را به نقطه‌ای رسانده که بسیاری در داخل این کشور آن را «قربانی راهبردهای متناقض آمریکا» می‌دانند. این تجربه نشان می‌دهد که حتی روابط تاریخی و پیمان‌های رسمی، تضمینی برای حمایت بی‌قید و شرط نیست و متحدان باید همیشه آماده‌شرایطی باشند که آمریکا ممکن است منافع خود را بر حمایت از آنها ترجیح دهد.

پیامدهای این روند برای متحدان آمریکا بسیار واضح است: هیچ قدرت بزرگی، حتی بسا پیمان‌های امنیتی یا تاریخی، نمی‌تواند تضمین کند که در بحران‌ها همیشه حضور فعال و بی‌قید و شرط خواهد داشت. تجربه اوکراین هشدار می‌دهد که اعتماد صرف به حمایت خارجی بدون ابزار بازدارنده و برنامه جایگزین، می‌تواند متجر به خطرهای جدی انسانی، اقتصادی و سیاسی شود. درس اصلی این است که متحدان باید بر برنامه‌ریزی مستقل، آمادگی دفاعی واقعی و سناریوهای جایگزین تکیه کنند تا در مواجهه با بحران‌ها، امنیت و منافع ملی خود را حفظ کنند. اوکراین به وضوح نشان داده است که در سیاست بین‌الملل، اعتماد کورکورانه جایگاهی ندارد و تنها آمادگی و استقلال استراتژیک است که امنیت کشورها را تضمین می‌کند.

ترکیبی که سرخوردگی سیاسی و اجتماعی ایجاد کرد. این شرایط بازتاب خود را در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های داخلی و بین‌المللی نشان داده و اعتماد عمومی را نسبت به حمایت غرب به شدت کاهش داده است.

نشانه‌های عقب‌نشینی آمریکا

به تازگی چند علامت روشن از تغییر سیاست واشنگتن دیده می‌شود:

۱- تمرکز مجدد روی چین و شرق آسیا: اولویت سیاست خارجی آمریکا به سمت رقابت با چین منتقل شده و اوکراین دیگر اولویت اصلی نیست.

۲- اختلافات داخلی و کندی در تصویب کمک‌ها: بسته‌های حمایتی مالی و نظامی ماه‌ها در کنگره معطل مانده‌اند.

۳- اظهارات ترامپ درباره بخش‌های اشغالی: رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرده بخش‌های تحت کنترل روسیه باید «واقعیت» تلقی شوند.

این نشانه‌ها برای اوکرانی‌ها معنای روشنی دارد و آن، اینکه ادامه جنگ با اتکای کامل به حمایت آمریکا دیگر تضمین‌شده نیست و اعتماد تاریخی که در سال‌های گذشته شکل گرفته، در حال آسیب دیدن است.

درس‌ها برای متحدان آمریکا

تجربه اوکراین در دهه‌های اخیر پیام مهمی برای متحدان غربی آمریکا دارد: حمایت واشنگتن همیشه مشروط به منافع داخلی و محاسبات استراتژیک خود آن کشور بوده و هیچ تضمینی برای حضور بی‌قید و شرط در بحران‌ها وجود ندارد. حتی کشورهایی که به ظاهر هم‌پیمان آمریکا هستند، ممکن است در لحظه تصمیم تحت فشار قرار گرفته یا عملاً کنار گذاشته شوند. این واقعیت هشدار مهمی برای کشورهای اروپایی و آسیایی است که انتظار دارند حمایت واشنگتن همیشه پایدار و قابل اتکا باشد.

بعد آشکار شد. این تصمیم تاریخی، زمینه را برای وابستگی شدید اوکراین به حمایت غرب فراهم کرد و هرگونه ضعف در این حمایت، خطرهای جدی برای کشور ایجاد می‌کند. در نتیجه، خلع سلاح هسته‌ای نه تنها امنیت استراتژیک اوکراین را کاهش داد، بلکه اعتماد این کشور به تضمین‌های آمریکا را نیز خدشه‌دار کرد؛ شرایطی که امروز اثرات ملموس آن در بحران جاری جنگ دیده می‌شود.

تشویق به مقاومت و فشار بر روسیه

در سال‌های بعد، آمریکا با حمایت از تحولات ۲۰۱۴ و تحرکات ناتو، اوکراین را در خط مقدم مقابله با روسیه قرار داد. واشنگتن اهداف مشخصی داشت: تضعیف روسیه از طریق اوکراین بدون ورود مستقیم به جنگ. این سیاست دو پیامد مهم داشت: اوکراین به «سنگر اول» مقابله با روسیه تبدیل شد، اما در عین حال از تضمین واقعی امنیتی برخوردار نبود. آمریکا و اروپا با وعده کمک‌های نظامی، اوکراین را به ادامه مقاومت تشویق کردند، بدون ارائه تعهد کامل. کارشناسان معتقدند این راهبرد، اوکراین را وارد جنگ فرسایشی کرد که هزینه‌های انسانی و اقتصادی عظیمی به همراه داشت و موجب افزایش آسیب‌پذیری کشور شد.

پیامدهای انسانی و اجتماعی جنگ

طی سه سال گذشته، اوکراین شاهد ویرانی گسترده زیرساخت‌ها، افزایش مهاجرت و فشار اقتصادی شدید بوده است. صدها هزار نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند و بخش بزرگی از جمعیت شهری و روستایی آسیب دیده است. برخی تحلیلگران اجتماعی معتقدند، بخشی از این بحران ناشی از تصمیمات آمریکا در تشویق اوکراین به مقاومت بی‌پایان و وعده پیروزی بوده است. مردم از یک‌سو به دنبال حمایت غرب بودند و از سوی دیگر با واقعیت‌های سخت جنگ مواجه شدند؛

کی‌یفد اوکراین طی سه دهه گذشته شاهد تصمیمات راهبردی آمریکا بوده است که مسیر این کشور را به طور قابل توجهی شکل داده است. از خلع سلاح هسته‌ای در دهه ۹۰، که اعتماد اوکراین به تضمین‌های امنیتی غرب را کاهش داد تا حمایت‌های مشروط و محدود واشنگتن در جریان جنگ با روسیه، این کشور همواره تحت تأثیر سیاست‌های متغیر آمریکا قرار گرفته است. ورود مستقیم آمریکا به حمایت نظامی و دیپلماتیک از اوکراین در سال‌های اخیر، هرچند برای مقابله با تهدید روسیه حیاتی بود، اما مشروط و محدود باقی ماند. تحلیل‌گران معتقدند، تجربه اوکراین درسی مهم برای متحدان آمریکاست: حمایت واشنگتن همیشه بر اساس منافع داخلی و محاسبات راهبردی خود است و هیچ تضمینی برای حضور بی‌قید و شرط در بحران‌ها وجود ندارد. این واقعیت باعث شده بسیاری در داخل اوکراین، کشورشان را «قربانی سیاست‌های متناقض آمریکا» بدانند و نشان دهد که حتی روابط نزدیک با قدرت‌های بزرگ، همیشه پایدار و قابل اعتماد نیست.

خلع سلاح هسته‌ای؛ آغاز آسیب‌پذیری

پس از فروپاشی شوروی، اوکراین سومین زرادخانه بزرگ هسته‌ای جهان را در اختیار داشت. آمریکا و متحدانش با امضای توافق بوداپست ۱۹۹۴، اوکراین را به تحویل تمامی کلاهک‌های هسته‌ای تشویق کردند و در مقابل تنها تضمین‌های امنیتی غیرالزام‌آور ارائه شد. کارشناسان معتقدند این تصمیم پایه بی‌اعتمادی امروز اوکراین به واشنگتن را شکل داد. با از دست دادن زرادخانه هسته‌ای، اوکراین وارد فرآیندی شد که آن را به بخشی از بازی ژئوپلیتیک غرب و روسیه تبدیل کرد؛ بازی‌ای که کنترل آن دست اوکراین نبود و پیامدهای آن ده‌ها سال

آیه

کامل‌ترین مرتبه عصمت

علیرضا حاجی محمدصادق

کارشناس علوم دینی

در گستره تاریخ دین، هیچ حقیقتی به اندازه جایگاه اهل‌بیت پیامبر در مرکز توجه اندیشه اسلامی ندرخشیده است. اینکه چرا خداوند اهل بیت(ع) را در قرآن چنین تجلیل و تکریم کرده، تنها یک پرسش تاریخی یا اعتقادی نیست؛ بلکه پرسشی درباره سازوکار هدایت الهی، فلسفه استمرار پیام نبوت و نقش انسان‌های برگزیده در تحقق اراده خداوند در زمین است. آیات مربوط به اهل بیت(ع) نشانه یک حکمت عمیق الهی است که در لایه‌های مختلف قرآن حضور دارد. قرآن کریم نه تنها ایشان را معیار پاکی، میزان حق، تکیه‌گاه ایمان و ادامه‌دهندگان راه رسالت معرفی کرده است؛ بلکه تنها مسیر هدایت امت را راه اهل بیت(ع) دانسته است. همین حقیقت است که ضرورت شناخت ایشان را روشن می‌کند. آغاز این حقیقت را باید از آیه تطهیر دید؛ جایی که خداوند اراده خویش را آشکار می‌کند که «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ این تطهیر، دلیل روشنی بر این است که اهل بیت(ع) در نگاه خداوند حاملان رسالت و حاملان حقیقت بی‌نقص دین‌اند؛ زیرا تنها قلب‌های پاک و نفوس مطهر می‌توانند بار سنگین هدایت الهی را بر دوش گیرند.

در این میان آیاتی که به وجود مقدسه حضرت زهرا(س) اشاره دارد، بیشتر جلب توجه می‌کند. حضرت فاطمه زهرا(س) حلقه اتصال نبوت و امامت، محصور از تطهیر، رکن واقعه مباحله، مصداق کامل کوثر، نمونه برتر «هل آتی» و در شملار «بیوتی» است که نور الهی در آنها تجلی می‌کند. تفسیر بزرگ شیعه و بسیاری از منابع اهل‌سنت نیز این جایگاه را تأیید کرده‌اند. این آیه مهم‌ترین آیه‌ای است که در آن حضرت زهرا(س)

محور قرار دارد. بنا بر روایات متواتر، این آیه در شأن پنج‌ تن پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است. روایات «حدیث کسا» که در منابع معتبر شیعه و سنی آمده، نشان می‌دهد پیامبر(ص) دست فاطمه(ع) را گرفت، سپس علی(ع) و حسین(ع) را زیر عبای خویش جمع کرد و فرمود: «اللهم هؤلاء أهل بیتی»؛ هیچ روایت قابل قبولی وجود ندارد که زنان پیامبر(ص) و احدی از مسلمانان در این جمع باشند؛ زیرا شأن نزول آیه مستقل از آیات قبل و بعد است و سیاق، در اینجا منقطع است. بسیاری از مفسران اهل سنت همچون فخر رازی، طبری، سیوطی و آلوسی نیز این استقلال را تأیید کرده‌اند. تحلیل مضمون آیه نشان می‌دهد که «اراده» خداوند در اینجا، اراده تکوینی است؛ یعنی تحقق یافته و غیرقابل تخلف.

عبارت «تطهیر» نیز تأکید بر طهارتی خاص است که از هرگونه آلودگی، چه ظاهری و چه باطنی، چه اخلاقی و چه اعتقادی، اهل بیت(ع) را پاک می‌کند. اگر این تطهیر بدون استثناست، پس فاطمه زهرا(س) که در قلب این آیه قرار دارد، در کامل‌ترین مرتبه عصمت قرار گرفته است. این آیه دلیل روشن بر این است که حضرت فاطمه(س) نه تنها بانویی مؤمن و پارساست، بلکه انسان کاملی است که خداوند او را برای نقشی فراتر از مأموریت‌های عادی برگزیده است؛ نقشی در تداوم مسیر نبوت و امامت و شکل‌دهی به هویت امت. مقامی که خداوند فقط و فقط اهل بیت(ع) را معیار حق معرفی می‌فرماید.

❖ چرا مناظره ضروری است؟

در گفتارهای یک‌طرفه، به‌ویژه وقتی سخنران از مهارت بیانی و نفوذ کلام برخوردار باشد، مخاطب عام معمولاً امکان تشخیص درستی یا نادرستی مطالب، یا شناخت مغالطات پنهان در استدلال‌ها را ندارد. طبیعی است که همه مردم متخصص مسائل اعتقادی، تاریخی یا سیاسی نیستند؛ از این رو سخنی که با ظاهر فریبنده و همراه با زبان آراسته بیان شود، می‌تواند بدون آنکه فرصت نقد بیابد، در ذهن مخاطب جای بگیرد. اما مناظره این امکان را از سخنور یک‌طرفه می‌گیرد. در مناظره، فرد مقابل به اندازه کافی بر موضوع مسلط است و لایه‌های بحث را می‌شناسد؛ به همین دلیل مجال «بزک‌کردن سخن» یا پنهان کردن ضعف استدلال از بین می‌رود و ادعاها باافاصله در برابر نقد و پرسش قرار می‌گیرند. پاسخ به شبهه نیز به تأخیر نمی‌افتد تا مخاطب مجبور باشد روزها یا هفته‌ها بعد آن هم اگر موفق شود پاسخی را جست‌وجو کند. یکی از مهم‌ترین برکات مناظره این است که حقیقت را از حالت مخفی و محصور خارج می‌کند و فرصت برابر برای عرضه و نقد فراهم می‌آورد. در فضای تک‌سخن، ممکن است پاسخ‌های متخصصان هرگز به گوش مردم نرسد، اما در مناظره میدان به گونه‌ای چیده می‌شود که ادعا هم‌زمان با نقد شنیده شود و «حرف درست» از «حرف نادرست» در خود صحنه تمایز یابد. چنین فرآیندی، شفافیت را از سطح شعار به سطح تجربه زنده و قابل دآوری تبدیل می‌کند.

❖ سنت مناظره در اسلام و مطالبه رهبری

منطق دینی ما نه‌تنها مناظره را نفی نمی‌کند، بلکه بر آن تأکید دارد. نمونه روشن این واقعیت، «احتجاجات» اهل بیت(ع) است؛ گفت‌وگوهایی نظام‌مند و مستدل با مخالفان فکری که در شرایط مختلف تاریخی رخ داده است. این احتجاجات گاه در مسجدالحرام شکل می‌گرفت، جایی که گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی حضور داشتند و بحث‌ها با رعایت ادب و استدلال صورت می‌گرفت، گاه در خانه ائمه معصوم(ع) بود، جایی که شاگردان و پیروان امکان مشاهده و یادگیری روش گفت‌وگو و استدلال را داشتند، و گاهی نیز در مقابل علمای ادیان و مذاهب دیگر برگزار می‌شد. این مناظره‌ها نه صرفاً رقابت لفظی، بلکه بخشی از روش تبلیغی، تربیتی و اخلاقی ائمه بود؛ به‌گونه‌ای که شنوندگان، بدون اجبار، توان تشخیص استدلال درست را پیدا می‌کردند و فضایی برای رشد عقلانی و فکری ایجاد می‌شد.

رهبر فرزانه انقلاب نیز با همین منطق، سال‌ها بر کرسی‌های آزاداندیشی تأکید کرده‌اند؛ جایی که سخن گفتن، نقد شنیدن، دفاع منطقی و ارتقای عقلانیت عمومی به‌طور هم‌زمان تحقق می‌یابد. این تأکید ناشی از اعتماد به «قدرت منطق انقلاب» است؛ زیرا جریانی که پشتوانه استدلال دارد، از مناظره نمی‌هراسد و حاضر است در میدان تبادل اندیشه، حرف خود را آشکار کند و محک بزند.

❖ ثمرات مناظره در امروز جامعه

تجربه‌های ماه‌ها و سال‌های اخیر به وضوح نشان داده است که هر جا مناظره‌ای در دست و اصولی برگزار شده نتیجه آن تقویت جریان انقلاب و تحکیم مبانی آن بوده است. این امر دلیل روشنی دارد: در فضایی که استدلال‌ها علمی و تخصصی است، بار هیجانات و احساسات به‌طور طبیعی کاهش می‌یابد. شبهاتی که سال‌ها در قالب کلیپ‌ها و سخنرانی‌های یک‌طرفه به مردم القا می‌شد، وقتی در فضای مناظره و در مقابل استدلال‌های منطقی قرار



مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، «جهاد تبیین» نه یک توصیه اخلاقی و نه یک برنامه تبلیغاتی محدود است؛ بلکه فریضه‌ای تمدنی است که بقای حیات فکری جامعه اسلامی به آن وابسته است. این همان مسیر تاریخی انبیاست: میدان‌داری در برابر شبهه‌ها، گفت‌وگو با منتقدان، اقامه برهان و شکافتن غبار ابهام تا حقیقت در معرض دید همگان قرار گیرد. در عصر کنونی، با سیال شدن رسانه‌ها، سرعت تولید محتوا، تکثر روایت‌ها

می‌گیرد، به سرعت از بین می‌رود.

نمونه بارز این مسئله مناظره معروف یکی از بلاگرهای پرمخاطب با «حجت‌الاسلام رفیعی» است. این مناظره باعث شد تا بخش بزرگی از افکار عمومی به تردید در روایت‌های یک‌طرفه و ساده‌انگارانه بيفتند. مردم فهمیدند که سخن یک‌سویه و فاقد استدلال عمیق، لزوماً سخن درست و حقیقت‌محور نیست و ممکن است در دام اطلاعات ناقص و جهت‌دار بيفتند. پس از آن مناظره بود که جمع زیادی به صفحه آقای رفیعی پیوستند.

بنابراین، مناظره‌های صحیح نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه‌های عمیق‌تر و عقلانی‌تر در جامعه دارند و به ارتقای فهم عمومی نسبت به مسائل مختلف کمک می‌کنند. مناظره، صرفاً یک گفت‌وگوی رسانه‌ای نیست؛ بلکه فرآیندی است که به‌واسطه آن گنجه‌های فکری ما به‌روز و فعال می‌شود. طرح شبهه‌ها تهدید نیست، بلکه فرصتی برای شکوفایی ذخایر و میراث علمی ماست. در چنین فضایی، اندیشمند دینی و انقلابی مجبور می‌شود خود را از بسازی، روزآمد و دقیق‌تر کند؛ و جامعه نیز در این روند، شناخت عمیق‌تری از جریان‌ها، گزاره‌ها و ادعاهای مختلف به‌دست می‌آورد.

❖ مناظره و ظرفیت اجتماعی

واقعیت این است که مردم مناظره را دوست دارند. از مناظره‌های سال ۱۳۸۸ تا مناظره‌های امروز، تجربه نشان داده که سطح توجه عمومی به این قالب گفت‌وگو بسیار بالاست. جذابیت مناظره برای مردم کمتر از یک مسابقه فوتبال نیست؛ زیرا مردم می‌خواهند اختلاف دیدگاه‌ها را روشن، صریح و شفاف بشنوند. مناظره یک نیاز اجتماعی است؛ مردم می‌خواهند بدانند اندیشه‌ها چگونه در برابر هم می‌ایستند و کدام استدلال تاب می‌آورد.

اما این علاقه عمومی زمانی بالغ‌عل می‌شود که ساختار مناظره سالم و درست طراحی شود؛ یعنی توازن وقت، رعایت اخلاق، حضور داور متخصص، و موضوعاتی که واقعاً به زندگی مردم ربط دارند. اگر این سازوکار درست برقرار شود، می‌توان مناظره را از قالب‌های رسمی و بسته بیرون آورد و دوباره به فضای عمومی جامعه بازگرداند.

مساجد فقط محل عبادت نیستند؛ در تاریخ ایران و اسلام، پایگاه مناظره‌های بزرگ کلامی، فقهی، اجتماعی و حتی سیاسی بوده‌اند. اگر ساختار مناظره صحیح و بی‌طرفانه باشد، مسجد می‌تواند پناگاه گفت‌وگوی آرام و عالمانه باشد؛ جایی که مردم بدون هیجان‌زدگی رسانه‌ای، پای استدلال می‌نشینند. این مسجد مزیت بزرگی دارد: اعتماد عمومی. این اعتماد می‌تواند مناظره را از سطح هیجانی به سطح فکری ارتقا دهد.

از سوری دیگر نماز جمعه ظرفیت آن را دارد که هر ماه یک مناظره فکری یا اجتماعی در حاشیه آن برگزار شود؛ با حفظ احترام، با حضور کارشناسان. چنین چیزی نماز جمعه را از یک خطابه یک‌طرفه، به لنگرگاه گفت‌وگوی اجتماعی و حل مسائل مردم تبدیل می‌کند. در فرهنگسراها، حوزه‌های علمیه، سرای محلات و حتی کتابخانه‌ها می‌شود سلسله مناظره‌های موضوع‌محور برگزار کرد؛ از مسائل خانواده تا فلسفه سیاسی. این مکان‌ها آموزشی‌اند و می‌توانند فرهنگ گفت‌وگو را در نسل جدید نهادینه کنند.

دانشگاه بدون مناظره، دانشگاهی نیمه‌جان است. مناظره سالم، دانشجو را از مصرف‌کننده بحث، به تولیدکننده اندیشه تبدیل می‌کند. حتی اگر موضوع سیاسی نباشد، دانشگاه باید میدان آزمایش نظر به‌ها باشد.

به بهانه حواشی ایجاد درباره یک مناظره

آزمون بلوغ فکری جامعه

از مؤثرترین روش‌هایی که ریشه‌ای عمیق در قرآن و سنت دارد، «مناظره» است؛ یعنی گفت‌وگوی دوطرفه‌ای که حقیقت را نه در تک‌گویی، بلکه در میدان رویارویی استدلال‌ها آشکار می‌کند. قرآن کریم به پیامبر(ص) فرمان می‌دهد: «وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ یعنی گفت‌وگوی دو طرفه مبتنی بر اخلاق، استدلال و احترام. درباره مؤمنان نیز می‌فرماید که آنان سخنان گوناگون را می‌شنوند و بهترین را برمی‌گزینند؛ این توصیف، بنیان روشی را ترسیم می‌کند که در آن حقیقت از مقایسه دیدگاه‌ها و داوری عقلانی به دست می‌آید. به همین دلیل، منطق قرآن منطقی شنیدن طرفین، سنجش استدلال‌ها و انتخاب معقول است، و این جوهره چیزی است که در قالب مناظره به‌طور کامل تجسم پیدا می‌کند.

و هیاهوی شبکه‌های اجتماعی، پرسش محوری این است که ابزار کارآمد تبیین چیست و چگونه می‌توان حقیقت را از میان انبوه روایت‌های متناقض عبور داد و به افکار عمومی رساند؟ پاسخ، بیش از هر چیز، در بازگشت به «فرآیندهای عقلانی» نهفته است؛ فرآیندهایی که شنیدن دوطرفه، تقابل استدلال‌ها، نقد متقابل و داوری عقل جمعی را ممکن می‌کند. در چنین وضعیتی، مناظره علمی و ساختارمند، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تحقق جهاد تبیین است؛ زیرا در‌ست در همان جایی که روایت‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند، حقیقت قدرت بروز می‌یابد و جامعه توانایی تشخیص پیدا می‌کند.

بی‌تردید ابزارهای تبیین در جامعه بسیار متنوع هستند؛ از نوشتن و سخنرانی گرفته تا کنش اجتماعی و هنر. اما در میان همه این ابزارها، یکی

سالن‌های سینما که هزاران صندلی راحت و امکانات ضبط و نور دارند، می‌توانند محل برگزاری مناظره‌های بزرگ با حضور مردم باشند. چنین تجربه‌ای می‌تواند مناظره را به رویداد عمومی و فرهنگی ارتقا دهد؛ درست مثل یک اکران یا یک کنسرت فکری.

❖ آسیب‌ها و شروط لازم

البته مناظره آسیب‌هایی هم دارد. برخی افراد بدون آنکه حداقل تخصص علمی یا توان استدلالی لازم را داشته باشند، وارد میدان گفت‌وگو می‌شوند و به جای برهان و منطق، هوجی‌گری، هیجان‌سازی و اهانت را ابزار اصلی خود قرار می‌دهند. این رفتارها نه‌تنها سطح گفت‌وگو را پایین می‌آورد، بلکه افکار عمومی را نسبت به اصل مناظره بدبین می‌کند.

در عین حال، جامعه امروز با تجربه فراوانی که از رفتار جریان‌های سیاسی مختلف اندوخته، به‌خوبی تشخیص می‌دهد که کدام جریان سال‌ها شعار «زنده‌باد مخالف من» می‌داده، اما در عمل کوچک‌ترین مخالفت را برنمی‌تابد. همان جریانی که هرگاه نتواند رأی و نظر عمومی را به دست آورد، به‌جای پذیرش قواعد بازی دموکراتیک، آشوب رسانه‌ای، فضاسازی روانی و فشار تبلیغاتی را جایگزین گفت‌وگوی منطقی می‌کند. جامعه این تناقض را می‌بیند و می‌فهمد؛ و همین فهم عمومی، اهمیت بازگشت به مناظره سالم، احترام متقابل و گفت‌وگوی واقعی را دوچندان می‌کند.

برای آنکه مناظره از آسیب‌های رایج رها شود و بتواند نقش واقعی خود را در ارتقای فهم عمومی ایفا کند، باید چند اصل بنیادین به‌طور هم‌زمان رعایت شود. نخست آنکه قواعد مناظره باید به‌صورت یک «آیین‌نامه علمی» تدوین شود؛ نه به شکل قانون حکومتی و دستوری، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از ضوابط مشترک که دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و نهادهای فکری معتبر طراحی کنند. چنین آیین‌نامه‌ای، مناظره را از شکل جلدل رسانه‌ای بیرون می‌کشد و آن را در چارچوبی قرار می‌دهد که معیارهای روشن، حق پاسخ‌گویی، توازن زمان و پرهیز از مغالطات، در آن به‌طور رسمی پذیرفته می‌شود.

در کنار این سازوکار، اصل «تخصص محوری» ضرورت دارد. مناظره جای تجربه‌اندوزی یا چهارم‌سازی سیاسی نیست؛ بلکه میدان تقابل استدلال‌های عمیق است. بنابراین کسی که در موضوعی سابقه علمی و شناخت دقیق ندارد، عملاً ظرفیت مشارکت در گفت‌وگوی جدی را ندارد و حضور او جز سطحی‌سازی بحث و تولید هیجان بی‌ثمر، نتیجه‌ای به‌بار نمی‌آورد. تخصص محوری مناظره را از فضای سلبریتی‌وار نجات می‌دهد و تضمین می‌کند که گفت‌وگو به رقابت اندیشه بدل شود، نه مسابقه صدا و واکنش.

در گام دیگر، مناظره نیازمند «داوری علمی» است؛ داوری‌ای که کارکرد آن تعیین برنده نیست، بلکه تحلیل استدلال‌ها و آشکار کردن قوت‌ها و ضعف‌هاست. جمعی از متخصصان باید پس از هر مناظره، به‌طور رسمی کیفیت گفت‌وگو را ارزیابی کنند، مغالطات را توضیح دهند و جایگاه علمی ادعاها را روشن کنند. این بخش، حلقه اتصال مناظره با فهم اجتماعی است و کمک می‌کند مخاطب بداند کدام سخن پشتوانه معرفتی دارد و کدام صرفاً بر هیجان و بلاغت استوار است.

در نهایت، پلتفرم‌های برگزارکننده مناظره باید رسالت خود را حقیقت‌جویی بدانند، نه تولید هیجان و ویروس‌سازی رسانه‌ای. تبدیل مناظره به کالای پربازدید، ماهیت آن را تهی می‌کند و سخن را در خدمت کلیپ‌سازی و روندهای وایرال قرار می‌دهد. اگر رسانه‌ها به جای تحریک حس

تماشاگر، به ارتقای سطح فهم مخاطب متعهد شوند، مناظره می‌تواند از یک نمایش رسانه‌ای به فرآیند روشنگری جمعی تبدیل شود.

اگر این اصول رعایت نشود، مناظره از مسیر حقیقی خود منحرف می‌شود و به بستری برای بازتولید تک‌گویی، جنجال‌سازی یا تقابل‌های نمایشی تنزل پیدا می‌کند. اما التزام به این چارچوب، مناظره را به جایگاه اصیل خود بازمی‌گرداند؛ جایی که حقیقت در میدان استدلال‌ها آشکار می‌شود و جامعه می‌تواند گفت‌وگو را نه به‌عنوان هیجان، بلکه به‌مثابه ابزار رشد فکری تجربه کند.

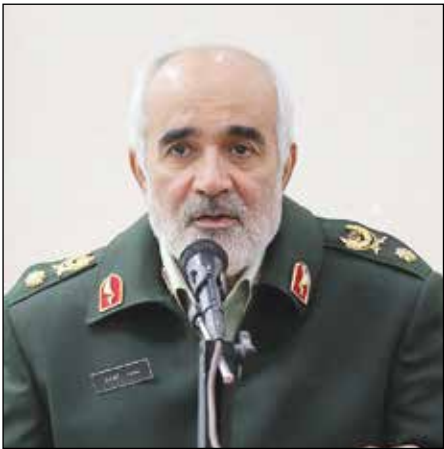
از همه این مباحث مهم‌تر، مسئله «فرهنگ مناظره» است؛ زیرا بدون شکل‌گیری فرهنگ درست، حتی بهترین مناظره‌ها نیز اثرگذاری واقعی نخواهند داشت. مشکل امروز صرفاً کمبود مناظره نیست، بلکه نوع مواجهه بخش‌هایی از جامعه با مناظره است؛ جایی که برخی افراد یا جریان‌ها، به‌جای پذیرش قواعد گفت‌وگوی سالم، بخش‌هایی از مناظره را تاقطیع می‌کنند و تنها سخنان فرد محبوب خود را بازنشر می‌کنند، بی‌آنکه پاسخ طرف مقابل را نشان دهند. این رفتار، بازگشت آشکار به گفتار یک‌طرفه و در حقیقت نوعی فریب و بی‌اخلاقی رسانه‌ای است؛ زیرا در منطق، آن‌که پاسخ طرف مقابل را پنهان می‌کند، رسماً شکست خورده است. فرهنگ مناظره یعنی اینکه جامعه بیاموزد مناظره را باید کامل و با دقت دنبال کرد، نه در قالب کلیپ‌های گزینشی و تک‌د. حقیقت در میدان کامل استدلال داوری می‌شود، نه در برش‌های کوتاهی که برای تثبیت ذوق سیاسی یک جریان ساخته می‌شود. اگر این فرهنگ اجتماعی نهادینه شود، مناظره می‌تواند کارکرد واقعی خود را باز یابد و به ابزار سنجش حقیقت بدل شود، نه وسیله تأیید پیش‌داشته‌ها و تعصبات.

مناظره در معنای عمیق خود، نه یک قالب رسانه‌ای؛ بلکه «زیرساخت تمدنی» هر جامعه‌ای است که می‌خواهد عقل جمعی و رشد پایدار داشته باشد. جامعه‌ای که گفت‌وگو را کنار بگذارد، دیر یا زود دچار فرسایش فهم، رشد سطحی‌نگری و غلبه روایت‌های بی‌پایه می‌شود؛ زیرا حقیقت بدون مواجهه مستقیم با استدلال‌های رقیب، در غباری از هیجان‌ها و برش‌های ناقص گم می‌شود. مناظره نه برای برنده‌سازی، بلکه برای حقیقت‌یابی است؛ زیربنایی که اگر در جامعه نهادینه شود، مسیر تمدنی آن جامعه بر پایه عقلانیت، آگاهی و مسئولیت‌پذیری عمومی استوار می‌شود.

چشم‌انداز آینده مناظره در جامعه ما، در گرو مدیریت درست و فاصله گرفتن از هیجان‌سازی‌های رسانه‌ای است. اگر مناظره بر بنای قواعد حرفه‌ای و فرهنگ صحیح اداره شود، می‌توان آن را از حاشیه به متن گفت‌وگوی ملی آورد و جریان دانهی و متراکمی از مباحثه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی مسائل محلی ایجاد کرد؛ جریانی که مردم را از مخاطبان منفعل مصرف‌کننده محتوا به ناظران فعال و تحلیلگر تبدیل می‌کند. چنین تحولی، می‌تواند «جهاد تبیین» را از سطح توصیه‌های پراکنده به سطح یک دگرگونی عمیق در فرهنگ فکری جامعه ارتقا دهد. در سنت اسلامی نیز مناظره میدان نزاع نیست؛ عرصه‌ای است برای ظهور حقیقت از دل تقابل استدلال‌ها. همین معنا امروز بیش از هر زمان دیگر ضروری است؛ زیرا جامعه‌ای که حقیقت را در گفت‌وگوی عقلانی جست‌وجو کند، کمتر گرفتار روایت‌های ساختگی و هیجان‌های گذرا می‌شود و مسیر پیش‌روی خود را با بصیرت جمعی انتخاب خواهد کرد.

نماینده ولی فقیه در سپاه در پانزدهمین جشنواره مالک اشتر

معنویت با بخشنامه و کلاس نمی‌شود



مبنای ارزیابی اشراف فرماندهی معظم کل قوا در سال ۱۴۰۳، نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عنوان برترین و موفق‌ترین سازمان در میان سازمان‌های نیروهای مسلح برای معرفی در جشنواره سراسری مالک اشتر برگزیده شده است که این موفقیت مرهون مجاهدت‌های مدیران و حمایت‌های ستاد کل است.»

وی با تشریح فرآیند انتخاب برگزیدگان در این دوره از جشنواره، خاطر نشان کرد: «تمرکز ما بر رده‌های موفق‌تر با در نظر گرفتن رصد همه عرصه‌های مأموریت (راهبردی، موضوعی، تخصصی و پشتیبانی) بوده و انتخاب‌ها بر اساس امتیازات سال ۱۴۰۳، میزان رشد نسبت به دوره قبل و محورهای اساسی پنج‌گانه صورت گرفته است.»

دبیر اشراف نمایندگی ولی فقیه در سپاه معیارهای پنج‌گانه ارزیابی تبیین کرد و گفت: «معیارهای پنج‌گانه ارزیابی بدین شرح است رهبری تحول‌آفرین؛ به معنای مهندسی ارزش‌ها به جای رضایت به وضع موجود و تبدیل ایمان به نیروی محرکه. مدیریت مبتنی بر بصیرت شامل تشخیص عمیق جنگ نرم و نفوذ دشمن و تسلیح فکری کارکنان. کارآمدی مبتنی بر اخلاص؛ عملیاتی کردن اهداف با کمترین هدررفت منابع و بالاترین کیفیت، فارغ از نمایش‌های دنیوی.» وی افزود: «کارایی سازمانی مبتنی بر الگوهای چابک، کاهش لایه‌های غیرضروری و اجرای مأموریت‌ها با دقت، سرعت و انعطاف‌پذیری. سازگاری با الزامات نوین ارتباطی؛ توانایی بهره‌برداری از سامانه‌های هوشمند و منطق‌های ارتباطی عصر دیجیتال.»

سردار شپاسی به ترکیب منتخبان این دوره اشاره و عنوان کرد: «برگزیدگان شامل دو نمایندگی از نیروها و سازمان بسیج، دو رده عمده، سه سپاه استانی درجه یک، سه سپاه استانی درجه دو، یک معاونت مدیریتی و یک معاونت تخصصی ستاد نمایندگی، یک نفر از فرماندهان (دارای بیشترین امتیاز، رشد و مشارکت) و دو نفر از مسئولان موفق در عرصه بسیج هستند.»

وی با نگاهی واقع‌بینانه به وضعیت موجود، یادآور شد: «با وجود تمامی موفقیت‌ها، در گزارش‌های اشراف و بازدیدهای میدانی آسیب‌هایی نیز مشاهده شده است که توجه به آنها در سیاست‌گذاری‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد و اهتمام به رفع این آسیب‌ها همواره مورد تأکید نماینده محترم ولی فقیه در سپاه است تا ان‌شاءالله همواره اهل قبیله ولایت و از جنس منتظران آخر الزمانی باشیم.» در پایان این مراسم از فرماندهان، مسئولان و مدیران رده‌های موفق تر نمایندگی در انجام مأموریت‌ها در سال ۱۴۰۳ با اهدای لوح سپاس قدردانی شد.



زحمات مجموعه نمایندگی ولی فقیه در سپاه اظهار امیدواری کرد: «امیدوارم مسیر رشد و تعالی سازمان تداوم یافته و در این مسیر نقاط ضعف شناسایی شده در اشراف به نقاط قوت و حرکت به سمت قله‌های ترسیم شده از سوی رهبر معظم انقلاب تبدیل شود.»

♦ **انتخاب نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عنوان سازمان برتر نیروهای مسلح در سال ۱۴۰۳**
سردار مجید شپاسی، دبیر اشراف نمایندگی ولی فقیه در سپاه، در ابتدای این مراسم یادای احترام به مقام شامخ شهید، به‌ویژه پرچمداران دفاع از حریم و حرم و قهرمانان غزه و لبنان و خون‌شریکان سردار شهید نیلوفر وشان، گزارش جامعی از روند ارزیابی و وضعیت عملکردی این نهاد ارائه کرد.

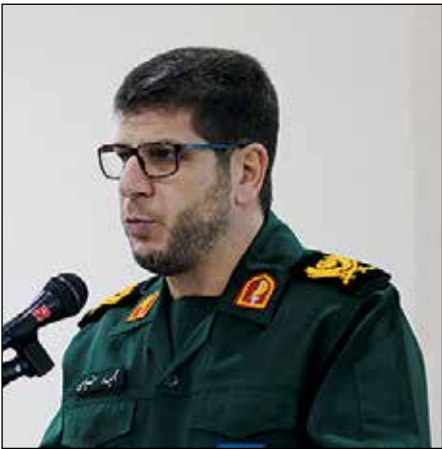
سردار شپاسی با اشاره به اینکه رسالت نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قلب تپنده عقیده، ایمان، بصیرت و گفتمان ارزش‌های والای اسلام و انقلاب اسلامی در پیکره سپاه است، تأکید کرد: «عملکرد موفق این نهاد مستقیماً با عمق ایمان و انگیزه جهادی رزمندگان در خطوط دفاعی مرتبط است.»

وی با اشاره به ماهیت جشنواره مالک اشتر به عنوان آیین‌ای از خرد، وفاق و عزم جمعی برای تحقق فرامین فرماندهی معظم کل قوا، افزود: «نگاه آماری به نتایج عملکرد رده‌های تابعه، رشد و پیشرفت آشکار وضعیت نمایندگی را نشان می‌دهد؛ به طوری که نمودار شاخص‌های عملکردی در اکثر قریب به اتفاق رده‌ها صعودی است.»

دبیر اشراف نمایندگی ولی فقیه در سپاه با بیان جزئیات مقایسه عملکردها در هشت سال گذشته و دوران مسئولیت حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی، اظهار کرد: «در این دوره هشت ساله، منحنی رشد عملکرد نمایندگی همواره صعودی بوده و هیچ‌گاه دچار توقف یا پس‌رفت نشده است؛ به طوری که در پایان سال گذشته با قرار گرفتن در بالاترین دهک امتیازات، به طیف عالی ارتقا یافته و شاخص عملکرد در ارزیابی‌های اشراف کلی و دفتر عقیدتی – سیاسی، بیش از ۴ نمره (معادل ۲/۵ درصد) رشد داشته است.»

وی با تأکید بر اتقان و اعتبار شاخص‌های ارزیابی، تصریح کرد: «همخوانی نتایج ارزیابی‌های اشراف نمایندگی با نتایج ستاد کل نیروهای مسلح نشان‌دهنده دقت و بی‌طرفی کار گروه‌های تخصصی است؛ ضمن اینکه میانگین امتیازات ستاد کل حتی بالاتر از ارزیابی‌های داخلی ما بوده که این امر مؤید پایایی روش‌های سنجش است.»

سردار شپاسی با اعلام خبر موفقیت بزرگ این نهاد گفت: «بر



رویکرد اکتفا به گزارش‌های مکتوب گفت: «مسئولیت اصلی اشراف بر عهده خود فرماندهان است و باید در میدان حضور داشته باشد، ببیند، بشنود و لمس کند تا گزارش‌های کاغذی را با واقعیت‌های میدانی راستی‌آزمایی کند؛ چرا که نداشتن اطلاع دقیق از وضعیت، منجر به تصمیم‌گیری‌های اشتباه خواهد شد.»

وی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و شهدای جبهه مقاومت و جنگ ۱۲ روزه گفت: جشنواره مالک اشتر نمادی از عزم راسخ برای ارتقای آمادگی‌های همه‌جانبه است و فلسفه اصلی اشراف، ایجاد تصویری روشن، واقعی و به‌روز از وضعیت نیروها برای فرماندهی است.

دبیر اشراف فرماندهی معظم کل قوا با بیان اینکه مبنای تصمیم‌گیری‌های فرمانده معظم کل قوا، گزارش‌های ارسالی از سطح نیروهاست، افزود: «صداقت، امانت‌داری و واقع‌بینی در تنظیم گزارش‌ها یک اصل خدشه‌ناپذیر است. شناخت ضعف‌ها و کاستی‌ها نه تنها ایراد نیست، بلکه مقدمه رفع آنها و حرکت رو به جلوست؛ لذا نباید در ارائه گزارش‌ها دچار پنهان‌کاری یا بزرگ‌نمایی شد.»

وی با تأکید بر تفاوت ماهوی توان رزم در جمهوری اسلامی با سایر ارتش‌های کلاسیک جهان تصریح کرد: «اگر چه ارتقای تجهیزات، آموزش و تکنولوژی از لحاظ بعد فیزیکی بسیار مهم است و خداوند نیز بر «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» تأکید فرموده، اما آنچه در میدان‌های نبرد نامتقارن سرنوشت‌ساز است، بعد معنوی و نرم‌افزاری قدرت است. تجربیات دفاع مقدس و جنگ‌های اخیر نشان داده است که با وجود نابرابری تکنولوژیک با دشمن، این روحیه شهادت‌طلبی و باورهای اعتقادی است که پیروزی را رقم می‌زند.»

سردار تشکری با اظهار به نقش ویژه حوزه نمایندگی ولی فقیه در ساخت این قدرت درونی خاطر نشان کرد: «سنجش آمادگی‌های معنوی و اعتقادی بسیار دشوارتر از سنجش تجهیزات فیزیکی است و نیازمند شاخص‌های کیفی دقیق است. خروجی کار نمایندگی ولی فقیه باید در رفتار پاسداران، در انس با قرآن، در استحکام بنیان خانواده و در سبک زندگی اسلامی نیروها متبلور شود.»

وی با اشاره به جنگ شناختی دشمن علیه خانواده‌های نیروهای مسلح گفت: «امروز دشمن کانون خانواده را هدف قرار داده است و موقعیت مازمانی حاصل می‌شود که اثرات بر نامه‌های فرهنگی و عقیدتی را در پوشش، حجاب و نماز خانواده‌ها و فرزندان کارکنان مشاهده کنیم.»

دبیر اشراف فرماندهی معظم کل قوا در پایان با قدردانی از

گروه سپاه

صبح صادق

پانزدهمین جشنواره مالک اشتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه به منظور معرفی مسئولان و مدیران رده‌های موفق تر، با حضور حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه، سردار سرتیپ محمود تشکری، دبیر اشراف فرماندهی معظم کل قوا، جمعی از فرماندهان، مسئولان، مدیران و همچنین رده‌های نمایندگی ولی فقیه در سپاه بصورت ارتباط تصویری برگزار شد.

♦ **اشراف، باید از گزارش‌دهی کمی به سمت معاینه و تشخیص حرکت کند**

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در این همایش با انتقاد از غلبه کمیت بر کیفیت در برخی گزارش‌های سازمانی، گفت: «هدف اصلی اشراف، تشخیص واقعیات برای انجام صحیح تکلیف است. اشراف باید هدفمند باشد و به مثابه یک معاینه دقیق عمل کند تا نشان دهد سازمان و نیروها چقدر به اهداف واقعی، یعنی رشد انسانی و ارتقای معنوی نزدیک شده‌اند، نه اینکه صرفاً آمار برگزاری کلاس‌ها و جلسات را ارائه دهد.»

دکتر حاجی‌صادقی با اشاره به فرمایش حضرت امام خمینی (ره) در اوایل انقلاب مبنی بر اینکه نگران انقلاب نباشید، انقلاب راه خود را می‌رود، مواظب باشید از امواج انقلاب جا نمانید، گفت: «طبق وعده الهی، دین خدا شکست‌ناپذیر است و هیچ اراده‌ای بر اراده خدا غلبه نمی‌کند؛ لذا در مواجهه با فتنه‌ها و تهاجمات، خداوند تهدیدها را به فرصتی برای اقتدار نظام تبدیل می‌کند و مهم این است که ما سهم خود را در این جهاد پیدا کنیم.»

در ادامه نماینده ولی فقیه در سپاه با تبیین مفهوم اشراف الهی و تأثیر آن بر سبک مدیریت، اظهار داشت: «قرآن کریم می‌فرماید علاوه بر مأموران ثبت اعمال (عتید و رقیب)، خود خداوند نیز بر آنچه از دیدگان دیگران پنهان است، اشراف دارد. اگر مدیران و فرماندهان ما باور کنند که در محضر خدا هستند و او نه تنها اعمال، بلکه نیات را می‌بیند و ضبط می‌کند، سبک زندگی، مدیریت و گزارش‌دهی آنها متحول خواهد شد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه تکلیف‌گرایی شاخصه اصلی مؤمن انقلابی است، افزود: «برای رسیدن به سعادت باید محور زندگی را بر مدار تکلیف قرار دهیم، اما عمل به تکلیف متوقف بر تکلیف‌شناسی است و شناخت تکلیف نیز بدون درک صحیح از واقعیت‌ها ممکن نیست؛ چرا که واقعیت‌های مختلف همچون جنگ سخت، نرم یا شناختی، تکالیف متفاوتی را دیکته می‌کنند.» وی با اشاره به شکست دشمن در نبردهای میدانی اخیر خاطر نشان کرد: «دشمن در جنگ ۱۲ روزه با تمام امکانات آمد، اما سبیلی خورد و با التماس عقب‌نشینی کرد. باید هوشیار باشیم که دشمن در جنگ شناختی اعلام آتش‌پس نکرده است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی با هشدار نسبت به خطر نفاق داخلی گفت: «وقتی قرآن از عذاب منافقین سخن می‌گوید، منظور صرفاً گروهک‌های تروریستی اصطلاحی نیست، بلکه شامل کسانی است که ایمان‌شان به نفاق آلوده شده است و این خطر در جنگ شناختی که از داخل و بیرون ما را تهدید می‌کند، جدی‌تر است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با اظهار به اینکه اشراف نباید به یک سلسله گزارش‌های کمی و اثبات‌شده صفحات تبدیل شود، تصریح کرد: «من نگرانم که کمیت‌ها از کیفیت‌ها کاسته باشند؛ اشراف باید هدفمند باشد و به مثابه یک معاینه دقیق عمل کند تا نشان دهد سازمان و نیروها چقدر به اهداف واقعی، یعنی رشد انسانی و ارتقای معنوی نزدیک شده‌اند، نه اینکه صرفاً آمار برگزاری کلاس‌ها و جلسات را ارائه دهد.» وی با تأکید بر خطرات جنگ شناختی و تلاش دشمن برای تحریف واقعیت‌ها، خاطر نشان کرد: «رهبر معظم انقلاب بصیرت در شناخت واقعیت‌های خارجی را بسیار حیاتی می‌دانند؛ چرا که دشمن در جنگ شناختی تلاش می‌کند با واقعیت‌سازی کاذب، ما را به عکس‌العمل‌های اشتباه وادار کند و اینجاست که اشراف صحیح باید به کمک فرمانده بیاید تا واقعیت را از فریب تشخیص دهد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی با انتقاد صریح از هرگونه نبود صداقت در گزارش‌ها گفت: «دروغ گفتن حرام است، اما دروغ نوشتن و گزارش خلاف واقع دادن به سلسله‌مراتب ولایت، گناهی بزرگ‌تر و نابخشودنی است؛ زیرا تصمیم‌سازی‌های کلان بر اساس این گزارش‌ها انجام می‌شود.» وی با قدردانی از زحمات انجام شده، اما ناکافی دانستن آنها، یادآور شد: «موفقیت‌های کسب شده نباید ما را راضی کند؛ ما باید دائماً خود را با ترازهای الهی و انتظارات امام زمان(عج) بسنجیم و بدانیم که معنویت با بخشنامه و کلاس حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند سیره عملی و باور قلبی به مبدأ و معاد است.»

♦ **گزارش‌های کاغذی ملاک نیست**

در بخش دیگری از مراسم سردار محمود تشکری، دبیر اشراف فرماندهی معظم کل قوا با اشاره به اهمیت نظارت میدانی و نقد

عکس: حامد گودرزی



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللهی فر،رضاصارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳۰۳۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۱۶ | دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

کتیبه

سلام علی آل یسی

زیباست روزگار اگر با تو سر شود
با ارزش است جان به فدایت اگر شود
باز ای بهار فصل بهار آمد و تو نه
باز آ که ابر روی سرم بارور شود
تا از کویر می گذری، باغ می شود
سبز از تو دشت و دره و کوه و کمر شود
ما که ندیده عاشق روی شما شدیم
برگرد تا ارادت مان بیشتر شود
صبحی که بی شما برسد مایه غم است
شب بی شما خیال ندارد سحر شود
باران ببار! تا که نسوزم ز بی کسی
در دل مباد آتش غم شعلهور شود
دل با تو زنده است، هنر یعنی عاشقی
برگرد تا نصیب دلم این هنر شود

مریم بسحاق

ایران قوی

این قوم، مرامش علوی بوده همیشه
از پس که علی گفته، قوی بوده همیشه
ترک و لر و کرد و عرب و شیعه و سنی
در دین محمد اخروی بوده همیشه...
هشدار که افراط به تقریط می افتد
با تندروی کندروی بوده همیشه
دعوا سر بنزین و حجاب و صف نان نیست
دعوا سر ایران قوی بوده همیشه
«ما زنده به آئیم که آرام نگیریم»
این قصه اگر می شنوی، بوده همیشه

مهدی جهاندار

بهار بی خزان

زمستان دوره اش سر شد ، بهار بی خزان آمد
تمام علت خلقی کران تا بی کران آمد
چه غوغایی شده بر پا ، که دنیا آمد امشب که
سراسیمه جنان بهر زیارت بر چنان آمد؟!
همان که چون شب قدر است قدرش تا بد پنهان
همان که چون خدا دارد نشان در بی نشان آمد
نماید نوش جان قرآن ، سه جرعه آیه کوثر
بگو بر ایتران نسل رسول انس و جان آمد
بزن بر طبل شادی شیعه ی اثنی عشر امشب
دلیل محکم حق بودن آیین مان آمد
مبارک باشد عید سهله ای ها، جمکرانی ها
که امشب الگوی آقای ما صاحب زمان آمد
خدا پر کرده از عطر گل یاسش دو دنیا را
دهد جور دگر امشب جواب مادری ها را
به عشق تو خدا بخشید بر فردوس، کوثر را
نمی بیند دو عالم تا قیامت از تو بهتر را
تو دنیا آمدی گویی، فقط کفوت علی باشد
نباید با کسی جز تو ، برابر کرد حیدر را
برای شرح قدری از ، کتاب قدر تو مادر
یقین دارم خدایت آفریده روز محشر را
نگاهت نه، خودت نه، رشته ای از چادرت کافی است
کند تا که مسلمان در شبی، یک ایل ، کافر را
محمد حسین رحیمیان

صبحانه

اتکا به خداوند

وقتی قادر به تغییر بعضی چیزها نیستیم، نباید روزهای مانده را با افسوس و حسرت خراب کرد. دنیا همین است، بادهای آن همیشه موافق نیست. تنها با امید به خدا و اتکا به اوست که حتی تلخی ها هم شیرین خواهد شد.

داستان

مادری که جنگ، بچه هایش را خواباند

با هیچ صدای بلندی به بیداری نمی رسید. زیر پلک های زن ولی یک فیلم گردوخاک گرفته، روی دور تند داشت پخش می شد؛ روزهای بی بچه ای، آزمایش های جورواجور، قرص های بی اثر کلومیفن، هزارتا آمپول گونالاف، انکسوپارین های ضد انعقاد خون، اضطراب های روز پانکچر و... انتقال جنین. این جای فیلم، بازیگر نقش اصلی چهارده روز می رود گوشه یک تخت، هیچ تکان اضافه نمی خورد، دامن خدا را سفت می چسبد و ثانیه ها را می شمارد تا روز آزمایشگاه. روز چهاردهم، این عدد بتای روی برگه آزمایش است که می گوید زن، برنده شده یا سر هیچ و پوچ سلامتی اش را گذاشته وسط. «رانیا» یک سال ونیم پیش، پیروز آن میدان شده بود، بعد ده سال جنگیدن با ناباروری و چندبار گلاویز شدن با آی وی اف. من چشم بسته می دامن حال آن روز رانیا

فرزانه سادات حیدری

نویسنده

من رنج درمان های ناباروری را از حفظم. می دانم ساعت ها توی مطب هایی که کیپ آدم است، چقدر کند می گذرند. داروهای تهاجمی و محرک های هورمونی که عوارضش چاقی، استخوان درد، کپیرهای پوستی، ریزش مو، سر شدن بازوها، دردهای جسمی و کج خلقی است را، تجربه کرده ام. همه این سختی ها به بغل کردن یک موجود نرم و لطیف که زیر گلوش، بوی بهشت می دهد، می ارزد و حس اینکه تو مادر یک فرشته بندانگشتی باشی، به این همه رنج و سختی می چربد.

از طوفان الاقصی چند ماهی می گذشت که عکس «رانیا» را توی گوگل دیدم؛ زنی با چادر گلگلی سر مه ای که داشت با دو بچه وداع می کرد. زیر چشم های بسته بچه ها، خواب عمیقی بود که

چطور بوده. مثل کشتی گیری که هزار بار مبارزه کرده و فقط بار آخر قهرمان شده. شیرینی آن برد، غم روزهای شکست را کم رنگ می کند. می توانم تصور کنم رانیا، همسرش، پدر و مادرش چقدر آن روز گریه کرده باشند و از ته دل خندیده باشند. حالا فیلم پشت پلک های زن، رسیده به روز تولد «وسام» و «نعیم» پسرهای دوقلوی رانیا و بعد خیلی زود می رسد به پرده آخر؛ بی آنکه بچه ها به حرف آمده باشند و حداقل یک بار به مادرشان گفته باشند «مامان»، یا یک مرتبه مادر، هم قدشان تاتی تاتی کرده باشند. روی خاطرات روزهای خوب رانیا، روی چیزهای دوست داشتنی و محبوب او رد چنگال های خونی اسرائیل معلوم است. یک بار خانه اش را گرفت، یک بار رؤیای مادر بودن اش را، بچه هایش را... و این بار جنگ بود که بچه های رانیا را آرام خوابانده بود.

صادقانه

صندوقچه راز

سینه عاقل صندوقچه راز اوست و خوش رویی دام دوستی است و برد باری، گورگاه زشتی ها. و نیز آشتی جویی، سرپوش عیب هاست و هر که از خود خشنود بود، خشم گیرندگانش پسیارند.

حکمت ۶ نهج البلاغه

غیر رسمی

همین برایم کافی است

خرده روایت هایی از دیدار هزاران نفر
از زنان و دختران با رهبر معظم انقلاب



از همان لحظه ورودم به حسینیه، توجهم را جلب می کند. با آن چشمان خیس و سرخش. نشسته روی صندلی، نوزادش را در آغوش گرفته و زل زده به جایگاه. نامش فاطمه است؛ ۲۷ ساله و پرستار. از آن پرستارهایی که توی مرخصی زایمانش در جنگ دوازده روزه، داوطلبانه برگشته سرکار تا باری از روی دوش کشور بردارد. کنارش که می نشینم، با خوش رویی لب باز می کند: «اصلاً فکرش را نمی کردم که یک روز بیایم اینجا؛ دیشب هشت شب خبر دادند. از برنامه خط قرمز. برنامه ام را دیدی؟»

شرمند اش می شوم. اشکی را که راه باز کرده روی گونه اش با پشت دست پس می زند و می گوید: «با خودم گفتم حتی اگر پشت در حسینیه بمانم، حتی اگر جایی برای ایستادن هم نداشته باشم، همین که جایی باشم که رهبرم نفس می کشد، برایم کافی ست...» از گذشته می پرسم. جواب می دهد: «بعد از وعده صادق! خیلی دیدگاهم عوض شد. دیگر آن گارد را نسبت به حکومت و ایشان نداشتم. فلسطین نقطه اشتراک آزادی خواهان جهان است. بعد از شهادت شهید رئیسی هم رفتم مشهد، روبه روی گنبد ایستادم و از امام رضا یک پسر خواستم تا اسمش را بگذارم علی؛ هم نام رهبرم. دیده ای؟ اصلاً کسانی که نام مبارک علی دارند، یک جذبه خاصی دارند. مثل رهبرم.» به نوزادی که آرام در آغوش خوابیده نگاه می کنم. صورت فاطمه تا آخر مراسم خیس است و چشم هایش سرخ.

سیده فاطمه موسوی

حسن ختام

محبوب قلب های خسته!

سلام امید روزهای رفته! سلام به شما و پناه به بهار سبز حضورتان از پاییزهای ساکت بی هیاهو! پناه به شما و مهربانی بی بدیل تان که چارمسست نامهربانی و تلخی روزهای سرد بی باران را. همین روزهای که زندگی شان می کنیم، همین عمری که دارد سخت و تلخ می گذرد، چون چاره بیچارگی مان را در کنار نداریم. محبوب قلب های خسته! صدا های بی رمقی که رو به سوی آسمان، تمنای تان را دارد بی اجابت نگذارد و به فریاد بی کسی مان برسد. شما که از جهان پر زرق و برق بی رونق ما با خبرید، می دانید که دنیا بی شما متاع ارزانی ست؛ کم سود و بی بهره و چه زیان ها و خسارت هایی که به ما رسید از هر لحظه ای که پادمان رفت آن را با تمنای وصال تان زندگی کنیم. سم به تمام اللهم عجل لولیک الفرج هایی که زمزمه می کنیم، دل ما روشن است به آن جمعه و آن نوری که از سوی شما بر قلب مان بتابد. ما و دستان نیازمان را برسانید به همان جمعه روشن ظهور. روشنی تمام جمعه ها از یاد سبز شماست، صاحب خوب دنیا!